پیام کردستان

PAYAM-E-KURDESTAN/VOL.2 NO.28/SAT.20 May 2006

شنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۵ ـ ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۴۲۷ ـ ۲۰ مه ۲۰۰۶ سال دوم ـ شماره بیست و هشتم ـ ۱۶ صفحه ـ قیمت ۱۵۰ تومان

- آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند
- کلنگ در گذر تاریخ
- اولین سفر رسمی خارجی رئیس اقلیم کردستان
- ما نیز مردمی هستیم
- کارگران متهم سقزی تبرئه شدند
- گلوبالیزم چییه؟
- کوردەکانی تورکەمەنستان
- ناوچەی کەلهور و کەلتوورێکی دێرین و ڕەسەن
- ئەمریکا و ڕۆژهەڵاتی ناوەڕاست
- کێشەکانی عێراق و ئایندەی دیموکراسی

در پی ایجاد محدودیت برای فعالیت‌های صنفی و فرهنگی

اعتراض دانشجویان دانشگاه کردستان

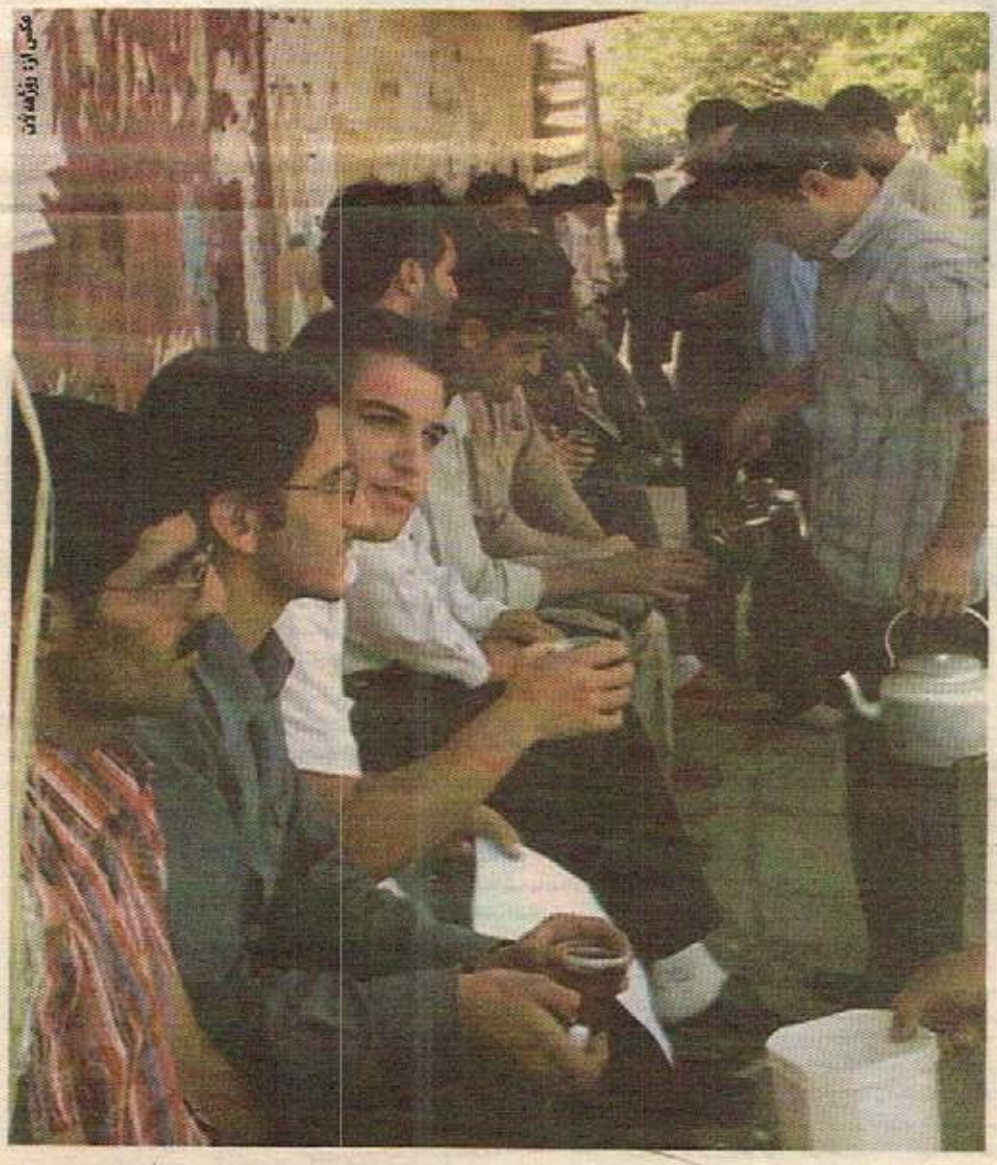

عکس از: روزنامه ایران

گروه سیاسی: هفته گذشته دانشگاه کردستان در سنندج روزهایی ملتهب را پشت سر گذاشت. ماجرا از آن جا آغاز شد که انجمن اسلامی و چهار کانون و تشکل هنری و صنفی دیگر این دانشگاه با صدور بیانیه‌ای، از محدودیت‌های ایجادشده بر سر راه فعالیت‌های فرهنگی، صنفی و دانشجویی انتقاد و از مسئولین فرهنگی دانشگاه خواستند تا در مورخه ۸۵/۲/۲۰ در آمفی تئاتر مولوی حضور یافته و پاسخگوی پرسش‌هایشان باشند. به دنبال عدم حضور مسئولین یادشده روز یکشنبه ۸۵/۲/۲۲ دانشجویان عضو تشکل یادشده به همراه چند نشریه دانشجویی، اطلاعیه‌ای دیگر صادر و با دعوت از رئیس و مسئولین فرهنگی دانشگاه از آنها خواستند تا در مورخه ۸۵/۲/۲۵ در جلسه‌ای عمومی با دانشجویان حضور یافته و مشکلات و خواسته‌های آنها را مورد بحث و بررسی قرار دهند. به دنبال عدم حضور مسئولین مورد بحث، جمعی حدوداً ۳۰۰ نفره از دانشجویان روز بعد در کوی دانشگاه دست به تحصن و اعتراض زدند.

بر اساس گزارش‌ها، این تعداد در روز چهارشنبه به حدود ۲۰ نفر کاهش یافت. همچنین بر اساس منابع غیررسمی با تعدادی از این دانشجویان برخورد "انضباطی" صورت گرفته و بعضاً از حضور در کلاس‌های درس منع شده‌اند. در این زمینه تلاش هفته‌نامه پیام کردستان برای تماس با مسئولین دانشگاه و کسب اطلاع دقیق‌تر به نتیجه‌ای نرسید. لازم به یادآوری است که متن اولین بیانیه اعتراض تشکل‌ها و نشریات مذکور در صفحه ۳ منتشر شده است.

از سوی دیگر سایت خبری سیروان‌نیوز گزارش داد که انجمن اسلامی دانشگاه کردستان به مدت یک ماه تا مورخه ۸۵/۳/۲۲ "تعلیق فعالیت" شده است. دلیل این امر، ظاهراً برگزاری سمیناری تحت عنوان کردها و وحدت ملی (نقد و بررسی ویژه‌نامه کردستان نشریه چشم‌انداز ایران) در مورخه ۸۴/۱۲/۲۰ از سوی انجمن مذکور است. در خبر ارسالی آمده که حکم تعلیق یک ماهه انجمن اسلامی، همزمان با تعلیق تمامی کانون‌های فرهنگی دانشگاه از قبیل "هەژان" شعر و ادب و اهورا است. انجمن اسلامی دانشگاه و کانون‌های ادبی و هنری دانشگاه کردستان، از فعال‌ترین تشکل‌های دانشجویی کشور به شمار می‌روند که به ویژه در چند سال اخیر نقشی مهم در باز کردن فضای سیاسی و اجتماعی شهر سنندج و استان کردستان داشتند. اما محدودیت‌های ایجاد شده در چند ماهه اخیر نقش بسزایی در کاهش فعالیت آنها داشته و اسفند پارسال نخستین یاری بود که هیچ مراسم "جلیجه"ای در دانشگاه‌های استان برگزار نگردید.

بر اساس گزارش ایلنا مجوز فعالیت انجمن اسلامی دانشگاه ابوعلی سینای همدان هم که اکثر اعضای آن را "کردها" تشکیل می‌دهند لغو شده است.

لغو حکم فعالیت و پلمب انجمن اسلامی دانشگاه همدان با اعتراض گروه‌ها و شخصیتهای اصلاح‌طلب استان همدان روبرو شده که آن را انجمنی با سابقه درخشان و جزو قدیمی‌ترین انجمن‌های اسلامی کشور خوانده‌اند. ایجاد محدودیت برای فعالیت‌های دانشجویی این نگرانی را در میان فعالان سیاسی و فرهنگی استان بوجود آورد که این برخوردها در نهایت به بسته شدن فضای سیاسی و فرهنگی و مطبوعاتی بیانجامد که در چند سال گذشته شادابی و سرزندگی خاصی را شاهد بود.

پیام اول

سه پروژه برای خاورمیانه

دکتر صلاح‌الدین خدیو

خاورمیانه یکی از حساس‌ترین نقاط جهان و منطقه‌ای است که هر گونه تغییر عمده‌ای در نظام روابط بین‌الملل و موازنه قدرت در سطح جهانی، به سرعت آثار خود را در آن نمایان می‌سازد. بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر و صدور فرمان حمله به نیویورک از غارهای افغانستان ـ کشوری که با اغماض جزو ناحیه فرضی خاورمیانه محسوب می‌شود ـ اراده استراتژیست‌ها و سودمداران کاخ سفید بر انجام تغییراتی بنیادین در "قلب" خاورمیانه قرار گرفت.

"طرح خاورمیانه بزرگ" ناظر به پروژه‌ای بزرگ و بلندپروازانه است که هدف آن تغییر باقیمانده آرایش سیاسی ناشی از دوران جنگ سرد، در این منطقه ناآرام و پر تب‌وتاب است. اگر در دوران جنگ سرد، سیاست خاورمیانه‌ای غرب، مبتنی بر تقویت و حمایت از رژیم‌های محافظه‌کار عرب متحد غرب در قبال دولت‌های توتالیتر عمدتاً سکولار بود، بر اساس طرح خاورمیانه بزرگ، این سیاست به تغییر رژیم‌های توتالیتر سکولار منطقه و تحمیل تغییرات بنیادی به حکومت‌های محافظه‌کار سنتاً دوست غرب تبدیل شده است. با این هدف که در فرجام آن، خاورمیانه‌ای میانه‌رو، متحد غرب، هماهنگ با اقتصاد جهانی و متمایل به ارزش‌های غربی بوجود بیاید. فارغ از عملی بودن یا نبودن و مشکلات مختلف سر راه آن و مخالفت‌های گوناگون ابراز شده و اوضاع نه چندان بر وفق مراد عراق که تا حدودی چشم‌انداز موفقیت آن را تیره‌وتار ساخته است، تأکید این نوشتار تنها بر ویژگی "کلان" بودن و بلندپروازانه بودن این طرح است که به نظر می‌رسد از اهمیت ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک خاورمیانه ناشی شده باشد.

بدون شک "کلان" بودن طرح مذکور بیشتر از الزامات تغییر نظام روابط بین‌الملل و پیش آمدن فرصت‌های تاریخی ناشی ناشی می‌شود که معمولاً در بازه‌های زمانی چند ده ساله پیش می‌آیند. چه می‌توان ادعا نمود که تغییر موازنه قدرت در سطح بین‌الملل، در خاورمیانه بسترهای داخلی و تاریخی مناسبی هم یافته که شاید دلیل کلی و عمده آن را بتوان شکست سیاست‌های "شبه‌مدرنیزم" وارداتی و مصنوعی در بیشتر کشورهای این منطقه دانست. اما در واقع این پایان ماجرا نیست. همین عامل دوم موجب بیدار شدن بخشی از نیروهای اجتماعی هم شده که در پی شکست پارادایم‌های ناسیونالیزم عربی، سوسیالیزم دولتی و قرائت‌های اصلاحی و میانه‌رو از اسلام، آینده و یا به تعبیری دقیق‌تر، "ارضای حس نومیدی" خود را در رادیکال‌ترین گزینه‌های بنیادگرایی اسلامی و در رأس آنها سازمان القاعده و متحدان تندرویش می‌بینند.

القاعده عمده‌ترین گروهی است که نه تنها طرح خاورمیانه بزرگ را نپذیرفته، بلکه بارها از ارائه طرح بدیل خود و "خاورمیانه اسلامی" سخن گفته و در عمل هم با کشاندن عرصه‌های نبرد خود به کشورهایی مانند عراق، مصر، اردن و عربستان و... برای آن تلاش نموده است. به صورت مشخص، سران القاعده در پیام‌های ایمن الظواهری و نامه مفصل "سیف‌العدل" نفر سوم این تشکیلات تروریستی به ابومصعب زرقاوی از این موضوع سخن گفته و تمام توان و تلاش خود را هم برای به شکست کشاندن این طرح در عراق، به عنوان مرحله آغازین آن، به کار گرفته‌اند.

سران القاعده به صراحت از اهداف خود برای سرنگون کردن رژیم‌های منطقه و ایجاد "امارتی اسلامی" در آن و آماده شدن برای نبرد نهایی با اسرائیل و سپس غرب سخن می‌گویند. اگر از بخشی از این ادعاها، به عنوان لفاظیهای جنگ‌طلبانه بگذریم، حمایت و تمایل بخشی از خرده‌بورژوازی خاورمیانه از بنیادگرایی و آمادگیش برای فداکاری در راه آن را نمی‌توان نادیده گرفت.

اما سومین طرح "کلان" اعلام‌شده برای خاورمیانه، هم بیشتر در سطح تئوری مانده و هم از جانب گروهی بیان شده که برای افکار عمومی، خیلی کمتر از گروه‌هایی مانند "القاعده" شناخته شده است. "کنفدراسیون خلق‌های خاورمیانه" آرمان‌شهر حزب کارگران کردستان، مهم‌ترین سازمان ناسیونالیست کرد و احتمالاً بزرگترین گروه چپگرای جهان (مطابق مدل لنینیستی احزاب) است. برنامه پ.ک.ک در این زمینه، در آغاز بر اساس تشکیل کنفدراسیون کردستان (مرکب از کردهای عراق، سوریه، ایران، ترکیه) و در مرحله بعد "اتحاد داوطلبانه خلق‌های خاورمیانه" است تا به رؤیای آپوئیزم (نسخه کردی و ناسیونالیستی مارکسیزم) جامه عمل بپوشاند. پرواضح است که پ.ک.ک برای تحقق این آرمان‌شهر امکانات عملی چندانی در اختیار ندارد، اما می‌توان حدس زد که زمینه واقع‌گرایی مستتر در طرح، و احتمالاً انگیزه طراحان آن شاید برخاسته از

۲ ←

سەندیکای ڕۆژنامەنووسانی کوردستان لە تاران

۱۲ ←

وێنە: ئەبەز ڕۆستەم

لە سەر بانگێشتنی ئەنجومەنی سینفی ڕۆژنامەوانانی ئێران لە ڕۆژی ۳۰ی گوڵانی ساڵی ۲۰۰٦ی زایینی شاندێکی سەندیکای ڕۆژنامەنووسانی کوردستانی عێراق بەرەو وڵاتی کۆماری ئیسلامی ئێران وە ڕێ کەوتن. شاندەکە بریتی بوون لە: بەڕێزان فەرهاد عەونی ئەقیبی سەندیکای ڕۆژنامەنووسانی کوردستان، مستەفا سالح کەریم جێگری ئەقیب و...

ڕۆژنامەگەری ڕانتێر و چەند وتەیەك ۱۶

کرماشان بەرەو گەشەی زمان و کەلتووری کوردی ۱۳

میتینگی ئەغدە هەڵە بوو ۱۴

تێکۆشەری کوردستان، لەیلا قاسم ۱۶

روزنامەنگاری کردی و ناخرسندی‌هایش ۴

دیگر از قارچ بدم نمی‌آید! ۲

استاندار آذربایجان‌غربی: مهاباد محروم نیست ۸

انقلاب و بازتولید بی‌اعتمادی در کردستان ۵

سفری به مهاباد و دیدار با پیام ۳

کوتاه از ...

معرفی فرماندار جدید مهاباد

پیام کردستان: روز ۲۱ اردیبهشت استاندار آذربایجان‌غربی همراه هیأتی از مسؤلان جهت معارفه فرماندار جدید مهاباد در سالن اجتماعات فرمانداری حاضر شد، در این مراسم ضمن تقدیر از خدمات سید معروف صمدی فرماندار پیشین، جعفر ذوالفقاری به عنوان فرماندار شهرستان مهاباد معرفی گردید، ذوالفقاری متولد ۱۳۴۶ بوکان و لیسانس علوم اجتماعی است.

وی به مدت ۱۳ سال ریاست جمعیت هلال احمر شهرستان مهاباد را بر عهده داشت. ذوالفقاری بعد از سید معروف صمدی دومین فرماندار و اهل سنت مهاباد بعد از پیروزی انقلاب اسلامی است. صمدی مدت چهل ماه فرمانداری مهاباد را بر عهده داشت.

کناره‌گیری "اتحادیه دموکراتیک دانشجویان کرد" از "جبهه متحد کرد"

سیروان‌نیوز: اتحادیه دموکراتیک دانشجویان کرد با صدور بیانیه‌ای تحلیلی با عنوان بیانیه "اتحادیه دموکراتیک دانشجویان کرد" در خصوص تعامل با "جبهه متحد کرد" و دیگر نیروهای سیاسی اعلام کرد که در تعامل با "جبهه متحد کرد" تغییر روش داده و با تغییر مشی، از "نقد از درون و حمایت از بیرون" به "نقد و حمایت از بیرون"، از این به بعد، این اتحادیه دانشجویی در "جبهه متحد کرد" حضور نخواهد داشت.

در این بیانیه که در سایت "اتحادیه دموکراتیک دانشجویان کرد" منتشر شد، از ۵ اصل، تأکید بر هویت کرد بودن و دفاع از حقوق فرهنگی، سیاسی و اجتماعی و مبتنی بر این هویت، حقوق بشر و حقوق شهروندی برابر، اعتقاد به تمرکززدایی و به عنوان روشی موفق و تجربه‌شده در تضمین اتحاد در عین تکثر و رضایتمندی و راهیابی به توسعه و دفاع از اصل آزادی آکادمیک به عنوان دغدغه‌های دانشجویان کرد یاد شده است.

چهارمین جشنواره موسیقی محلی استان آذربایجان‌غربی

پیام کردستان: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان‌غربی و اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی مهاباد با همکاری انجمن موسیقی استان و فرمانداری مهاباد در نظر دارد اول تا سوم خرداد چهارمین جشنواره موسیقی محلی استان را برگزار نماید. اجرای موسیقی در بخش‌های مختلف گروه‌نوازی کردی، گروه‌نوازی آذری، تکنوازی کردی، تکنوازی آذری، آواز کردی و عاشیقی آذری خواهد بود. این جشنواره در سالن سینما تربیت مهاباد برگزار خواهد شد.

کودکان کرد در زندان‌های ترکیه

پیام کردستان: جمعیت حمایت از کودکان کردستان با ارسال پیامی به دفتر هفته‌نامه پیام کردستان اظهار داشته‌اند: که بر اساس اعلام خبرگزاری‌های واشنگتن‌پست و رویتر، ماه گذشته هشتاد کودک به جرم شرکت در تظاهرات اعتراض‌آمیز شهر دیاربکر زندانی شده‌اند و هم‌اکنون در انتظار اعلام حکمی سنگین از جانب دادگاه هستند. این در حالی است که رجب طیب اردوغان آشکارا در مقابل رسانه‌های عمومی اعلام نمود که پلیس ترکیه در صورت لزوم به زنان و کودکان کرد تیراندازی خواهد نمود. در نتیجه این سیاست نادرست تاکنون چند کودک کرد جان خود را از دست داده‌اند. این دقیقاً مصداق نقض کنوانسیون حقوق کودکان سازمان ملل متحد است. ما به عنوان جمعیت حمایت از کودکان کردستان خواهان محکوم کردن این عمل بوده و امیدواریم سایر سازمان‌های مدافع حقوق بشر برای آزادی کودکان دربند کرد تلاش نمایند.

یک زن کرد به عضویت سازمان عفو بین‌الملل درآمد

عفرین‌نت: سازمان عفو بین‌الملل در آخرین نشست کنگره سالانه خود که با حضور پانصد عضو شرکت‌کننده و مهمان و اعضای رسمی این سازمان در کپنهاگ پایتخت دانمارک برگزار گردید بعد از تصویب تعدادی از پیشنهادات ارائه گردیده مبنی بر کاهش تعداد اعضای سرپرستی مرکزی سازمان مذکور از نه عضو به هفت عضو، پس از برگزاری انتخابات و رأی‌گیری خانم "وداد آکرمی" با اکثریت آراء به جمع هفت عضو پیوست. خانم وداد آکرمی در این مورد اظهار داشت که شاخه سازمان عفو بین‌الملل دانمارک از شاخه‌های بسیار مشهور و فعال این سازمان است و درخصوص مسائل اقتصادی و تأثیرگذار جهانی با سایر شاخه‌های این سازمان همکاری تنگاتنگ خواهد داشت.

دیگر از قارچ بدم نمی‌آید!

مسئولین این واقعه دلخراش چه کسانی هستند؟!

لیلی ناصری

اشاره: روزهای گذشته برای مردم روستای قم‌قلعه مهاباد و روستاهای اطراف ایام غمبار و ناگواری بود. فوت چهار نفر از اعضای یک خانواده و مسموم شدن یک نفر دیگر بر اثر خوردن قارچ سمی، که اکنون در بیمارستان بستری است، سایه غم را بر سر روستا گسترانیده بود. پیام کردستان با هدف تهیه گزارش و اطلاع‌رسانی، ابتدا با خانواده داغدیدگان تماس و شرح ماوقع را پرسید. به دنبال گفته آنان مبنی بر اظهار نارضایتی از عملکرد بیمارستان امام خمینی، پیام کردستان با مسئولین شبکه بهداشت و درمان و بیمارستان هم تماس گرفت، که متأسفانه همکاری مناسب و قابل ملاحظه‌ای از خود نشان ندادند. گزارش کوتاه زیر توسط یکی از اهالی روستا تهیه و به دفتر پیام ارسال شده است.

باید از نزدیک شاهد ماجرا می‌بودید و می‌دیدید نه تنها خانواده مصیبت‌دیده بلکه مردم روستای قم‌قلعه تماماً در غم و اندوه بودند، اشک‌ها از دیدگان همه جاری بود. دل همه به درد و شاید به خشم آمده بود، مرد جوان مثل سایر مردم برای تهیه قارچ و لذت خوردن آن وسوسه داشت، برای صرف نهار نه تنها خانواده خود که شامل، زن جوان و پسر ۶ ساله و دختر ۱۱ ساله‌اش بودند، مادر پیر و برادرزاده ۹ ساله‌اش نیز دور سفره می‌نشینند، به غیر از دخترش که از قارچ بدش می‌آمد، دیگر اعضا با اشتیاق کامل قارچی را که سمی بود میل کردند.

بعد از ظهر همان روز دچار درد شدید شکم و اسهال و استفراغ شده و برای مداوا به بیمارستان منتقل می‌شوند. در اورژانس به گونه‌ای سطحی مداوا و با یک سرم و تزریق آمپول آنان را روانه منزلشان می‌کنند و شب همان روز از شدت ناراحتی مجدداً به بیمارستان مراجعه می‌کنند و دو نفر از آنان به ارومیه اعزام می‌شوند و سه نفر دیگر در بیمارستان مهاباد بستری می‌شوند. بعد از چهار روز با توجه به وضعیت بحرانی مرد جوان، وی نیز به ارومیه انتقال می‌یابد و مادر پیرش به دلیل مصرف کم قارچ ترخیص می‌شود، اما حال جسمانی زن جوان مدام رو به وخامت می‌رود، تا اینکه بالاخره جنازه وی غروب روز دوشنبه مورخه ۸۵/۲/۱۸ به روستا آورده شد، چه صحنه دلخراشی! نه برق و نه آبی بود، هوا هم سرد و بارانی، همه گریه می‌کردند، به سر و صورت خود می‌زدند، خوبی و مهربانی و عطوفت زن جوان زیانزد خاص و عام بود، اما این تازه شروع ماجرا بود، بعدازظهر روز سه‌شنبه ۸۵/۲/۱۹ جنازه نونهال ۵ ساله‌اش را آوردند، دخترک ۱۱ ساله هم از مرگ مادر و برادرش شوکه شده بود و فردای آن روز چهارشنبه ۸۵/۲/۲۰ باز جنازه پسر ۹ ساله که مهمان خانه عمویش و تنها فرزند پدر و مادر پیرش بود، به خاک سپرده شد. دیگر طاقت همگان به سر رسیده بود، ۲ جنازه پشت سر هم، در حال خاکسپاری پسرک بودند که خبر فوت مرد جوان هم آمد، هنوز خانواده‌اش از این فاجعه باخبر نبودند و دخترش و بقیه برای سلامتی پدر او دست به دعا بودند، اما بی‌خبر از آنکه پدر نیز داشت به دیارش بازمی‌گشت، تا بالاخره جنازه او نیز ساعت ۱۲/۵ شب به روستا رسید، در این فاصله هیچ فردی چشم به روی هم نگذاشته بود و مردم روستا همه آشفته و روال عادی زندگی به هم خورده بود.

هنوز هم صدای دخترک روح و جانم را می‌خراشد: "دیگر بدون پدر و مادر و برادرم، تنهای تنها چه کنم، من نیز می‌خواهم که این قارچ را بخورم، دیگر از قارچ بدم نمی‌آید، می‌خواهم بخورم تا به پدر و مادر و برادرم برسم." به اندازه‌ای گریسته بود که صدایش درنمی‌آمد، این خانواده در این چهار روز، چهار جنازه را به خاک سپرده بودند، فاجعه‌ای دهشتناک بود، مادر پیر نیز مجدداً به بیمارستان منتقل شد، اما وی هنوز از مرگ پسر و نوه‌اش بی‌خبر است. هنوز هم بعد از سپری شدن چند روز از این فاجعه دلخراش، غباری از اندوه چهره آبادی را گرفته است. در این راستا از مسئولان ذیربط سؤال می‌کنیم که جوابگوی این فاجعه چه شخص و یا اشخاص و یا ارگانی می‌باشد؟ آیا اگر مسؤلانه‌تر و صادقانه‌تر با این قضیه برخورد اصولی و قانونی می‌شد و وجدان‌ها بیدار می‌بود امروز شاهد از بین رفتن این خانواده بودیم و آیا این فاجعه بسان لکه ننگی بر پیشانی شخص یا اشخاص خاصی باقی نخواهد ماند. مسئولین اورژانس بیمارستان امام خمینی مهاباد و دیگر مسئولین چگونه می‌توانند این چنین راحت بنشینند و نظاره‌گر این دست فجایع باشند و همچنین ادارانی چون جهاد کشاورزی و صدا و سیما هم، چرا که آنها می‌دانند با توجه به فرهنگ و نوع تغذیه، هر سال در این فصل مردم این منطقه قارچ مصرف می‌کنند و گاهاً هم هنگام چیدن آن نوعی سمی آن را می‌خورند و چنین فجایعی به بار می‌آورد، پس در این جا وظیفه حکم می‌کند که ارگان و ادارات مربوطه که بیشتر از اماکن دیگر با روستائیان در ارتباط می‌باشند با شروع فصل رویش قارچ از طریق افراد مربوطه و یا توزیع بروشورها در مدارس و روستاها و ساخت برنامه‌های تلویزیونی در رابطه با این موضوع؛ از بروز چنین حوادث دلخراشی جلوگیری کنند و مرگ‌ومیر و مسمومیت با این محصول را به صفر برسانند، هر چند برای این خانواده از هم پاشیده شده دیگر دیر است اما، مسئولان باید به فکر باشند و به خود آیند که خطر وقوع دوباره چنین فاجعه‌ای، شاید با بعدی وسیع‌تر و قربانی بیشتر در کمین است.

بهبود شاخص مطالعه مطبوعات در شهرهای کردنشین استان

ایرنا: آمارهای سال جدید نشان می‌دهد که از هر ۱۰۰ نفر جمعیت شهرستان مهاباد یک نفر بطور مرتب روزنامه می‌خرد. بر اساس اظهارات نمایندگان مطبوعات در اردیبهشت ماه امسال بطور متوسط روزانه دو هزار نسخه از روزنامه‌های سراسری در سطح شهرستان مهاباد بفروش رفته است. به گفته نمایندگان مطبوعات، به غیر از روزنامه‌های سراسری، بطور متوسط افزون بر دو هزار نسخه از هفته‌نامه‌های استانی، محلی، سراسری، مجلات، ماهنامه‌ها و فصل نامه‌ها نیز در طول یک هفته در مهاباد به فروش می‌رسد. این آمار در مقایسه با آمارهای سال ۷۵ بیش از چهار برابر و در مقایسه با سالهای اولیه انقلاب بیش از ۲۰ برابر افزایش نشان می‌دهد.

آمارهای مربوط به فروش و توزیع مطبوعات شهرستانهای سردشت، پیرانشهر و بوکان نیز مشابه با مهاباد رو به بهبود نسبی است. اگر تعداد بیسوادها و افراد کمتر از ۱۵ سال را از آمار خوانندگان مطبوعات کم کنیم رقم باقیمانده تا حدودی رضایت بخش خواهد بود.

در یک آمارگیری میدانی از ۵۰ نفر از افراد باسواد مهاباد، دو نفر بطور مرتب نشریات می‌خرند، ۸ نفر گاهی می‌خرند، ۱۱ نفر گفتند که خود نشریات را نمی‌خرند ولی مطالعه می‌کنند، ۱۵ نفر گفتند برای مقاصد خاصی مانند مطالعه و اطلاع از آگهی‌های ثبت‌نام و استخدام نشریات را می‌خرند، چهار نفر گفتند اگر مطلب مهمی در مطبوعات باشد می‌خرند، بقیه در یک ماه اخیر هیچ یک از مطبوعات و مجلات را مطالعه نکرده بودند. از میان کسانی که گفتند مطالعه می‌کنند ۶۰ درصد علاقمند به مطالعه مجلات خانوادگی و صفحه حوادث روزنامه‌ها بودند، ۲۰ درصد مجلات و مطالب ورزشی را مطالعه می‌کنند و ۲۰ درصد بقیه علاقمند به مسایل سیاسی و اجتماعی مطبوعات بودند.

اکثر علاقمندان به مطالعه مطبوعات گفتند که حدود یک تا یک ساعت و ۳۰ دقیقه در روز صرف مطالعه می‌کنند. تعدادی حدود ۳۰ دقیقه اعلام کردند و دو نفر نیز مدت زمان مطالعه روزانه خود را پنج تا شش ساعت اعلام کردند. یکی از نمایندگان مطبوعات در مهاباد که بیش از ۲۵ سال است به این کار اشتغال دارد، می‌گوید: گرایش مردم در سالهای اخیر برای مطالعه مطبوعات بسیار زیاد شده و برگشتی مطبوعات نسبت به گذشته بسیار کم شده است. به گفته وی، تنوع مطبوعات، تیراژ بالا و محتوای نسبتا خوب فرهنگی نشریات باعث افزایش تعداد خوانندگان شده است. وی افزود: خوانندگان مطبوعات امروزه به اندازه‌ای نسبت به نشریات مورد علاقه خود احساس نیاز می‌کنند، که در صورت تأخیر در توزیع اعتراض و ابراز نارضایتی می‌کنند.

خوانندگان مطبوعات در کنار ابراز رضایت از تنوع و صفحه آرایی حرفه‌ای و استفاده از تصاویر و تیترهای جذاب در مطبوعات، می‌گویند: استفاده از تیترها و مطالب مشابه، اعمال دیدگاههای سیاسی در انتخاب عنوان‌های نخست در برخی از روزنامه‌ها و در مواردی خودسانسوری، موجب از بین رفتن جذابیت در مطبوعات می‌شود.

کردزبانان آذربایجان غربی از کمبود نشریات کردی هم گلایه دارند و می‌گویند: متناسب با تعداد نشریات فارسی و ترکی، نشریات کردی در استان آذربایجان غربی با تگرفته‌اند.

ادامه سرمقاله

شکست الگوهای آمرانه و اقتدارگرایانه پروژه ملت‌سازی در خاورمیانه و شکاف‌های اجتماعی ناشی از آن و نیز بوجود آمدن احساس امکان تغییرات، از رهگذر "تغییر زمانه" و ترسیم مجدد نقشه خاورمیانه، ۸۰ سال پس از ترسیم مرزهای فعلی باشد. پر واضح است که رهبران این گروه برای تحقق رؤیاهای چپ‌گرایانه و ناسیونالیستی خود، گوشه چشمی هم به پراکندگی جمعیت کردها در کشورهای مختلف و درصد قابل توجه آن بعد از گروه‌های قومی عرب، ترک و فارس دارند. در حال حاضر اما تنها نمود عملی این آرمان‌شهر نقطه کوچکی از خاورمیانه یعنی کوهستان قندیل (واقع در مرزهای ایران، ترکیه و عراق) است که جنگجویانی از چهار کشور در آن گرد آمده‌اند. کیان "کوچکی که بقای آن با مخالفت ایران و ترکیه روبه‌رو شده و احتمالاً در آینده نزدیک با چالش‌برانگیزی عراق و آمریکا هم روبه‌رو خواهد شد. از آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که خاورمیانه در مقطع حساسی از تاریخ خود به سر می‌برد که بیش از هر چیز به "دوران گذار" شبیه است. طرح پروژه‌های بزرگ و کلان هم از این ویژگی ناشی می‌شود، شاید پیش‌بینی آن چندان دشوار نباشد که سیمای کلی منطقه، در آینده‌ای نه چندان دور، با اکنون متفاوت خواهد بود. اما کیفیت، میزان و عمق این تحولات هم چندان مشخص نیست. هر چند که به صورت کلی می‌توان ادعا نمود که نوع و میزان این تغییرات تابعی از رابطه ساختار ـ کارگزار و به تعبیری دیگر دیالکتیکی از نقش‌آفرینی نیروهای داخلی و خارجی خواهد بود. در مورد پروژه‌های کلان پیشگفته هم می‌توان گفت که شانس موفقیت طرحی بیشتر است که طراحان قدرتمندتر و مؤثرتری را پشت سر داشته باشد. اما انکارناپذیر است که اثری از پروژه‌ها و طرح‌های شکست‌خورده هم در گوشه‌ای از سیمای منطقه و یا حتی ضمیر ناخودآگاه آن باقی می‌ماند، تا شاهدی برای آینده باشد. مثلاً ممکن است همراه پروژه آمریکایی "خاورمیانه بزرگ" بخشی از آمال طراحان پروژه‌های دیگر هم جامه عمل بپوشد. مثلاً امکان دارد که از رهگذر این طرح زمینه برای تحقق نسخه لیبرالی (و نه چپ‌گرایانه) کنفدراسیون موردنظر کردهای ترکیه فراهم شده و یا از طریق انتخابات در کشورهای عرب رژیم‌های اسلام‌گرای مخالف غرب به قدرت برسند اما هر چه باشد پیامد چنین تحولاتی، ورود خاورمیانه به دوره‌ای جدید و متفاوت از "ثبات" است. که به علت متفاوت بودن نوع و تأثیر مؤلفه‌های جهان جدید، طول و مدت آن چندان مشخص نخواهد بود.

شماره پرونده: ۱۲۱۸/۸۳ ح ۲ شماره حکم ـ ۸۵/۹۰ به تاریخ ـ ۸۵/۱/۳۱

خواهان: شهین خسروی مهاباد ـ خ صلاح‌الدین ایوبی غربی ـ مرزکیان ـ پلاک ۷۸ خوانده: محسن حسن‌پورادم ـ مجهول‌المکان خواسته: پرداخت نفقه دادگاه با توجه به محتویات پرونده حکم رسیدگی را اعلام و به شرح زیر مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی دادگاه

خواسته خواهان شهین خسروی علیه خوانده دعوی سیدمحسن پوراقدم مجهول‌المکان تقاضای محکومیت وی به پرداخت نفقه معوقه از تاریخ ۸۰/۳/۱۰ تا تاریخ صدور حکم به جلب‌نظر کارشناسی و اعسار از هزینه دادرسی می‌باشد و اظهار می‌دارد به موجب سند ازدواج شماره ۱۵۹۶ ـ ۸۰/۳/۱۰ در دفترخانه ازدواج شماره ۳۲ ارومیه ازدواج نموده و دو روز پس از عقد ازدواج یعنی در تاریخ ۸۰/۳/۱۰ کشور ایران را به مقصد کشور سوئد ترک کرده و مستند به ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی و در حقایم نفقه زن به عهده شوهر می‌باشد و ماده مذکور شوهر را به پرداخت نفقه ملزم و متعهد نموده با توجه به اینکه خوانده در بند یک سند ازدواج خود را اعلام به تأدیه نفقه نموده و با وصف این خوانده از تاریخ ازدواج تاکنون از پرداخت نفقه امتناع ورزیده لذا با تقدیم دادخواست و فتوکپی مصدق سند ازدواج و فتوکپی استشهادیه محلی تقاضای صدور حکم به محکومیت خوانده به پرداخت نفقه ایام ترک انفاق را دارم دادگاه با تعیین وقت رسیدگی مجدد و ابلاغ وقت به خواهان خوانده و از طریق نشر آگهی در اجرای ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی دعوت به حضور می‌نماید خواهان در وقت مقرر حضور پیدا می‌کند ولی خوانده علیرغم دعوت ایشان از طریق نشر آگهی حضور پیدا نکرده و لایحه‌ای نیز ارسال نداشته است خواهان اظهار می‌دارد شهود خود را در رابطه با اعسار به دادگاه آورده‌ام و تقاضای استماع شهادت آنها را دارم دادگاه با قرار استماع شهادت شهود در برگ جداگانه از شهود تعرفه شده تحقیق به عمل می‌آورد که شهود متفقات عدم توانایی مالی خواهان را در پرداخت هزینه دادرسی تأیید می‌نمایند و دادگاه حکم به اعسار و معافیت موقت از هزینه دادرسی را صادر می‌نماید با توجه به تقاضای خواهان در ارجاع امر به کارشناسی دادگاه موضوع را به کارشناس ارجاع می‌نماید و پس از تشریفات کارشناسی از طرف کارشناس مربوطه نظریه واصل می‌گردد که خواهان اظهار می‌دارد به نظریه کارشناسی اعتراضی ندارم و نظر به اظهارات خواهان و عدم حضور خوانده و علیرغم دعوت ایشان از طریق نشر آگهی و مضمون مانده خواسته از هر انکار و تکذیبی و با عنایت به نظریه کارشناسی که با محاسبات بعمل آمده کل نفقه خواهان دعوی را از تاریخ ۸۳/۱۰/۱۰ تا تاریخ ۸۴/۱۱/۲۳ مبلغ هفت میلیون و چهارصد و چهل هزار تومان اعلام داشته دادگاه مستند به ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی و عبارت فقهی در مذهب امام شافعی (رحمه) منجمله عبارت فان غاب الزوج طلب الحاکم لحاکم بلده ان عرف لیعلمه بالحال فیمن او یوکل فان لم یفعل و مضی زمن وصوله فرضها القاضی فی ماله اما اذا لم یعرف فلیکتب لحاکم البلاد التی تردها النفوائل عاده فان لم یظهر فرض الحاکم نفقتها الواجبه علی المعسر بعلم انه بخلافه تحفه بالاحتضار (ص ۳۲۴ ج ۸) فان لم یظهر فرض الحاکم نفقتها الواجبه علی المعسر نهایه ص ۱۹۳ ج ۷ لمعلم من تلک العبارات ان زوج الحر الغیر المتمکنه توانه معرف مکان الغیر القاضی علیه النفقه و معلوم من فصل فی احکام الاعسار تحفه ج ۸ الی آخر ان الزوجه الواجبه الانفاق لوکان زوجها معسرا تستطیع ان یلتمس نکاح خواهان را بدلیل آمادگی ایشان به تمکین واجب النفقه دانسته و خوانده دعوی را محکوم به پرداخت مبلغ یاد شده در نظریه کارشناسی می‌نماید مقرر است دفتر رأی صادره از طریق نشر آگهی ابلاغ شود.

سهرابی رئیس دادگاه شعبه دوم حقوقی مهاباد

رونوشت برابر اصل و اداری است مدیر دفتر دادگاه شعبه دوم حقوقی مهاباد ـ سپهری

آگهی انحلال شرکت پاک پرشیا بوم (سهامی خاص) به شماره ثبت ۸۷۷

به موجب صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخه ۸۳/۱۱/۲۹ شرکت پاک پرشیا بوم (سهامی خاص) به شماره ثبت ۸۷۷ شرکت مذکور منحل اعلام و آقای محمدامین محمدنژاد به سمت مدیر تصفیه انتخاب و محل تصفیه در نشانی مهاباد ـ چهارراه آزادی به طرف خیابان وفایی تعیین گردیده است.

آگهی افزایش سرمایه شرکت راه و ساختمان پی ساز مهاباد (سهامی خاص) به شماره ثبت ۳۴۸

بسرای صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخه ۸۵/۱/۲۴ شرکت راه و ساختمان پی ساز مهاباد (سهامی خاص) به شماره ثبت ۳۴۸ تغییرات ذیل اتخاذ گردید.

سرمایه شرکت از مبلغ یک میلیون ریال به مبلغ یکصد میلیون ریال منقسم به یکصد سهم یک میلیون ریالی افزایش یافت و در نتیجه ماده ۵ اساسنامه به شرح فوق اصلاح گردید.

عزیز منظری

رئیس ثبت ادارات اسناد مهاباد

آگهی تاسیس شرکت خدماتی صارم مکریان (با مسئولیت محدود)

شرکت فوق در تاریخ ۸۵/۲/۲۴ تحت شماره ۱۰۳۰ در این اداره به ثبت رسیده و خلاصه شرکتنامه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی می‌شود.

۱ـ موضوع شرکت: ارائه کلیه خدمات تنظیمی به ادارات و ارگان‌های دولتی و غیردولتی و اشخاص حقیقی و حقوقی و دانشگاه‌ها و بانک‌ها و مؤسسات از قبیل نگهبانی ـ رانندگی، ماشین‌نویسی و امور دفتری و نظافت اطاق‌ها و سالن‌ها و حیاط و اطراف محوطه و پارکینگ و

۲ـ مرکز اصلی شرکت: میدان آزادی ـ راسته حلبی سازان مغازه عزیز صارمی.

۳ـ سرمایه شرکت: مبلغ یک میلیون ریال نقدی می‌باشد.

۴ـ مدت تشکیل شرکت و مدت آن: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود می‌باشد.

شمدیران شرکت: برابر صورتجلسه مجمع عمومی مؤسس مورخ ۸۵/۲/۱۶ آقای عزیز صارمی به سمت رئیس هیات‌مدیره و مدیرعامل و آقای عبدالله صارمی به سمت نائب‌رئیس هیات‌مدیره به عنوان اعضای هیات برای مدت نامحدود انتخاب شدند.

۶ـ دارندگان حق امضا: کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته، برات، قراردادها و عقود اسلامی با امضاء منفرد مدیرعامل (آقای عزیز صارمی) همراه با مهر شرکت معتبر و همچنین با امضای اوراق عادی نیز با مدیرعامل خواهد بود. ۷ـ انحلال شرکت مطابق ماده ۱۱۲ قانون تجارت خواهد بود.

عزیز منظری ـ رئیس اداره ثبت اسناد و املاک مهاباد

آگهی ابلاغ وقت دادرسی

سلام علیکم

خانم زینب امینی فرزند حسین دادخواستی به طرفیت خانم شهلا امینی فرزند حسین مبنی بر فروش خانه پلاک ۱۳۱/۱۹۵۹ ـ اصلی بخش ۱۵ ـ با حذف نظر کارشناسی و تقسیم وجوه حاصله بین وارث به نسبت سهم شرعی و قانونی به این دادگاه تقدیم نموده است و نظر به اینکه خوانده پرونده مجهول‌المکان می‌باشد و پرونده به کلاسه ۱۱۸/۸۵/ش ۱ شعبه اول حقوقی شهرستان مهاباد ثبت گردیده و پرونده به روز چهارشنبه مورخه ۱۳۸۵/۳/۳۱ ساعت ۱۰ صبح تعیین وقت رسیدگی گردیده بدینوسیله به نامبرده ابلاغ و اخطار می‌گردد که قبل از موعد مقرر فوق جهت دریافت دادخواست و ضمائم آن به دفتر شعبه اول مراجعه و در موعد مقرر فوق جهت رسیدگی در این دادگاه حاضر شوید.

علیرضا

مدیر دفتر شعبه اول حقوقی دادگستری شهرستان مهاباد

آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند

مریم قاضی

اخیراً از جناب آقای خالد احمدیان پسوهیی در پیام کردستان شماره ۲۶، مقاله‌ای تحت‌عنوان "جبهه متحد کرد و لزوم ارائه یک برنامه شفاف" به چاپ رسیده که توضیح نکاتی چند را اجتناب‌ناپذیر نموده است. هر چند برنامه شفاف جبهه در فراخوان عمومی که طی آن اعلام موجودیت شد، چنان روشن می‌باشد که هر فرد عادی نیز بتواند مفاهیم اولیه و اهداف ثانویه و درازمدت را از آن استنباط نماید، تأسیس جبهه متحد کرد به طرز بی‌سابقه‌ای تحلیل‌ها، مواضع و نظرهای فراوانی را چه در داخل کشور و چه در خارج کشور به دنبال خود داشته است که نشانگر اهمیت و حساسیت ویژه آن در شرایط و اوضاع کنونی می‌باشد. از طرفی نیروهایی که در بیرون کشور فعالیت دارند، موضع‌گیری‌های متفاوتی را ارئه داده‌اند: عده‌ای ترجیح دادند فعلاً سکوت کنند و قضاوت را به بعد از عملکرد جبهه موکول نمایند.

عده‌ای آن را حرکتی مردمی و مفید نامیدند و از آن حمایت کردند. عده‌ای هم طی بیانیه‌ای شدیدالحن هیأت مؤسس جبهه را عوامل محافظه‌کار و خودفروخته‌ای معرفی کردند که درصدد ایجاد بدیلی برای احزاب خارج از کشور جهت تعدیل نمودن خواسته‌های برحق مردم کرد هستند. در داخل کشور نیز به همین ترتیب؛ عده‌ای از روشنفکران و فعالان سیاسی و روزنامه‌نگاران و... از آن حمایت کردند و عده‌ای ترجیح دادند فعلاً سکوت کنند و عده‌ای هم آن را برنامه‌ای حساب‌شده از جانب دولت قلمداد کردند، اما از همه اینها مهم‌تر مقاله‌ای بود که در یکی از شماره‌های روزنامه کیهان در اسفندماه ۱۳۸۴ در مورد جبهه به چاپ رسید و طی آن اقتدارگرایان و اصولگرایان حکومتی تأسیس جبهه را به عوامل ناراضی، از همه جا رانده و از همه کس مانده‌ای نسبت دادند که با جمع نمودن عده‌ای خرابکار و ضدانقلاب در راستای تضعیف نظام جمهوری اسلامی ایران گام برمی‌دارند. که همه این موضع‌گیری‌ها از هر دو طرف یک امر مهم را به اثبات می‌رسانید و آن عبارت بود از مستقل بودن این حرکت نوپا و عدم وابستگی آن به هیچ یک از طرفین. در بیانیه فراخوان جبهه صراحتاً اعلام شده است: در پنج سده گذشته حکومت‌های ایران به تدریج حقوق مردم کرد را تضییع کرده‌اند. اگر بر سایر مردم ستم روا می‌شد این ستم در مورد کردها مضاعف بود... سپس در ادامه به دوران حکومت ۲۶ ساله جمهوری اسلامی اشاره می‌نماید و یادآور می‌شود که در این دوران نیز مشکلات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کردها به شدت خود باقی است و آن را چنان نگران‌کننده و بی‌سابقه معرفی کرده است که دل هر انسان شرافتمندی را به درد می‌آورد. بیانیه همچنین از تعداد کم نشریات محدود کردی و مشکلات روزافزون جامعه روشنفکری کردها سخن می‌گوید و موانع جدی بر سر راه تشکل‌های مردمی و عدم آزادی احزاب سیاسی را گوشزد می‌نماید. آقای احمدیان برای آشنا شدن با برنامه جبهه می‌توانند تفصیل بیانیه را که در بیشتر نشریات کردی چاپ شده مطالعه نمایند. اما به طور خلاصه می‌توان گفت که جبهه متحد کرد در پی آنست که با استفاده از قانون اساسی و قوانین جاری کشور و میثاق‌ها و اعلامیه‌های حقوق بشر که کشورمان رسماً در مجامع و سازمان‌های بین‌المللی پذیرفته است مطالبات مردم کرد را به طور شفاف و قاطعانه پیگیری نماید. چنانکه پیداست محور فعالیت‌های جبهه تمرکز بر مشکلات مردم کرد در هر دوره زمانی زیر سایه هر حکومتی که باشد است. مواضع جبهه با بیانیه‌های بعدی که در رابطه با کشتار کردهای ترکیه و محکوم نمودن حوادث ماکو و همچنین بیانیه‌ای که به مناسبت سال جدید اخیراً انتشار یافت، شفاف‌تر نیز شده است و دیگر جای هیچگونه ابهام و تردیدی باقی نگذاشته است که بتوان تأویل‌های متفاوت و گاهاً ضد و نقیضی را از آن استنباط کرد. در قسمت دیگری از مقاله آقای احمدیان معلوم نیست به چه دلیل این سؤال را که طرف مذاکره دولت در بین کردها کیست؟ را قراروی جبهه قرار می‌دهد. کاش خودشان هم دست از مبهم‌گویی برداشته و صراحتاً سؤالشان را مطرح می‌کردند، زیرا کمترین شم سیاسی کافی است تا همه بفهمند که منظور آقای احمدیان از این سؤال این است که چه کسی جبهه متحد کرد را به عنوان نماینده مردم روی میز مذاکره با دولت قرار داده است؟ اما بهتر است قبلاً آقای احمدیان به این سؤال جواب دهند که جبهه متحد کرد در کدام بیانیه خود اعلام کرده است که مذاکره‌ای در مورد مشکلات مردم کرد در جریان است تا تعیین کند که طرفین مذاکره چه کسانی هستند؟ ایشان در بخش دیگری همین سؤال را به صورتی دیگر مطرح می‌کند و می‌پرسد: در این شرایط حساس نمایندگان واقعی مردم چه کسانی و کدام حزب و سازمان هستند؟!

معلوم نیست چرا جبهه به طور اخص باید پاسخگوی این سؤال باشد. هر کسی می‌تواند فراخور حال خود با توجه به گرایشات و اعتقادات خاص خود به این سؤال پاسخ دهد. اگر نگرانی ایشان از این است که جبهه متحد کرد خود را به جای همه اینها معرفی کرده باشد، هراس ایشان بی‌مورد است زیرا جبهه در فراخوان خود پاسخ خود را از قبل آماده دارد و صراحتاً اعلام کرده است که خود را بدیل و جانشینی برای هیچ کدام از احزاب و سازمان‌های دیگر نمی‌داند. در این بین آقای احمدیان یک نکته ظریف را به یاد داشته باشد و آن اینکه همان حقوق بشری که همه سنگ آن را به سینه می‌زنند این حق را برای هر انسانی محفوظ داشته است که با رعایت موازین و اصول انسانی در چارچوب توانمندی‌های خود با راه‌اندازی تشکل‌ها و سازمان‌های موردنظر برای ایجاد جامعه‌ای سالم، برقراری عدالت و تحقق صلح و آزادی تلاش نماید و این تلاش به گروه یا حزب خاصی اختصاص ندارد و نمی‌تواند در انحصار فرد یا افرادی مشخص درآید.

تحلیل‌هایی از این دست که متأسفانه کم هم نیست و مقاله آقای احمدیان نمونه بارز آن است برخاسته از جو ناسالمی است که سیستم‌های استبدادی به درازای تاریخ به لحاظ روانی در اذهان مردم تحت ستم نهادینه کرده است که خود بخشی از آسیب‌های اجتماعی در جهت تحقق نیافتن آرمان‌ها و اهداف مبارزین می‌باشد. تحلیلگران در مورد جبهه متحد کرد باید دقت داشته باشند که نظریات هر یک از اعضای جبهه که دلسوزانه با مقالات و مصاحبه‌های خود در صدد توجیه سیاست‌های جبهه برمی‌آیند به مواضع رسمی جبهه که با همکاری و معاودت همه اعضا اعلام شده و می‌شود تعمیم ندهند. در هر کجا که جبهه لازم بداند صراحتاً موضع رسمی خود را اعلام خواهد کرد و دیگر نیازی به پرده‌برداری‌هایی از نوع آقای احمدیان نیست.

از این هم بگذریم که این حق طبیعی هر دسته و تشکلی است که در صدد جلب آراء عمومی به طرف برنامه‌های خود برآید و این حرکت در جهت تضعیف یا حذف احزاب و تشکل‌های دیگر نمی‌باشد و نهایتاً این مردم هستند که حرف آخر را خواهند زد و نمایندگان خود را انتخاب خواهند کرد و قبل از این انتخاب در فضایی آزاد و سالم هیچ کس نمی‌تواند ادعای نمایندگی مردم را بنماید.

۵ ←

بیانیه کانون‌های فرهنگی دانشجویان دانشگاه کردستان

دانشجویان فهیم دانشگاه کردستان

فلسفه وجودی نهادی به نام امور فرهنگی در دانشگاه حمایت کافی و کامل از فعالیتهای فرهنگی ادبی و اجتماعی کانونها و فعالین دانشجویی می‌باشد. متأسفانه همچون بسیاری موارد دیگر در دانشگاه کردستان، این قضیه نیز صورت عکس به خود گرفته است. یعنی مشکل اصلی کانونها و فعالین دانشجویی دانشگاه عبور از هفت‌خوانی به نام امور فرهنگی می‌باشد. به گونه‌ای که کانونهای نیمه‌جان و اکثراً تعطیل دانشگاه باید تمام توان و همت هر چند ناچیز اما صادقانه خود را صرف طی نمودن کانالها و مقررات عقیم، من‌درآوردی و غیرواقعی امور فرهنگی نمایند. در یک کلام به برکت این امور فرهنگی فعال که زمانی جایگاهی معتبر در میان امور فرهنگی دانشگاههای کشور داشت، فعالیتهای فرهنگی، ادبی و اجتماعی دانشجویان و دانشگاه به حالت تعطیل درآمده است. جهت روشنگری و آگاهی دانشجویان از وضعیت موجود مطالب زیر ارائه می‌گردد:

۱ـ عدم بررسی و حتی مطرح نمودن طرح‌های ارائه‌شده به امور فرهنگی در شورای فرهنگی دانشگاه به بهانه‌های واهی و غیرموجه.

۲ـ عدم صدور مجوز برای فعالیت و برنامه کانون‌ها.

۳ـ دخالت نهادها و واحدهای غیرمربوط و خارج از دانشگاه در حوزه فعالیت کانون‌ها.

۴ـ نبود دیدگاه و نظر کارشناسانه نسبت به طرح‌ها و فعالیت کانون‌ها.

۵ـ اعمال تبعیض.

۶ـ انتصاب دبیر شورای هماهنگی کانون‌ها از سوی امور فرهنگی (این امر از طریق انتخابات و توسط دبیران کانون‌ها انجام می‌گیرد که ظاهراً اکنون به یک کار دانشجویی در امور فرهنگی تبدیل شده است).

۷ـ عدم حمایت مالی کافی از کانون‌ها.

۸ـ چوب لای چرخ نهادن فعالیت کانون‌ها از جمله لغو مراسم‌ها ساعتی قبل از برگزاری.

۹ـ عدم فراهم نمودن زمینه ارتباط با مجمع عمومی کانونها.

این اقدامات و اقداماتی مشابه مشکلات فراوانی را برای کانون‌ها و انجمن‌ها به وجود آورده است که در ذیل هر چند کوتاه به پاره‌ای از این مشکلات اشاره می‌شود:

ـ انجمن اسلامی بعنوان تشکلی دانشجویی و مستقل که نمایندگی جنبش دانشجویی در دانشگاه‌ها را برعهده دارد باید از هر گونه انفعال بدور باشد. این انجمن خود را موظف به دفاع از حقوق دانشجویان در قبال هرگونه توهین و تضییع این حقوق می‌داند. اما اقدامات انجام‌گرفته طی یک سال گذشته این تشکل را "محکوم" به انفعال کرده است. انجمن اسلامی از اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۴ تا آذر ماه گذشته بخاطر برگزاری نشستی انتقادی با نام "نقد اصلاح‌طلبان کرد" که با مجوز دانشگاه برگزار گردید، در تعلیق بود. اما سرانجام در چهاردهم آذر ماه انتخابات خود را برگزار نمود اما باز هم به بهانه‌های واهی و دخالت‌های نابجا در انجمن، این تشکل عملاً تا اسفند ماه منفعل باقی ماند. در اسفند ماه نیز با برگزاری همایش یک روزه "کردها و وحدت ملی" دوباره با شکایت برخی نهادهای غیردانشگاهی به حالت معلق درآمد و اینک در آستانه تعلیق می‌باشد.

ـ کانون فرهنگی ـ پژوهشی هه‌ژان، یکی از فعال‌ترین کانون‌ها در تاریخ دانشگاه کردستان می‌باشد، اما این کانون بخاطر بی‌توجهی امور فرهنگی و شکایت نهادهایی از جمله حراست از آبان ماه ۱۳۸۴ تاکنون اجازه فعالیت نیافته است؛ طوری که بطور متوسط طی شش ماه گذشته هرماه یک الی دو طرح را به امور فرهنگی تحویل داده اما حتی بررسی نشده‌اند.

ـ کانون شعر و ادب دانشگاه کردستان، فعال‌ترین کانون در زمینه شعر و ادبیات می‌باشد، اما بارها از سوی مسئولین متهم به انجام فعالیت‌های سیاسی گردیده است. این کانون نیز مدت‌هاست از فعالیت بازداشته شده و بعد از برگزاری مراسم بزرگداشت "مامۆستا شه‌ریف" و شکایت دانشگاه معلق گردید. طی اعلام شورای فرهنگی به این کانون انجام فعالیت منوط به صدور بیانیه‌ای در خصوص عذرخواهی از دانشگاه می‌باشد. در ضمن با اصرار و پافشاری کانون مراسم شعرخوانی "اشعار استاد ملکشا" برگزار گردید، ولی بعد از برگزاری برنامه بدون هیچ دلیلی با شکایت حراست دانشگاه مواجه شد.

ـ کانون اهورا، که در زمینه فرهنگ منطقه هورامان فعالیت می‌کند اما بدون هیچ دلیلی مورد غضب امور فرهنگی دانشگاه قرار گرفته است. (شاید بعلت ارتباط دوستانه با سایر کانون‌ها). ما کانون‌های فرهنگی دانشجویان دانشگاه کردستان با توجه به موارد ذکرشده خواهان حضور مسئولین امور فرهنگی و دانشگاه جهت پاسخگویی به مشکلات عدیده فوق در یک جلسه عمومی و با حضور دانشجویان در آمفی تئاتر تا پایان وقت اداری روز چهارشنبه ۸۵/۲/۲۰ هستیم. در غیر اینصورت با توجه به رسالتی که بر دوش خود احساس می‌کنیم هر گونه اقدام لازم را حق خود می‌دانیم.

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه کردستان، کانون فرهنگی ـ پژوهشی هه‌ژان، کانون شعر و ادب، انجمن اهورا، کانون فیلم و عکس

سفری به مهاباد و دیداری با پیام

دکتر علی شمس‌برهان

هرگز نتوانسته‌ام شوق دیدار از مهاباد را در ایام نوروز با مسافرت به سایر نقاط ایران یا کشورهای خارج عوض کنم. هر سال اواخر اسفند ماه دوستان و آشنایان زنگ می‌زنند و هر کدام پیشنهادی دارند برخی مسافرت به مالزی و سنگاپور را پیش می‌کشند، گروهی دوبی را محل مناسبی برای استراحت و تفریح می‌دانند و بقیه هم یک تور اروپایی را بهترین می‌خوانند، همه را رد می‌کنم و طبق روال هر ساله که به مدت ۴۲ سال است ادامه دارد نوروز را در موکریان می‌گذرانم، می‌خواهم شب عید با دوستان و اقوام در کردستان باشم و امسال علاوه بر عزیزان و نزدیکانم با گروهی جوان علاقمند آشنا شدم و متأسفم که چرا زودتر به دیدارشان نشتافتم. می‌پذیرم که کوتاهی کرده‌ام.

از خیابانی باریک و شلوغ به میدانی بزرگ و پرهیاهو می‌رسم و به راحتی و شاید برحسب اتفاق یک جای پارک پیدا کرده و ذوق‌زده ماشین را به امان خدا رها می‌کنم. از مغازه‌دار خندانی که فوراً اشخاص غریبه را می‌شناسد و کراوات مشکی و ریش پروفسوری من! برای او در این منطقه عجیب است آدرس هفته‌نامه پیام کردستان را می‌پرسم با انگشت به آسمان اشاره می‌کند و در مسیر انگشتش و درست در بالای مغازه تابلوی پیام کردستان دیده می‌شود، چه راحت پیدایش کردیم و چه اتفاقی که درست زیر پنجره کوچک روزنامه ماشین را پارک کرده بودیم. وارد پاساژ پر از گرد و خاکی شدیم که خبر از بی‌کسی و بی‌پولی می‌داد، باید از دست راست پیچید و از یک راه‌پله باریکی بالا رفت، در طبقه دوم یک فلش شما را به سوی دفتر هفته‌نامه هدایت می‌کند. دیوارهای راهرو همه کاه‌گلی و نیمه‌تمام رها شده‌اند. در حقیقت دفتر در یک ساختمان نیمه‌تمام و بی‌صاحب واقع شده و به نظر می‌رسد ساختمان مدیریتی ندارد، دلم به درد آمد. چرا وضع مطبوعات در منطقه چنین غم‌آلود و دردناک است؟ چرا هیچ کس به فکر آنان نیست؟ چرا دفتر روزنامه باید در یک چنین ساختمانی باشد؟

آیا سهم این جوانان پرشور و باغیرت همین است؟ جوانانی که به جای رفتن به دنبال کسب و کارهای نان و آبدار، حرفه‌ای را انتخاب کرده‌اند که هیچ سود مادی نداشته و حتی ممکن است از سایر درآمدهای دیگری که دارند روی آن گذشته و از مخارج زندگی خود زده و آن را صرف انتشار نشریه کنند.

می‌خواستم برگردم، از خودم خجالت کشیدم که چرا گاهی خودم را فعال و کوشا و خستگی‌ناپذیر شمرده‌ام. من که آمده بودم به دوستان "خسته نباشید"ی بگویم و تشکر و سپاسی. اکنون مانده بودم که چه بگویم و چگونه شروع کنم.

در زدم و وارد شدم، جوانی پشت کامپیوتر نشسته بود و در این ساعت ۵ عصر آخرین روزهای سال ۱۳۸۴ مشغول کار بود، در یک اطاق کوچک ۱۲ متری چند میز کوچک و چند صندلی و در اطاق اندکی بزرگتر یک میز بزرگتر بود که اطاق سردبیر بود! روی دیوار اطاق بزرگتر صفحات اول پیام کردستان را چسبانده بودند به نشانه یک سال فعالیت مطبوعاتی و این برای من چون یک نمایشگاه جالب و باارزش بود. به راستی این دوستان را تنها عشق به نوشتن به دور هم گرد آورده است و پیش خودم ستایش کردم این بچه‌های عاشق را! من که تا حدودی به وضع روزنامه‌نگاری در ایران آشنا هستم می‌دانم هرگز نمی‌توان با تکفروشی یک روزنامه را اداره کرد پس اگر مردم همتی نکنند و با دادن آگهی آنان را یاری نکنند ادامه کار برای آنان بسیار مشکل خواهد بود. با دادن آگهی‌ها شاید بتوان آنان را نجات داد، به حقیقت باید به یاری این جوانان شتافت البته من پیشنهاد می‌کنم این نشریه و یا سایر نشریه‌های مشابه با کاهش صفحات و عدم انتشار مطالبی که نبودنشان هیچ مشکلی ایجاد نکرده بلکه جای مطالب مفید و لازم را هم تنگ کرده است به غنای روزنامه بیافزایند.

در اغلب این نشریه‌ها بحث‌های تئوریک و مطالب فلسفی منتشر می‌شود که جای آنها در مجلات تخصصی است نه در نشریاتی که باید حاوی اخبار تازه بوده و گزارش‌های زنده و سازنده داشته باشند. گاهی مصاحبه‌هایی در آنها چاپ می‌شود که مردم را آزرده می‌کنند. گاهی با افرادی مصاحبه می‌کنند که به راحتی به سایرین تهمت می‌زنند و یا تاریخ را وارونه بازگویی می‌کنند. این‌گونه بحث‌ها باعث تفرقه شده و هدف روزنامه را که اتحاد و دوستی است به تفرقه و دشمنی بدل می‌سازد. گاهی هم با ارائه مطالب واهی و اسناد مشکوک سعی در ایجاد اختلاف دارند.

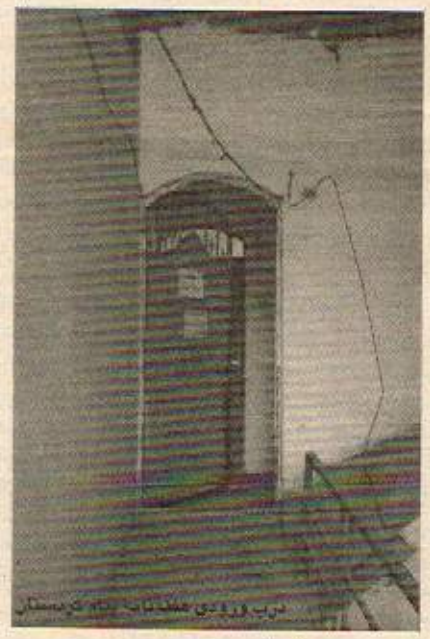

در دفتر روزنامه پیام کردستان

در مورد تاریخ شفاهی مطلبی که حائز اهمیت است و توجه کافی به آن نشده است، اینست که نباید نام افرادی برده شود که فوت کرده‌اند و نمی‌توانند پاسخگو باشند. مطابق قوانین اسم بردن از افراد جایز نیست. هیچ کس حق ندارد به بهانه شرح خاطرات نام دیگران را در خاطراتش بیاورد، مگر اینکه از آنان یا خانواده آنان اجازه گرفته باشد و اصولاً چگونه می‌توان از رضایت افرادی که نام آنان در خاطرات دیگران (گاهی ممکن است حقیقت هم نداشته باشد) می‌آید، مطمئن شد. به نظرم نویسندگان جوان و فهیم باید بدین نکته توجه داشته و این مطلب را به مورخ شفاهی! یادآوری کنند. یک مسأله حقوقی یا شاید یک بحث حقوقی در این باره اینست که اگر کسی از آوردن نام خود ناراضی باشد و بخواهد از طریق قانونی اقدام بکند باید از چه کسی شکایت کند؟ از مورخ شفاهی! یا از گزارشگر یا از روزنامه، به هر حال به عقیده من باید در این مورد اصولی را رعایت و حدودی را مراعات کنند!

اخیراً و در سال‌های گذشته کسانی خاطراتی نوشته‌اند که سرشار از اغراق، خودستایی، تهمت نسبت به دیگران، عیب‌جویی و سیاه‌نمایی است و این بدآموزی‌ها تا آنجا پیش رفته است که انسان تعجب می‌کند چگونه می‌توان این کلمات را روی کاغذ آورد، شخصی در خارج خاطراتی ده جلدی چاپ کرده است که پر از دروغ و افترا حتی نسبت به خودش بوده و به خودش هم تهمت زده است و گاهی مطالبی نوشته است که در فرهنگ کرد جایی نداشته و باعث بی‌اعتباری فرهنگ جامعه ما شده است.

خوشبختانه این خاطرات آن قدر بی‌ارزش است که به هیچ زبانی ترجمه نمی‌شود، وگرنه شرافت و اعتبار ملت ما نزد سایر ملل را لکه‌دار می‌نماید. بنابراین من دوست ندارم تاریخ شفاهی هم بدین سرنوشت دچار شود. به هر حال یک روزنامه باید بیشتر اطلاع‌رسانی کند و با گزارشات دقیق و گویا مسایل و مشکلات جامعه را بازگو کند. مسائل ریزی وجود دارد که یک گزارشگر کنجکاو می‌تواند به حل آنها کمک کند. درباره اعتیاد، بیکاری، قاچاق و... می‌توان نوشت و راهکار نشان داد. من به آینده این جوانان امیدوار و کاری را که انتخاب کرده‌اند می‌ستایم ولی باز هم تکرار می‌کنم بدون یاری و کمک همگی ما مردم کردستان ادامه راه آنان بسیار دشوار خواهد بود. برای همه آنان آرزوی موفقیت دارم پس از دو ساعت بحث و گفتگو آنجا را ترک کردم. یادشان گرامی باد.

شماره ۲۸ ـ شنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۵ ـ ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۴۲۷ ـ ۲۰ مه ۲۰۰۶

دختران انفال‌شده کرد

(۴)

مهاباد قره‌داغی — مترجم: زنده یاد ع.ع. ناکام

۲ـ برای اینکه تصویر عشیره‌گری و فرهنگ عشیرتی در کردستان نیز برجسته شود و مردم کردستان را پایبند رسوم عشیرتی و اوامر رئیس عشیره گرداند، با تأسیس "افواج خفیفه" و دادن مقام به سران عشایر تحت عنوان "مستشار"، جهت دستیابی به آن نقشه سیاسی و اجتماعی‌اش که برای کنترل کردن مردم کردستان تدارک دیده، برای رژیم بعث میانبرترین راه بود.

۳ـ در ذهنیت عشیرتی و طایفه‌گری، تصور در مورد ارزش‌های اخلاقی و اخلاق هم در پهنای "شرف" نمود می‌یابد. بعث با گسترش فرهنگ عشیره‌گری و اهمیت شرف عشیره‌ای، مخصوصاً در کردستان استفاده فراوانی می‌برد و به وسیله این کلید می‌توانست بیشترین دروازه‌های مقاومت "کرد" بر علیه اشغال کردستان و زیردستی نژاد کرد را قفل کند. زیرا آنچه که در فرهنگ عشایری در مقام اول اهمیت قرار می‌گیرد "دامن زنان و دختران" خانواده است. حراست از شرف در مقام اول قرار دارد و اولویت می‌باشد، و حراست از وطن هم در مقام دوم یا پایین‌تر جای دارد.

در فرهنگ عشایری آن قدر که دامن زنان و دخترانشان برای شرف خطرآفرینند، اشغال سرزمینشان، زیردستی خودشان و تحقیر شخصیتشان، به اندازه نصف آن هم خطرآفرین نیستند. در فرهنگ عشایری آن گاه که مرد در میان انتخاب دو گزینه: شرف‌خواهی یا وطن‌خواهی قرار می‌گیرد، بدون شک گزینه اولی را انتخاب می‌کند و حراست از شرف هم برای او عبارت از سرسختی فکر و هوش و توانایی‌اش در حراست و کنترل کردن دامان زنان خانواده و عشیره‌اش می‌باشد. به همین دلیل برجسته کردن فرهنگ عشایری در کردستان برای بعث اهداف بسیاری به ثمر رساند و از همه مهمتر برای او، تضعیف مقاومت یا جنبش رهایی‌بخش کرد در برابر بعث بود.

۴ـ وقتی که فکر و هوش انسان کرد را وابسته "شرف" نمود، دیگر آنگاه کوبیدن فکر و هوش انسان کرد توسط همان اسلاح یعنی سلاح "شرف" کاراترین و مؤثرترین سلاح برای تحقیر شخصیت و تحلیل قوای درونی و تضعیف روحیه و کاهش توانایی‌هایش خواهد بود. صدها نمونه بارز در زندگی روزمره ما بهترین سند برای این نظریه می‌باشند که من در اینجا به آشکارترین نمونه اشاره می‌کنم. اگر به آن گزارشات و تفاسیری که در تلویزیون‌های کردستان پیرامون جنایات انفال ساخته شده‌اند نگاهی بیفکنیم یا آن مباحثی را که در روزنامه‌ها و نشریات در مورد جنایات انفال و خشونت‌های اعمال‌شده رژیم بعث در کردستان نوشته شده را مطالعه کنیم، می‌بینیم که مرد کرد ناراحت است، اما با ناراحتی عادی از تخریب ۴۵۰۰ روستای کردستان، بمباران شیمیایی، گلوله‌باران کردن‌ها، اعدام کردن‌ها و دهها نوع شکنجه و جنایات دیگر که بعث در قبال کرد اعمال کرده سخن می‌گوید، اما آنگاه که در باره زره‌پوش‌های انفال و شلوارهای آویزان‌شده زنان کرد بر تانکها سخن به میان می‌آید، سخت دیوانه و برآشفته می‌گردد.

زارزار می‌گرید، حتی اگر آشکارا هم نگرید، زبانه‌های شعله‌وری آتش درونیش قابل درک است. این موضوع عموماً در فرهنگ عشایری رواج دارد و تنها بیانگر و حیات مرد کرد نیست و تنها به مردم کرد مربوط و محدود نمی‌شود، بلکه این موضوع به فرهنگ عشیره‌ای تعلق دارد، عقل مرد عشیره، در سر خودش نیست بلکه در [...] به همین دلیل زن بسان به زنجیری برای اسارتش بدل شده و دشمنانش با بازی کردن با این زنجیر، در واقع با هوش عمومی آنها بازی می‌کنند.

۵ـ به دلیل آنکه در فرهنگ عشایری، زن به آنچنان کالا خطرناکی تبدیل شده و بمب کوک‌شده‌ای جهت نابودی خود و خانواده و عشیره‌اش در چشمش قرار داده شده، دیگر او از رشد و شکوفایی عادی هم عقب افتاده و خودش هم ارزش خودش را تنها در دامن خویش می‌بیند، خودش هم خود را موجودی گناهکار و بی‌مسئولیت و ضعیف می‌بیند! زنی متعلق به این فرهنگ، در اوج بی‌مسئولیتی و تمام‌باوری، خویش را "ضعیفه" می‌نامد! و این نه تنها در میان قشر زنان بیسواد، بلکه از آن زنانی هم می‌شنویم که حتی مدارج عالی را هم گذرانده‌اند. در مقابل مرد بیسوادی، خودشان را ضعیف و وی را توانمند می‌بینند! با وجود این هم، هر دو طیف اصلی جامعه "زن و مرد" به جهت ارزش‌های وهمی "شرف" از رشد و شکوفایی سالم عقب مانده و فکر و هوششان به ارزش‌هایی وهمی و مترد وابسته شده و ارزش‌های واقعی که برای رشد شخصیت‌شان لازم است فراموش می‌گردد.

روزنامه‌نگاری کردی و ناخرسندی‌هایش

«آنتاگونیسم با ما، مغازله با آنها»

مصطفی احمدزاده ـ طاهر خدیو

اشاره: مقاله یادشده توصیحی است بر مقدمای هفته‌نامه رژوهه‌لات (شماره ۵۲) در مورد میزگرد آسیب‌شناسی روزنامه‌نگاری کردی که در شماره ۲۶ پیام هردستان به چاپ رسید. اصول حرفه‌ای حکم می‌نمود که این نوشته در هفته‌نامه رژوهه‌لات به چاپ می‌رسید. اما با همانگی دوستانمان در این هفته‌نامه و تمایل آنها به چاپ این مقاله در پیام کردستان، بدون هیچگونه پیشداوری منتشر می‌شود و دوباره این نکته تذکر داده می‌شود که نه این مقاله و نه میزگرد یادشده لزوماً نظر هفته‌نامه نمی‌باشند. شایسته است پیشاپیش از حسن نیت و اعمال نظر همکارانمان در هفته‌نامه رژوهه‌لات سپاسگزار باشیم.

در شماره ۵۲ هفته‌نامه رژوهه‌لات، آقای فرهاد امین‌پور در معیت فردی دیگر به بهانه نقد میزگرد شماره ۲۶ منتشره در هفته‌نامه پیام کردستان، با سرهم‌بندی چند گزاره و تأملات فیلسوف‌مآبانه خود بسان سربازان غارتگر نیچه به شکل نکوهیده‌ای خشم فروخفته خود را نثار دشمنان خیالی خود کردند. این مقاله دو اپیزودی سرشار از تحریف میزگرد یادشده، مصادره به مطلوب تاریخ روزنامه‌نگاری کردی، گزاره‌های انشایی و چندگانه‌های من‌درآوردی بود. اینان در محکمه‌ای که تنها و تنها در ذهن خویش برساخته بودند، توهم زده و به سبک "برادر حسین" دفاعیه‌ای پرخاشگرانه تدارک دیدند.

ما نه درصدد دفاع از میزگرد ذکرشده هستیم و نه در پی بهانه‌ای برای دفاع از عملکرد هفته‌نامه پیام کردستان، چرا که قضاوت در باب میزگرد را به خوانندگان فرهیخته می‌سپاریم و رابطه ما نیز با هفته‌نامه پیام کردستان کاملاً مشخص، با حفظ عنصر استقلال و به دور از هر گونه سازوکار مادی است. آنچه که به این نوشتار هستی بخشیده است، تلاشی برای درک بافتاری است که در آن متونی بغایت غیربهداشتی و ایدئولوژیک تولید می‌شود. برای نشریه‌ای که به وضوح از "متافیزیک شرق" رنج می‌برد بهره گرفتن از گفتمانهای پرخاشگرانه ناسازگار به نظر می‌رسد.

هر گونه روش‌شناسی درخور، برای کشف و افشای بافتار "رژوهه‌لات" نیازمند تکیه بر روش‌هایی نظیر "اقتصاد سیاسی دستگاه‌های رسانه‌ای"، "گفتمان‌کاوی" و توجه به مفاهیم و پدیده‌هایی نظیر سرفصل‌های سفارشی، تمهیدات گفتمانی و... است. بدین ترتیب تلاش می‌شود تا آبشخور و سرچشمه بینامتنیت لجام‌گسیخته با یک سایت شایعه‌پراکن، رویکرد پوزش‌طلب رسانه‌ای و اینهمانی با دستگاه‌های ایدئولوژیک غیرپاسخگو مورد واکاوی قرار گیرد. این امر می‌تواند به مثابه بخشی از کوشش‌های معطوف به افشا و شناسایی مفصل‌بندی یکی از خرده‌گفتمان‌های حاکم بر فضای فکری کردستان ایران تلقی شود.

از مصرف رژوهه‌لات تا خوانش رژوهه‌لات

تمرکز و تأکید ما را بر صفحه اول رژوهه‌لات دال بر عدم اهتمام به مطالعه و کلیت متون تولیدی نشریه و به ویژه صفحات لایی آن داشته‌اند و با ارزیابی آن به منزله روش گزینش و ترجیحی، رأی به جانبدارانه بودن موضع ما و فقدان عنصر انصاف در جمع‌بندی نهایی ما داده‌اند. مرور نقطه‌نظر فوق، ما را ناگزیر از گشایش باب مباحثه و مذاکره بر سر ماهیت پدیده برخورد با یک متن و طرح پدیده دریافت می‌سازد.

از رولان بارت آموخته‌ایم که در جریان دریافت و خوانش هر متنی و من‌جمله نشریه‌ای همچون "رژوهه‌لات" امکان اتخاذ دو رویکرد اساساً ناسازگار وجود دارد. "خواندن خواننده‌وار" و "خواندن نویسنده‌وار". در خواندن نویسنده‌وار تیپولوژی روشنگری است که بر استراتژی‌های دوگانه مخاطب در برخورد با متن پرتو می‌افکند. در "خواندن خواننده‌وار" خواننده در هیأت مصرف‌کننده منفعلی برساخته می‌شود که تحت تأثیر و هدایت ولع و عطشی که به مصرف پیدا کرده است، بدون کوچکترین مقاومتی متن را به منزله کالایی خواستنی و مطلوب مصرف می‌کند و رضایت آنی و ارضای ناپایدار کسب می‌نماید. آنچه که در اینجا رخ می‌دهد تبدیل کنش رهایی‌بخش و خلاقانه مطالعه به عمل مکانیکی مصرف است. خواننده به مصرف‌کننده تقلیل داده می‌شود و منطق مصرف اولویت پیدا می‌کند. اما در فرآیند خواندن یا خوانش نویسنده‌وار، خواننده برخوردی خلاقانه و به طور کلی متفاوت از مصرف مکانیکی متن دارد. "خواننده نویسنده‌وار از مصرف متن به مثابه کالا سر باز می‌زند، از پذیرش متن به مثابه چیزی بسته، تمام‌شده، تکمیل‌شده و مقدس امتناع می‌کند و با به پرسش کشیدن متن، قلمروی را برای آفرینش و خلاقیت خود در درون آن جستجو می‌کند. "خواننده نویسنده‌وار" تسلیم متن نمی‌شود و با دخل و تصرف در آن، در مقابل پیش‌فرض‌های مسلم انگاشته شده نویسنده، مقاومت نشان می‌دهد. او کلیت یکپارچه متن را به طور موقت "فریز" یا منجمد کرده، در جستجوی ساختارها آن را شکافته و اجزایش را از هم جدا می‌کند و دوباره با کنار هم چیدن آن اجزا در نظمی بدیل، خوانش متن را به فرآیندی خلاقانه تبدیل می‌کند. خواننده نویسنده‌وار از تعبد در محراب متن سر باز می‌زند و در هیأت خالقی خودمختار ـ از مسند فراتر رفته ـ و در شرایط احتضار مؤلف معنای نهایی متن را رقم می‌زند.

مؤلف (authour)، اقتدار (authority) و اقتدارطلب (authoritarian)، فی‌الواقع در زبان انگلیسی دارای ریشه‌های مشترکی بوده و به یک خانواده معنایی تعلق دارند. در رویکردهای کلاسیک، مؤلف همان اقتدار اقتدارطلبی است که در جایگاه خدایان نشسته و لاجرم در جریان آفرینش خود، محصولات تمام‌شده‌ای عرضه می‌کند که از مخاطب او نیز انتظار می‌رود که خود را به تمامی بر آن فکنده و از میان گزینه‌های پذیرفته و باز هم پذیرفتن بی‌قید و شرط دست به انتخاب بزند. مقاومت در برابر اقتدار دیرپا اما پوشالی مؤلفان متون، به ویژه با جهان‌گستر شدن عصری که "دموکراتیزاسیون" نام گرفته است و نیز با تعمیق این پروسه، ضمن پاسداشت خودمختاری خلاقانه مخاطب، ناقوس "مرگ مؤلف"، در راستای بت‌شکنی‌های فزاینده به صدا درآمد. اگرچه به نظر می‌رسد طنین فوق هنوز در این جغرافیا، آنگونه که باید و شاید، شنیده نشده است. اما توجه مؤلفان اقتدارطلب متون مقدس را به این نکته جلب می‌کنیم که البته که همواره زمانی را به تورق متون تولیدی‌شان اختصاص داده‌ایم. اما این حق را به خود می‌دهیم که اعلام کنیم ما اهل مصرف متون شما نیستیم، ما سودای خوانش متون شما را در سر داریم. الفبای پایبندی به حقوق مخاطب و کمترین میزان ذکاوت درک تلألؤ عصر پیش‌گفته و حداقل الزامات فرهنگ تساهل و تسامح و سر سوزنی منش دموکراتیک حکم می‌کند که در برابر "قرائت ترجیحی" ما و هر کس دیگری از متونشان و نیز در برابر حق مسلم ما برای ارزیابی و دست آخر پذیرش مشروط و یا رد متون و پیش‌فرضهایتان، تمکین به خرج دهید و به ما این حق را بدهید که برای مقاومت در برابر مصرف کالایتان و اصرار بر خوانش آن، نیازی به کسب اجازه از هیچ کس و من جمله شما نداشته باشیم.

اقتصاد سیاسی رسانه‌ها: قدرت، مطبوعات

اقتصاد سیاسی رسانه‌ها از مکاتب انتقادی مطالعات ارتباطی و رسانه‌ای می‌باشد. غلبه رویکردهای روانشناسی اجتماعی با پیش فرض‌های رفتارگرایانه که در استعاره‌هایی نظیر "سرنگ تزریقی" و "گلوله" تجسم پیدا می‌کرد و معطوف به اثرسنجی رسانه‌ها و مطالعات تغییر نگرش بود، در نیمه دوم سده ۲۰ با رویکردهای انتقادی نظیر مطالعات انتقادی مکتب فرانکفورت، مطالعات فرهنگی مکتب بیرمنگام، مطالعات رسانه‌ای و جامعه‌شناسی تولید خبری مکتب گلاسکو و در نهایت اقتصاد سیاسی رسانه‌ها زیرورو شد. اقتصاد سیاسی رسانه‌ها به بررسی جایگاه رسانه‌ها در متن روابط و مناسبات قدرت می‌پردازد. در این رویکرد، سلطه شرکت‌های چندملیتی و قدرت‌های کلان بر اطلاعات و تولید محتوی رسانه‌ای ـ البته در بافت غربی آن ـ مورد بررسی قرار می‌گیرد و سازمان‌های رسانه‌ای به منزله بنگاه‌های اقتصادی معطوف به بیشینه کردن سود به تحلیل کشیده می‌شوند. به طور کلی اتخاذ رویکرد اقتصاد سیاسی، تأثیر مناسبات اقتصادی بر سیاستگذاری مطبوعات و رسانه‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد. کانون‌های قدرت با توسل به ابزارها و مکانیسم‌های کلیدی اقتصادی، خط‌مشی، رویکرد و سیاستگذاری مطبوعات را سمت و سو داده و حتی تعیین می‌کنند. از آنجایی که مؤسسات رسانه‌ای و مطبوعاتی، از نظر اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تعیّن یافته‌اند، جهت‌گیری آنها در ارائه محصولات و به ویژه تولید اخبار اجتناب‌ناپذیر می‌شود. بر این اساس خبر نه یک پدیده خبری، که از رویداد منشأ می‌گیرد که یک محصول است که از صافی روابط قدرت و ساخت‌های بوروکراتیک تعین‌یافته عبور می‌کند. اینجاست که اقتصاد سیاسی مطبوعات به کمک تحلیل محتوی آمده و با در کانون توجه قرار دادن مناسبات پیشاتولیدی رژوهه‌لات، روابط آن را با کانون‌های قدرت (به ویژه نوع غیرپاسخگوی آن) مورد بررسی انتقادی قرار می‌دهد. رهیافت مذکور، دیالکتیک بین مناسبات اقتصادی و سیاستگذاری رژوهه‌لات را زیر ذره‌بین گذاشته و

سرفصل‌های سفارشی رژوهه‌لات (نگاه کنید به بخش "سرفصل‌های سفارشی") را به خوبی قابل درک می‌سازد. اتخاذ رویکرد فوق‌الذکر، کاربرد خود را، بیش‌تر در درک پدیده روزنامه‌نگاری دولتی در کردستان نشان داده است و بر این باوریم که در خوانش پدیده‌ای چون رژوهه‌لات نیز روشنگر خواهد بود. نشریه‌ای که چند صباحی است متعلق حرفه‌ای مبادله را وارد مناسبات خود با نویسندگانش کرده است و شبکه غیررسمی بازاریابان وابسته‌اش، کشکول به دوش از این دانشگاه به دیگری، قراردادهای موقت! امضا و البته خیل عظیم دانشجویان کرد را از توزیع صلواتی خود بهره‌مند نموده‌اند! روزنامه‌نگاری "سکوت"، "تعامل"، "خردورز"، "حرفه‌ای"، "شرقی" یا هر عنوان دیگری که خود می‌پسندند، بخشی از محصول مناسبات پیشاتولیدی اقتصاد سیاسی است. و بالاخره "تراژدی وابستگی" نشریه‌ای که روزنامه‌نگارانش استقلال حرفه‌ای را "کندی استقلال" می‌نامند، با این رویکرد قابل درک است.

از تحلیل محتوا تا CDA

تحلیل محتوا به مثابه روشی کمی اگرچه می‌تواند به بصیرت‌های مهمی را در راستای توصیف محتوای ارتباطی به دست دهد، اما فاقد ظرفیت‌های انتقادی جهت برملا کردن استراتژی‌ها و ترجیحات ایدئولوژیک دروازه‌بانان خبر است. بدینسان دعوت "سوژه سخنور" از منتقدین رژوهه‌لات را برای تحلیل محتوای نشریه متبوع، هیچ منتقد جدی‌ای، جدی نمی‌گیرد. روزنامه‌نگاران مأمور و آماتور را، که مطالعات گسترده و رویکردهای مختلف رسانه‌ای را تنها تحت عنوان تحلیل محتوا فهمیده یا شنیده‌اند، دعوت به مطالعه جزوه‌های ارتباطاتی و روزنامه‌نگاری کرده و ذیلاً افق گسترده و انتقادی این حوزه را، اندکی بسط می‌دهیم. شاومک کام (۱۹۷۱) رویکرد برجسته‌سازی را برای مطالعه رسانه‌ها پیشنهاد می‌کند. رسانه‌ها با تأکید روی بعضی مسائل نظیر تکرار یک خبر، طول و محل درج آن به مرور زمان، به طور تلویحی به مردم می‌گویند که به چه موضوعاتی بیندیشند، اگرچه نمی‌توانند به آنها بگویند که چگونه بیندیشند. بدینسان بینامتنیت نخ‌نمای بخش خبری رژوهه‌لات با سایت‌های شایعه‌پراکن، ارائه تصویری پاستوریزه از ساخت قدرت در کردستان عراق، و ایفای نقش بلندگوی تبلیغاتی اصلاح‌طلبان کرد و غیرکرد و... را با رویکرد برجسته‌سازی می‌توان شکافت.

همچنین به تأسی از "پیر ماشری" می‌توان به سکوت‌های صورت‌بندی ایدئولوژیک ـ گفتمانی رژوهه‌لات پرداخت. روی دیگر سکه، برجسته‌سازی سکوت‌های رژوهه‌لات است. سکوت شما در مقوله نقض حقوق بشر، جنبش‌ها و خرده‌فرهنگ‌های مخالف وضع موجود (اگر کلیت مسأله را انکار نکنید) را با تکنیک تحلیل محتوا نمی‌توان قرائت کرد.

CDA روش‌شناسی منسجم دیگری است که هم‌ارز چرخش زبان‌شناسی، به عنوان بدیل روش‌های پوزیتیویستی چون تحلیل محتوا، درک محققان ارتباطی از پدیده زبان را دستخوش تحول کرده است. نابرابریهای اجتماعی در زبان و به وسیله آن بازتولید می‌شوند و در این میان زبان خبری روزنامه‌ها و نشریات اهمیتی دوچندان پیدا می‌کنند.

با استفاده از روش‌شناسی CDA، می‌توان تیترها، داستان‌های خبری، گزارش‌ها و دیگر ژانرها را تحلیل کرد و با توجه به مقوله "voice"ها، گذار و غیرگذار بودن افعال، مکانیسم‌های نامگذاری، مبتناسازی و... پرده از موضع ایدئولوژیک راوی مطلب برگرفت و با فرونشستن گرد و خاک افسانه عینیت‌گرایی، جایگاه استراتژیک رسانه را در منازعات اجتماعی و مناسبات قدرت نشان داد.

CDA این قابلیت را دارد که تشخیص دهد در دل روابط نابرابر قدرت ـ که خود را متعهد به مبارزه برای دموکراتیزه کردن آن می‌داند ـ عملکرد یک نشریه یا سازمان رسانه‌ای در جهت تثبیت وضعیت موجود است یا علیه بی‌عدالتی؟ همان قابلیتی که حذف سیستماتیک صدای دیگری‌های نامطلوب قدرت غیردموکراتیک فعلی و محذوفان اجتماعی در رژوهه‌لات را به خوبی نشان می‌دهد. رژوهه‌لاتی که یا منکر پیچیدگی‌ها و تنوعات درون فرهنگ ماست یا به حذف آنها و تحقق توده‌ای می‌اندیشد که مهیای الگوی تبلیغات فاشیستی باشد.

CDA به ما کمک می‌کند که در "بازگشت آرامش به کردستان" تشکیک کرده و جایگاه رژوهه‌لات را ـ که خواسته یا ناخواسته ـ به مثابه یکی از دستگاه‌های ایدئولوژیک دولت در جستجوی حصول وفاق رضایت شهروندان کرد و تعمیق سلطه عمل کرده است، در منشور منازعات اجتماعی، تعیین کنیم. CDA این امکان را می‌دهد که بفهمیم چگونه در منشور رژوهه‌لات، "جوانان معترض" با عنوان "اغتشاشگر" بازنمایی می‌شوند. چرا بازتاب همواره درباره یک واقعه، "خبر می‌دهد" یا "گزارش می‌دهد" و سازمان‌های خاصی در آن مورد فقط می‌توانند "ادعا کنند". و بالاخره این CDA است که از لابلای کالاهای لوکسی که در سوپرمارکت خود و به عنوان چاشنی مواضع سیاسی ایدئولوژیک گردانندگان نشریه به نمایش گذاشته‌اید، پرده از همدستی نامشروطتان با وضع موجود برمی‌دارد.

تمهیدات گفتمانی: حاشیه‌رانی و برجسته‌سازی

ترک برداشتن "اسطوره روزنامه‌نگاری بی‌طرف" برای برخی افراد ممکن است به منزله توجیهی برای غلطیدن آگاهانه در دامان ایدئولوژی‌های ویژه‌ای تعبیر شود. و به مثابه چراغ سبزی جهت وداع مطلق با هر گونه روزنامه‌نگاری ابژکتیو باشد. این امر عموماً از طریق دو تاکتیک، حاشیه‌رانی و برجسته‌سازی و به شکل مفرط انجام می‌شود. برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی سازوکاری جهت اعتلای توانایی‌ها و منافع "خود" و به اضمحلال کشیدن "توانائی‌ها" و منافع "دیگری" است.

حاشیه‌رانی: مکانیسمی است که در روزنامه‌نگاری کردی جهت حصول به اهداف پیش‌گفته و به اشکال مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد. تبعید افکار رهایی‌بخش به ستون‌های اندیشه و انتزاعی، صورت رقیق این مکانیسم به شمار می‌رود. بیان انتزاعی اندیشه‌های رهایی‌بخش در کنار برداشت‌های محافظه‌کارانه در ستون‌های خبر و تحلیل، کارکردی جز عقلانی‌سازی وضع موجود ندارد.

۵ ←

انقلاب و بازتولید بی اعتمادی در کردستان

نگرشی بر دیدگاه دکتر جمشید حقگو در نشریه چشم‌انداز ایران، ویژه کردستان

دکتر عبداله ابریشمی

اشاره: اگر بگوییم در پنج قرن اخیر، به ویژه در قرن بیستم، "بی‌اعتمادی بزرگترین چالش حکومت و کردها در ایران بوده است. سخنی به گزاف نگفته‌ایم. البته بی‌اعتمادی بین حکومت و مردم منحصر به کردها نیست. اما آن بی‌اعتمادی که بر مناسبات حکومت با سایر مردم ایران سایه افکنده است، در برابر بی‌اعتمادی کردها و حکومت نسبت به هم بسیار ناچیز است. در این گفتار کوتاه، به سیر بازتولید این بی‌اعتمادی پس از انقلاب اشاره می‌شود.

الف: نگاهی به اوضاع مناطق کردنشین در سرآغاز انقلاب

۱ـ همزمان با فروپاشی رژیم شاه، در کشور خلاء قدرت پدید آمد و سلاح‌های زیادی به دست مردم افتاد، اما پس از این که کمیته‌های انقلاب در شهرستان‌ها به مرکز پیوستند، بیشتر سلاح‌هایی که در دست مردم بود جمع‌آوری شد. در آن زمان سازمان های سیاسی کرد نیز به تسلیح خود پرداختند، ولی آنان به نهادهای مرکزی نپیوستند و از تحویل سلاح‌های خود به دولت جدید خودداری ورزیدند. ریشه امتناع سازمان‌های سیاسی کرد در حفظ سلاح، همان بی‌اعتمادی ریشه‌دار بود؛ زیرا سازمان‌های سیاسی کرد، سلاح‌های خود را برای دستیابی به مدیریت بر مناطق کردنشین به کار گرفتند و این امر بیانگر بی‌اعتمادی کردها به حکومت برای تحقق خواست‌های به جا و قابل طرح مردم کرد در آستانه تغییر رژیم بود.

پس از تشکیل دولت نوین در ایران، کردها دست‌کم در سه مورد دچار مشکل شده بودند؛ اول: محرومیت از شرکت در مدیریت‌های کلیدی کشور از جمله در مناطق خود. دوم: درصد بسیار ناچیزی از اعتبارات و درآمدهای عمومی به مناطق کردنشین اختصاص داده می‌شد. سوم: سیاست رسمی رژیم شاه استحاله هویت‌های غیرفارس در ایران بود. همه این فشارها دست به دست هم داده بودند تا کردها از انقلاب متوقع باشند که به حداقل حقوق انسانی خویش دست یابند. به این سبب درخواست کردها عادلانه، منطقی و قابل بحث بود، اما چنین درخواستی نیازمند رویکرد به سلاح و گرفتار شدن در جنگی نابرابر نبود. این امر اکنون هم غیرقابل کتمان است که چنین توقعاتی با فرهنگ انحصارطلبانه حاکم بر ذهنیت بیشتر ایرانیان همخوانی ندارد!

۲ـ تا آغاز انقلاب روابط نابرابر کردها و غیرکردها در آذربایجان در تمام زمینه‌ها، گونه‌ای از استثمار و استعمار داخلی بود. بدبینی ناشی از تلوق صدها ساله غیرکردها در این خطه ـ که همواره مجری تعدیات حکومت‌های پادشاهی در ایران بر مردم کرد بودند ـ در طی قرن‌ها با زدوخوردهای خونباری همراه بوده است. خوشبختانه بر اثر انقلاب دشمنی‌ها در حال فروریختن بود. به علاوه آموزه‌های چپ که بر سازمان‌های سیاسی کرد سایه افکنده بود، این امید را که از این پس بی‌اعتمادی جای خود را به روابط برابری و برادری بین کرد و ترک می‌دهد فراگیر ساخته بود، ولی سلطه‌جویانی که خواستار برتری و حفظ منافع دیرپای خود در منطقه بودند و نیز فعالیت پنهانی بسیار محتمل عوامل بیگانه چون دولت‌های ترکیه، عراق و قدرت‌های فرامنطقه‌ای مخالف انقلاب، مانع تحقق این آرزوها (رفع بی‌اعتمادی، برقراری برابری و برادری بین کرد و ترک) شدند. آنان تلاش موذیانه‌ای را برای ایجاد تنش در منطقه آغاز کردند، ولی سازمان‌های سیاسی کرد عنایتی نسبت به تحرکات پشت پرده نداشتند. در حالی که طرف مقابل آگاهانه منتظر فرصت بود و نمی‌خواست موقعیت برتر خود را در منطقه از دست بدهد. آنان نگران رویکرد انقلاب برای از میان برداشتن این روابط ظالمانه در منطقه بوده و می‌کوشیدند نگذارند موقعیت و منافعشان آسیب ببیند. در مرکز هم عوامل انحصارطلب و برتری‌جوی بازمانده از فرهنگ رژیم پیشین، پشتیبان سلطه‌جویان منطقه بودند و بر طبل بی‌اعتمادی نسبت به کردها می‌کوبیدند. فرایند این جریانات به تشدید نابرابری و بازتولید بی‌اعتمادی دیرپایی انجامید. در نتیجه موقعیت کردها در ایران بیش از پیش آسیب‌پذیر گردید.

۳ـ بدبختانه در جریان انقلاب عوامل ناشناخته زیادی از سراسر ایران به کردستان روی آوردند. سازمان‌های سیاسی کرد نیز دست و بال آنان را باز گذاشتند. انحصارطلبان از این اوضاع درهم بهره‌برداری کردند و با مهارت فراوان توجه دست‌اندرکاران انقلاب را به سود خود و زیان کردها جلب کردند.

۴ـ درگیری‌های نقده موقعیت کردها را بدتر از پیش کرد. عوامل انحصارطلب و سلطه‌جو در منطقه و مرکز، اکنون نیز از این بی‌اعتمادی برای پیشبرد نظرات خود بهره‌برداری می‌کنند، اما آنان با این کار زمینه را برای رویکرد مردم کرد به ویژه جوانان به واکنش‌ها و گرایش‌های رادیکال آماده می‌کنند و به کشور آسیب می‌رسانند. مطابق نظر بیشتر دست‌اندرکاران آن زمان، علت حادثه نقده تجمع مسلحانه دموکرات‌ها در نقده بود (۱۹ فروردین ۱۳۵۸، به نقل از "ماوان"، ۲۰ اسفند ۱۳۸۴، ص ۴، جلایی‌پور) اما در ارزیابی آن تجمع نمی‌توان مانند نظر مخالفان، آن را یک حرکت با مقاصد نظامی خواند، ولی مخالفین آن تحرک را علاوه بر قصد تسلط بر نقده، حرکتی برای دستیابی به پادگان‌های پیرانشهر، پسوه و جلدیان می‌دانند. ولی به نظر می‌رسد که آن تجمع بیشتر مسلحانه هواداران حزب دموکرات در بخش ترک‌نشین نقده، بیش از این که یک توطئه با اهداف "نظامی" بوده باشد، حرکتی نسنجیده و ناشی از ناآگاهی گردانندگان آن مراسم از اوضاع و عمق توطئه‌ها برای حفظ برتری قومی در آذربایجان غربی بوده باشد. اگر نه تجمع در یک زمین ورزشی آن هم در قلب منطقه مخالفین، یک حرکت نادرست نظامی است و بسیار بعید است که کردها چنین برنامه نظامی عیثی را طراحی کرده باشند. در هر حال بهتر است مشی حوادث و دیدگاه برخی از نهادهای آن زمان را نسبت به کردها و بازتولید بی‌اعتمادی متقابل بین کرد و حکومت را از زبان استاندار وقت آذربایجان غربی آقای دکتر حقگو بشنویم:

ب: فاجعه نقده

دکتر حقگو می‌گوید: "حزب دموکرات کردستان به عنوان پیش‌درآمد تجدید فعالیت‌های خود در مهاباد، همایش مسلحانه برگزار می‌نماید و قرار می‌گذارد که در نقده هم همین برنامه را تکرار کند... این امر خیلی تحریک‌کننده و نوعی قدرت‌نمایی در مقابل اهالی غیرکرد نقده به حساب می‌آمد..." (ص ۴۵) لازم به ذکر است که نظر بیشتر کاربدستان مانند نظر دکتر جلایی‌پور است که در بالا به آن اشاره شد.

حقگو تحریم رفراندم (از جانب رهبران کرد) را هم غیرقابل توجیه می‌داند. (همان ص) در این مورد اشاره می شود که اگرچه دکتر قاسملو همراه شیخ عزالدین رفراندم را تحریم کردند، ولی حزب دموکرات در چرخشی مثبت، در تابستان ۱۳۵۸ در انتخابات خبرگان شرکت کرد. عبدالرحمن قاسملو برای مجلس خبرگان رأی آورد، اما این بار مرکز نادرست برخورد کرد: مراجع متعدد قدرت و تصمیم‌گیری، از حضور قاسملو در کنار خود ممانعت کردند. حقگو در این باره می گوید:

"به عقیده من اگر دکتر قاسملو به خبرگان می‌آمد بهتر بود احتمالاً مصیبت‌های بعدی رخ نمی‌داد و اتفاقی هم نمی‌افتاد برای مجلس هم حضور ایشان مفید بود." (ص ۵۳)

ج: انقلاب و تشدید فشار بر کردها

سرانجام آن حوادث به تشدید فشار بر کردها منجر شد. هنگامی که دکتر جمشید حقگو به سمت استاندار آذربایجان غربی منصوب شد، عوامل برتری‌خواه در اوج تلاش و برنامه‌ریزی برای تداوم سلطه دیرپای خود بر کردها بودند. حقگو نسبت به تحریک و تهدید کردها از سوی آنان اعتراض کرد. او در مصاحبه‌اش گفته است: "در آن زمان مقاله‌ای تحت عنوان (انحصارطلبی و تنگ‌نظری ما را از واقعیت کردستان دور نگاهداشته است) نوشته، که چاپ و منتشر شده است." (ص ۵۰) حقگو در اعتراض به خشونت گروه‌های فشار در آذربایجان غربی علیه کردها، تهدید به استعفا از سمت خود کرد و در بیانیه‌ای نوشت:

"... من هشدار می‌دهم در صورت ادامه این تحریکات شهر [ارومیه] را ترک خواهم کرد." (ص ۵۰). حقگو در همان هنگام در جایی دیگر گفته بود: "عوامل غیرمسئول در منطقه، گمان می‌کنند جنگ بین کرد و مسلمان است" (اطلاعات ۳۹ / ۲ / ۵۹). اما واقع امر نیز چنان بود! بدبختانه سازمان‌های سیاسی کرد همه قضایا را با تحلیل تئوریک طبقاتی شبه‌مارکسیستی برآورد می‌کردند و به واقعیات تاریخی و اوضاع آن دوران منطقه توجهی نداشتند!

با این حال دکتر جمشید حقگو در مورد فاجعه "قارنا" کفه ترازو را به زیان کردها و به سود طرف مقابل سنگین کرده است. او در اشاره به فاجعه قارنا آن را "انتقام‌جوئی محلی" خوانده است (ص ۴۶). متأسفانه هنوز امکان بیان واقعیت بسیاری از رویدادهای تلخ آن دوران وجود ندارد، اما اگر سخن از انتقام‌جویی در میان باشد، کردها به سبب سیستم متمرکز حکومتی و موقعیت برتر غیرکردها در این استان، به طور "مستمر" در معرض ستم، تبعیض، تحقیر و حق‌کشی آزاردهنده‌ای قرار داشته‌اند. هر چند در هر سده چند بار قصد تلافی کرده‌اند اما باز با کمک نیروهای دولتی به شدت سرکوب شده‌اند. با این حال خوشبختانه کردها کمتر به اعمال زشت انتقام‌جویانه دست زده‌اند. به علاوه اگر فاجعه قارنا "انتقام‌جویی محلی" بوده باشد، سایر رویدادهایی از آن دست چون "قه‌لاتان، کانی مام سیده و..." را چگونه می توان تفسیر کرد؟

د: درس‌هایی از گذشته

۱ـ در جریان انقلاب

در دوران انقلاب سازمان‌های سیاسی کرد و نهادهای دولتی هر دو نادرست عمل کردند. در نتیجه فضای بی‌اعتمادی بین کردها و دولت بیشتر شد که هنوز ادامه دارد. اما بی‌اعتمادی و نابرابری مبنای چالش‌ها بوده و می‌تواند از علل حوادث آینده نیز باشد.

۲ـ بعد از انقلاب

دست‌اندرکاران آن دوران، برخلاف وعده‌ها پس از چیرگی بر گروه‌های مسلح، تغییر چشمگیری در نگرش خود به وجود نیاوردند. در نتیجه بی‌اعتمادی آزاردهنده‌ای هنوز بر روابط طرفین حاکم است. برخی از دست‌اندرکاران امروز هم راه حل مسأله کردستان را فقط در توسل به قهر می‌جویند. آنان امروز نیز در همسویی با رژیم‌های ضدکرد چون دولت‌های نژادپرست ترکیه و سوریه می‌کوشند. این امر بر بدبینی کردها نسبت به حکومت ایران افزوده و زمینه را برای گرایش‌های تند در هر دو سو فراهم می‌کند. نگرش بدبینانه علاوه بر این که در تقسیمات کشوری به ویژه در استان آذربایجان غربی ـ که از بدو تشکیل دولت مدرن، کردها خواهان آنند ـ تجدیدنظر به عمل نیاورده، نواحی وسیعی از مهاباد را نیز به میاندوآب ملحق ساخته است! چنین به نظر می‌رسد که این دیدگاه بود که از همان آغاز انقلاب کوشید تا پیام امیدبخش ۵۸/۸/۲۶ حضرت امام(ره) به فراموشی سپرده شود.

خیرالامور اوسطها

اسداله وکیلی

آقای احمدیان پسوه مطلبی با عنوان "حقیقت تبعیض" به رشته تحریر درآورده‌اند که در شماره ۵۲ هفته‌نامه "رۆژهەلات" چاپ شده است. ایشان در این مطلب از نظرات جناب مرادیان درباره نادیده گرفتن عقاید کردها توسط "جبهه متحد کرد" که از سخنان مهندس ادب استنباط کرده و تردید خود را از موفقیت این جبهه اعلام داشته، انتقاد نموده‌اند. اکنون ضمن احترام و ارج نهادن به نظرات ایشان مروری نقادانه بر آن خواهیم داشت. با خواندن مقاله ایشان هر خواننده‌ای درک خواهد کرد که هر دوی این بزرگواران و چه بسا هم‌زبانان و هم‌مذهبان دیگری که در این دو طیف قرار می‌گیرند، دغدغه‌های مردم ستمدیده کرد را بیان کرده و هر یک با تمام وجود خواهان پایان دادن به مظلومیت این قوم ستمدیده هستند. اما مهم اینجاست که علتهای مدنظر این دو طیف، در این برهه از زمان، چه میزان در مظلومیت کردها نقش دارند. ـ جبهه متحد کرد علت بی‌مهری حکومت نسبت به کردها را صرفاً بدلیل خصومت با مردم کردزبان می‌داند. ـ مذهب‌گرایان علت این بی‌مهری را مسایل عقیدتی می‌دانند.

نویسنده در ابتدا صحبتهایشان به تاریخ یک صد سال گذشته کردها و ظلم روا شده بر آنان توجه داشته و در جواب به نظر جناب مرادیان، مبنی بر مذهب‌گرائی، از یک طرف همگی حاکمان حکومتهای پیشین را سنی‌مذهب معرفی کرده و از طرف دیگر به مسلمان‌نما بودن این حاکمان اشاره می‌نماید.

در جواب بایستی گفت: نمی‌توان صرفاً سنی بودن و یا شیعه بودن را دلیل قاطعی برای اسلامی حکومت کردن دانست و از طرفی با توجه به طرح شدن مقوله مسلمان‌نما بودن سردمداران پیشین از جانب نویسنده می‌توان نتیجه گرفت که هر نوع حکومت اسلامی، فارغ از شیعه و یا سنی بودن، اگر احکام اسلامی را درست و کامل رعایت نکنند نه تنها نمی‌تواند بر مردم حکومت کند بلکه نتیجه آن ظلم بر مردم خواهد بود و نهایتاً مصداق این حدیث شریف قرار می‌گیرد: "الحکومة یبقا مع الکفر و لایبقا مع الظلم"

من معتقدم حکومت اسلامی نوپای ایران اگرچه نتوانسته کردهای خود را راضی نگه دارد اما بی‌مهری حکومت نه به لیل خصومت نسبت به قوم کرد است، بلکه به دلیل کم‌تجربگی و ناقص اجرا نمودن احکام اسلامی در این زمینه است. اما همین اجرای نسبی احکام اسلامی بعد از انقلاب باعث ایجاد امنیت و رفاه بیشتری در میان کردهای ایران نسبت به کردهای سه کشور دیگر، همانگونه که شاهدش هستیم شده است. در ادامه نویسنده بیان می‌دارد: کردها، چه سنی، چه شیعه یا اهل حق تنها چیزی که آنان را به عنوان یک اصل به هم پیوند می‌دهد "کرد بودن" است. در جواب عرض می‌کنم که ایشان احتمالاً از نظر عموم مردم کرد و به اصطلاح از قلب کردها خبر ندارند و به کردهای اطراف خود بسنده کرده‌اند.

۷ ←

آنان که خاک را...

۳ ←

آقای احمدیان از روی برنامه‌هایی که خود برای جبهه مشخص کرده‌اند و فضای مبهمی که برای خود به وجود می‌آورد به نتیجه‌گیری جالبی دست میازد و کم‌کم باور می‌دارد که جبهه هنوز از راه نرسیده، نه تنها خود را بدیلی برای احزاب قرار داده است بلکه تلاش می‌کند به عنوان نماینده مردم کرد جهت گرفتن برخی مطالبات کردها که دربردارنده هیچگونه خطری برای حاکمیت و وحدت کشور نیست، با تعدیل کامل درخواست‌های مردم در پشت میز مذاکره قرار گیرد.

ایشان در قسمت بعدی با اشاره به سخنان آقای توحیدی می‌نویسند: امیدوارم سخنان آقای توحیدی از سر واقع‌بینی و بر اساس تفاهمات و تعاملاتی باشد که مابین سران جبهه و دولت صورت گرفته است که ما به عنوان ارباب‌رجوع از آن بی‌اطلاع هستیم؟! که البته با کشف‌های مکررشان بعید به نظر می‌رسد به عنوان ارباب‌رجوع از مسایل پشت‌پرده بی‌اطلاع باشند. بدون شک نقد و بررسی و آسیب‌شناسی مسایل و پدیده‌های اجتماعی که امری اجتناب‌ناپذیر در سطح جامعه می‌باشد، یکی از مؤثرترین راهها برای روشنگری و آگاه نمودن افکار عمومی جهت انتخابی شایسته در هر زمینه‌ای می‌باشد اما مشروط بر اینکه اصول این گفتمان بر مبنای صداقت و نه تحریف و تخریب و خلط مبحث باشد. در هر حال جبهه متحد کرد تلاش کرده است هر آنچه را که در ارتباط با حقوق مردم کرد می‌باشد در بیانیه بگنجاند اگر چنانچه آقای احمدیان موارد دیگری از مطالبات مردم کرد را سراغ دارند که جبهه آگاهانه و در جهت تعدیل خواسته‌های مردم کرد از قلم انداخته است، آنها را گوشزد نمایند تا حداقل مردم از آن غافل نباشند. اما ایشان به جای هر گونه روشنگری و اقدام دیگری در مورد آنچه که جبهه تعدیل و مخفی نموده‌اند همان برنامه‌هایی را فراروی جبهه قرار می‌دهند که در بیانیه فراخوان و دیگر مطالب انتشاریافته آنها به طور شفاف آمده است و آقای احمدیان چیز تازه‌ای ندارد که به خوانندگان ارزانی دارد. در هر حال حرکت جبهه متحد کرد با همه کاستی‌ها، مشکلات و محدودیتهای خود آغاز شده است و مانند هر حزب و گروه و تشکل دیگری نمی‌تواند هیچگونه تضمینی برای به نتیجه رسیدن حتمی آن به هیچ‌کس بدهد اما به قول مارکس: "هر حرکتی در بطن خود یک پیروزی به حساب می‌آید."

روزنامه‌نگاری کردی و

۴ ←

زەروورە تی رادیکال بوون - سلافۆی ژیژەک

پاش مردنی پاپ..." نخندید! قلم‌هایی که تمام ساحت‌های انضمامی زندگی ما را به ابتذال کشیده‌اند، گهگاهی در پس روبندها و نقاب‌های دنیای انتزاعی و به زبانی بغایت مغلق از افکار رهایی‌بخش سخن می‌گویند. تبعید اندیشه‌های رهایی‌بخش، اما صورت رقیق‌شده مکانیسم "حاشیه‌رانی" است. توسل به سیاست "حذف" صورت عریان این مکانیسم است. حذف به معنای عدم انعکاس یک رخداد اجتماعی است. چند ماه قبل، حادثه تلخ ماکو مشمول مکانیسم حاشیه‌رانی و حذف شد و به طور کامل بایکوت گردید. فراتر از آن "تجمعات سه‌گانه" جنبش دانشجویی نیز از سوی سیاست رسانه‌ای رۆژهەلات فرجامی بهتر از حذف و بایکوت نیافتند. نباید فراموش شود که همزمان با اعمال این مکانیسم، برجسته‌سازی نیز به شیوه‌ای زننده مورد استفاده قرار گرفته است. پوشش خبری اظهارات و برنامه‌های استاندار جدید کردستان، مسایل مربوط به کردستان عراق ـ تشکیلات اتحادیه میهنی ـ و... از مصادیق کاربرد این مکانیسم بشمار می‌روند. ممکن است در اوج حوادث ماکو این نشریه سیاست حذف را برگزیند اما در مقابل به چاپ و برجسته‌سازی اظهارات استاندار بپردازد. تمهیدات یادشده (حاشیه‌رانی و برجسته‌سازی) سازوکارهایی جهت پاسداری از برخی منافع و افکار مشخص و معارضه‌جویی با جریانات و اندیشه‌های مشخصی است. این سازوکارها هیچگاه به صورت تصادفی رخ نمی‌دهند. نگاه کنید به تعبیر "بازگشت آرامش به کردستان" از پدیده تحقق میلیتاریزم. سرفصل‌های سفارشی به چالش کشیدن هستی‌شناسی روزنامه‌نگاری کردی در شرایط فقدان سرمایه بومی ممکن است قدری به دور از انصاف باشد. اما این مسأله بصیرت کافی برای درک و فهم معضل "سرفصل‌های سفارشی" را به ما می‌بخشد. بخشی از روزنامه‌نگاری کردی برای تداوم حیات خود نیازمند سازوکارهای ویژه‌ایست. امری که به راحتی می‌تواند مطبوعات را به آوردگاه‌های مبتذل ایدئولوژیک و حزبی تبدیل نماید. این سرنوشت گریزناپذیر ژورنالیزمی است که نه محصول ضرورت‌های اجتماعی و روشنفکری بل نتیجه ملاحظات دیگری است. هنگامی که دو سال قبل روابط اتحادیه میهنی و پ.ک.ک متشنج شد موجی از سرفصل‌های سفارشی هفته‌نامه رۆژهەلات را فرا گرفت. به زودی انبوهی از مطالب که عمدتاً بیانگر خیانت و سرسپردگی پ.ک.ک و رهبرانش بود در این هفته‌نامه به چاپ رسید. در حالی که در همان روزها سفر یکی از رهبران کرد به ترکیه و پیشنهاد پیاده کردن مدل "بروکسل" برای شهر کرکوک تبدیل به بزرگترین گاف سیاسی کردستان شده بود! اندکی بعد زمانی که هیأت سازمان اطلاعات مرکزی ترکیه "میت" به دعوت شخص یادشده رهسپار کرکوک شدند، و افکار عمومی کردستان به شدت درگیر این مسأله شد رۆژهەلات بنا به دلایلی که همگان بر آن واقفند راهبرد سکوت مطلق را برگزید و خود را به کوچه علی چپ زد!! هنگامیکه از اهمیت ملاحظات ویژه و فقدان ضرورت‌های جامعه‌شناختی سخن می‌گوییم به هیچوجه درصدد آژیتاسیون نیستیم بلکه بر نکات انضمامی مشخص انگشت می‌گذاریم. واقعاً گشودن پرونده اوجالان و ایمرالی برآمده از چه ضرورت‌هایی بود و سرپوش گذاردن بر کاف کرکوک ناشی از چه الزاماتی؟ چند ماه قبل کار به جایی رسید که در یکی از ستون‌های رۆژهەلات رهبران پ.ک.ک با چوپان‌های آناتولی مقایسه شدند.

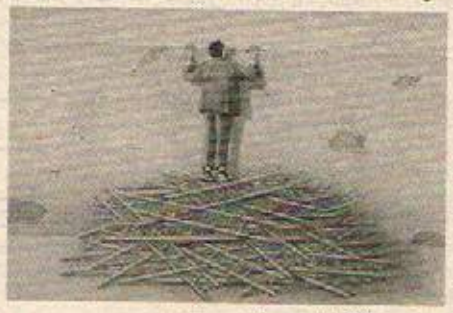

تنها برخی ملاحظات ویژه است که به ژورنالیزمی حیات بخشیده است که ناگزیر است طی یک شماره با چاپ ۵ مقاله به تخطئه و تحقیر مردم "حلبچه" بپردازد و آداب اعتراض و راهپیمایی را به آنها بیاموزد.

افشاء و پرداختن به پدیده "سرفصل‌های سفارشی" تنها راه مفید برای درک هرج‌ومرجی است که ظاهراً سیاستگذاری یک نشریه را فراگرفته است. بررسی این "روش‌شناسی دغلکارانه" به ما می‌آموزد که چگونه قلم‌های خاصی به تعاریف کاملاً دلبخواهانه از مفاهیم "حقوق بشر" و "دموکراسی" بسنده می‌کنند و در جریان حوادث "ماکو"، "حلبچه" و "مرگ ـ مشکوک ـ کانی پلماز" راهبردهای متفاوتی اتخاذ می‌نمایند. این ناسازه‌ها، ذات روزنامه‌نگاری غیرحرفه‌ای "[...] ـ شرقی" است.

★دانشجوی کارشناسی ارشد روزنامه‌نگاری
★★دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل

شماره ۲۸ ـ شنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۵ ـ ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۴۲۷ ـ ۲۰ مه ۲۰۰۶

اسلام در قفس اتهام

(۲۶)

نویسنده: نوفل ابوخلیل — ترجمه از عربی: دکتر اردشیر صدرالدینی

می‌فرماید: "خداوند بر تن تو پیراهنی می‌پوشاند که اگر از تو بخواهند آن را بیرون آوری، درنیاوری، و می‌فرماید: "بدین‌گونه زده می‌شوی (یعنی به سر و صورت او) و خون‌آلود خواهی شد"، و چنان شد. در مورد امام حسن می‌فرماید: "خداوند به وسیله او میان دو دسته بزرگ صلح برقرار خواهد فرمود"، و چنان شد.

پیامبر خدا (ص) خبر می‌دهد که بر یکی از زنانش ـ عایشه را برحذر می‌دارد از اینکه او باشد ـ سگان "حَوأب" پارس خواهند کرد. در حقیقت سگان حوأب بر عایشه پارس می‌کنند... عایشه(رض) می‌گوید: مرا برگردانید، به خدا سوگند در راه، سگان حوأب همراه من شده‌اند... پیامبر خدا(ص) می‌فرماید: "مردی نیکوکار در زیر بارویی قسطنطنیه به خاک سپرده می‌شود، بعد آن مرد نیکوکار "أبو أیوب انصاری" خواهد بود. امثال اینگونه و غیر آن بسیارند، آیا اینها از جاسوسی است؟ یا اینها از معجزات نبوت است؟ تو ای قاضی، عقل و اندیشه‌ات را به داوری بخوان.

مفهوم عدالت در اسلام

ملا حسین حاجی‌عبداله

واژه عدالت آرامبخش دلها، روشن‌بخش دیدگان تسلی‌بخش وجدان‌ها است. مظلومی که در چنگال ستمگری گرفتار آمده و آه و فغانش درآمده است، آرزویی جز اجرای عدالت در حق خود ندارد. آنکه از تبعیض‌های ناروا و ناهنجاری‌ها رنج برده، آرامبخش‌ترین واژه برایش تحقق عدالت است.

عدل اصل و قانونی است که نظام هستی بر محور آن می‌چرخد. خداوند متعال عادل است و از بندگانش عدالت می‌خواهد. بزرگان معرفت می‌گویند، نخستین مرحله عدالت آن است که انسان بین خود و پروردگارش به عدل رفتار نماید، دومین مرحله عدالت رعایت آن در حق خویشتن که هیچ‌کس بر خود ظلم نکند. سومین مرحله عدالت، رعایت آن در حق دیگر انسان‌ها و مخلوقات است. هیچ‌کس در هیچ مقام و منصبی در پنهان و آشکار حق ندارد حقوق فردی و اجتماعی و سیاسی کسی را نادیده بگیرد و ستم و خیانتی را بر او روا بدارد. عدالت به معنای اخیر، مهم‌ترین رکن قوام و دوام یک جامعه ایده‌آل و دولت مردم‌سالار محسوب می‌گردد و باید مورد توجه همگان خصوصاً مجریان قانون و دولتمردان قرار گیرد. از این روست که خداوند برگزیده‌ترین بندگانش را به اجرای عدالت توصیه مؤکد می‌کند و به داود (ع) می‌فرماید (ص آیه ۲۶): "ای داود ما تو را در زمین فرمانروا قرار دادیم پس در میان مردم به حق داوری کن و از خواهش نفس پیروی نکن که تو را از راه خدا منحرف می‌سازد." و به مؤمنان می‌فرماید (نساء آیه ۵۸): "و چون در میان مردم به داوری نشستید دادگرایانه داوری کنید" اجرای عدالت به قدری مهم و مؤکد است که حتی در مقام انتقام‌جویی از دشمن نفرت و بغض را با وی، نباید آن را نادیده گرفت. (مائده آیه ۸) "و دشمنی قومی شما را بر آن دارد که با ایشان با عدالت رفتار نکنید، به عدالت رفتار کنید که آن به ویژه با دشمنان به پرهیزگاری نزدیک‌تر است" این از ویژگی‌های دین اسلام است که حتی برخورد با سرسخت‌ترین دشمنان را بر رعایت عدالت تأکید می‌کند و حتی فراتر از آن به احسان و نیکی ترغیب می‌نماید. در مقابل عدل ظلم است؛ و به همان اندازه که عدالت پسندیده و مطلوب است ظلم و ستم و تبعیض و بی‌عدالتی منفور و مبغوض است. آن‌قدر که خداوند ظالمان را مورد نکوهش قرار داده هیچ گروه دیگری را آن‌گونه سرزنش نکرده است، زیرا ظلم وجود حاکمان و اولوالامر، اساس جامعه بشری و امنیت اجتماعی را نابود می‌کند عقده و کینه را می‌پروراند، استعدادها را می‌کشد و به جای مهر و عطوفت، بدبینی و بدخواهی و حسادت و انتقام‌جویی را در جامعه حاکم می‌کند و تاریخ دولت و ملت را سیه و مکدر می‌نماید.

هر چند کفر بد و برخلاف فطرت بشر است، اما وجود آن برای بقای ملک و دولت خطرناک‌تر از وجود ظلم نیست. پدر علم جامعه‌شناسی، (ابن‌خلدون) در این خصوص می‌گوید: "ظلم نشانگر خرابی اجتماع و عمران است" و قول مشهوری است که ملک و حکومت با کفر دوام خواهد داشت اما با ظلم دوام ندارد و جامی در بوستان سروده است:

عدل و انصاف دان نه کفر و نه دین، آنچه در حفظ ملک در کار است عدل بی‌دین نظام عالم را بهتر است ظلم شاه دیندار است". جای بسی خوشحالی و مسرت است که دولت آقای احمدی‌نژاد عدالت‌محوری و مهرورزی را در سرلوحه شعارها و برنامه‌های خود قرار داده است و توجه همگان را به خود معطوف کرده است. آحاد و افراد جامعه ایرانی علی‌الخصوص ما کردها منتظریم که مصادیق عدالت‌گستری را در ثروت، حکومت، فرهنگ و همه زمینه‌ها در حق خود نظاره‌گر باشیم و مرارت و رنج‌ها رخت بربندد که در سایه عدالت، آزادی و رعایت حقوق فردی و اجتماعی و سیاسی همه شهروندان را بتوان ایرانی نامید. خطرناک‌ترین آفت در تحقق این مهم، تناقض شعارها و گفتار، با رفتار و عملکرد است که شکاف مردم و دولت را بیشتر و عمیق‌تر می‌کند. و انشاءالله فرموده حضرت علی در مورد ما کردها صورت عینی پیدا کند که می‌فرماید: "کسی که از روی مهربانی و عدالت با مردم رفتار نماید مردم او را دوست خواهند داشت".

غدیر از دیدگاه اهل تشیع

نقدی بر مقاله روایتی دیگر از غدیر

محمد غفرانی

مقاله "روایت دیگری از غدیر" به قلم آقای ملا سید مصطفی محمودیان به دستم رسید. که فرصتی به دست آمد و این نوشتار را خواندم. جای خرسندی است که باب گفتگو درباره مهمترین واقعه تاریخ "غدیر خم" جرقه‌ای دوباره خورد و همان گونه که نویسنده محترم بدان اشاره کرده‌اند کمتر مقاله‌ای از عالمان اهل تسنن در این خصوص نگارش و نشر یافته است. از آنجا که نکات مهم و قابل تأملی در این مقاله هست بر آن شدم تا به بیان ابهامات و شبهات مقاله یادشده بپردازم. پیش فرض از آنجا که بنای نقد مقاله را به طور مرسوم ندارم لذا به جای تبیین دکترین تشیع و همچنین قضاوت عجولانه، بیشتر نکات قابل تأمل و دقت مقاله جناب ملا سید مصطفی را که منجر به ایجاد ابهام شبهه در نوشتارشان شده را مورد به مورد طرح نمایم. بنابراین چندین فراز پیش روی ما باز می‌شود.

۱ـ ادعای نفی جانشینی در قرآن و... : ایشان در آغاز مقاله نوشته‌اند: "در جریان غدیر اساساً مسأله جانشینی رسول مطرح نبوده است. منابع مربوط به چنین قضیه‌ای منحصر به کتاب‌های حدیث و تاریخ می‌باشد. زیرا چنان که محرز و مسلم است نه در قرآن ذکری از آن رفته و نه پای شاهد عینی و علم غیبی در میان است." شما جناب ملا به عنوان اهل تسنن و من نیز به عنوان محصل علوم دینی می‌خواهم بدانم به نظر شما این سخن تا چه اندازه قابل قبول است که یک دین و پیامبرش خود را به عنوان خاتم ادیان و انبیا معرفی کند و از طرفی نسبت به جانشینی خود سخنی به میان نیاورد، چون فرض آن است که تنها دلیل خلافت علی(ع) همین واقعه است که شما آن یک مورد را نیز نفی کرده‌اید. همه می‌دانند و قرآن نیز گواه است که موسی(ع) هرگز خود را نبی خاتم معرفی نکرد و آن موقع که مأموریتی داشت با آنکه آخرین وداعش نمود به بیان قرآن برادرش را جانشین خود کرد، "اخلفنی فی قومی و اصلح" و چه کار عاقلانه‌ای فرمود، جانشینم باش و مصلح.

چگونه است که می‌خوانیم عیسی(ع) پس از آغاز غیبتش، حواریون را ادامه دهندگان راه حضرت و عهده‌دار هدایت مردم، قرار داد در حالی که نه بحث خاتمیت ایشان در میان بوده و نه دینش، دینی خاتم معرفی شده است. اما آیا پذیرفتنی است، که امتی پس از ۲۳ سال تلاش و ۶۳ سال عمر شریف پیامبر، یکباره و بدون هیچ‌گونه برنامه‌ریزی رها شوند؟ شما برای مردم نقل می‌کنید و احکام می‌خوانید که وصیت خوب است، وصی برای خود تعیین کنید. قیم و ولی و غیب و قصر کذا و کذا... اما پیامبر خاتم نباید و قرار نیست که جانشین داشته باشد؟! کدام عقل سلیم می‌پذیرد که قرآن مملو از احکام و اخلاق و تاریخ متنوع باشد. اما درباره مهمترین رکن دین ناقص باشد؟ در مقاله شما آمده است: "... هنگامی که علی(رض) از همراهان جدا شد مردی را به عنوان امیر بر آنها بگمارد..." سؤال من این است آیا علی(ع) می‌دانست که باید به جای خود جانشین منصوب کند تا لشکر ۲۰۰ نفری را هدایت کند اما العیاذ بالله، خداوند ندانست که امت نوپای اسلام پس از رحلت پیامبرش، نیاز به خلیفه و جانشین دارد؟ این اساسی‌ترین ابهام کلام شما است که ذهن هر خواننده‌ای را به خود مشغول می‌دارد گرچه شما در یک جا با اشاره به آیه ۳ از سوره مائده، قسم یاد کرده‌ای که آیه "الیوم اکملت لکم دینکم"، (امروز کامل کردم دین شما را) جز به روز عرفه نازل نشده است. سؤال و شبهه دیگری بروز می‌کند که بالاخره چه اتفاق نویی افتاد که در روز عرفه خداوند فرمود، "الیوم اکملت لکم دینکم"، (امروز که من شما را کامل کردم). این چه نعمت و اتفاقی بود که موجب اتمام و اکمال دین و نعمت شد؟ افکار عمومی نیاز به تنویر دارد که در آخرین سفر معنوی پیامبر، حجة‌الوداع، کدامین نعمت نازل شد، کدامین امر عظیم به وقوع پیوست که تاریخ آن را ثبت کرده است اما در مقاله شما به آن تصریح نشده است؟

با نگاه به آیه ۶۷ همین سوره، سؤال تقویت می‌شود که "یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک و إن لم تفعل فما بلغت رسالتک". (ای پیامبر ابلاغ کن آنچه به تو نازل شده و اگر این کار را انجام ندهی رسالتت را تبلیغ نکردی)، این کدامین رسالت و تبلیغ بود که پیامبر می‌بایست در حجة‌الوداع آن را بیان کند.

اگر فرض کنیم گفته جنابعالی در باب جانشینی علی(ع) صحیح است واقعاً برای یک دین نقص نیست که فکری برای این قضیه نکرده است؟ چگونه است که خلیفه اول و دوم را اعلام نمود و ایرادی هم ندارد اما خداوند حق چنین کاری را ندارد؟! تاریخ چه قضاوتی می‌کند، عقلاً چه تصویری از دین ناقص دارند به نظر می‌رسد که باید فکری برای این قضیه کرد که قرآن و پیامبر(ص) آخرین سند محکم الهی، از عظیمترین جریان بنیادی ساکت باشند.

۲ـ فراز دوم: ماجرای یمن ایشان در مقاله خود درباره اعزام علی(ع) به یمن نوشته‌اند، حضرت رسول(ص) در سال دهم هجری قبل از عزیمت به مکه به قصد حجة‌الوداع علی ابن ابی طالب(رض) را به نجران فرستاد تا زکات و جزیه نصارای آن شهر را جمع‌آوری کرده و به نزد رسول خدا بیاورد زمان بازگشت علی(رض) از آنجا، مصادف بود با عزیمت آن حضرت به مکه از این رو علی (رض) نیز احرام بسته و... این هشتاد موضوع را بیش از این دنبال نکرده و ننوشته است که رسول اکرم(ص) این سخنرانی را به دفاع از علی در چه محلی ایراد فرمود." ابن اسحق از ابوسعید خدری روایت کرده است: چون مردم شکایت از علی ابن ابی طالب را پیش رسول خدا..." "محمدرضا مسئول پیشین کتابخانه الازهر در کتاب محمد رسول‌الله می‌نویسد: رسول خدا ـ صلی‌الله را که برای حج آمده بود ملاقات کرد." در صحیح بخاری دو روایت نقل شد یکی از ابواسحق، دیگری بریده..." "ابن کثیر در تاریخ البدایه و النهایه روایات متعددی... این مورخ بزرگ قبل از اینکه به ذکر روایات بپردازد مقداری مختصر می‌گوید: رسول خدا(ص) در خطبه‌ای که در غدیر خم نزدیک جحفه واقع... به تبرئه علی پرداخت زیرا برخی از کسانی که در سرزمین یمن با او بودند، وی را در تقسم غنایم، ستمکار و از روی بخل‌ورزی..." "براء بن عازب متن روایت را چنان آورده است..." اولاً کلام مورخ و راوی در مقاله شما موزبندی نشده است و همین اندماج موجب مبهم شدن کل جریان تاریخی شده است. به عنوان نمونه نقل ابن هشام مستند به کدام راوی است. اگر از ابن اسحق و خدری نقل می‌کند، در کلام این راوی بحث حجة‌الوداع نیست اما موضوع شکوائیه مطرح شده است. همچنین در نقل از ابن کثیر، این مورخ مورد نظر، از دو راوی به نام بریده و براء. دو حدیث نقل می‌کند که در یکی از آنها بحث حجة‌الوداع است و در دیگری بحث شکوائیه، لذا چون مرز کلام مورخ و راوی معلوم نیست، موجب ابهام کلام و مقاله شما شده است. دوم، با اینکه همه می‌دانند اما علی(ع) دو مرتبه اعزام به یمن داشته‌اند یکی سال هشتم و دیگری سال دهم چرا شما بحث سال هشتم را مسکوت گذاشته و تنها به سال دهم اکتفا کرده‌اید و حال آنکه برخی از احادیث مورد بحث در اینجا مربوط به سال هشتم هجری است و چرای بین دو جریان خلط کرده‌اید؟ آیا این مطلب از نظر شما مخفی مانده است؟ بنابراین دو جریان حجة‌الوداع و شکوائیه غیرقابل انکار است اما آیا با یکدیگر هم در ارتباط می‌باشند؟ این ابهامی است که در کلام شما مشهود است؟

۳ـ فراز سوم: بر فرض صحت مندرجات مقاله شما و بدون توجه به ابزار حدیث‌شناسی و وقایع‌نگاری که خود جای بحث دارد نوشته‌اید: به خاطر تقسیم غنایم، از علی(ع) نزد پیامبر(ع) شکایت کردند. پیامبر(ص) حجاج را در محلی به نام غدیر خم که منطقه‌ای بین مکه و مدینه است گردهم آوردند. به نقل راویان، پیامبر(ص) دست علی(ع) را بلند نمود و این عبارت را فرمودند: ۱ـ ای مردم از علی شکایت نکنید چرا که او درباره خدا (یا فرمود در راه خدا) سخت‌تر از آن است که کسی بتواند از او شاکی باشد (یعنی کار او درست بوده و او کاری انجام نمی‌دهد که شکایت‌برانگیز باشد). ۲ـ ای بریده آیا از علی متنفر هستی؟ عرض کردم، بله فرمود: علی را به خاطر آنچه می‌گویی مبغوض مدار، زیرا بیشتر از آنچه به خود اختصاص داده از غنایم به او تعلق می‌گیرد. ۳ـ لاتقل فی علی فانه منی و انا منه" از علی بدگویی نکن زیرا او از من و من از او هستم. ۴ـ "من کنت ولیه فعلی ولیه" کسی که من را دوست خود می‌پندارد علی را نیز باید دوست خود بداند. ۵ـ ای بریده: مگر برای مسلمانان از خودشان سزاوارتر نیستم؟ گفتم: چرا ای رسول خدا. گفت: "من کنت مولاه فعلی مولاه"، هر که مرا دوست می‌پندارد باید علی را هم دوست بداند. ۶ـ براء بن عازب: دست علی را گرفت و فرمود: "آیا من بر مؤمنان از خودشان سزاوارتر نیستم؟ گفتند: چرا، فرمود: مگر من برای هر مسلمانی از خود او بهتر نیستم؟ گفتند: چرا. سپس گفت: "من کنت مولاه" پس این (علی) دوست و محبوب همه کسانی است که مرا دوست خود می‌دانند! اللهم وال من والاه و عاد من عاداه" خداوندا با کسانی که با او موالات و دوستی برقرار می‌کنند دوست باش و یا با کسانی که با او به دشمنی می‌پردازند دشمنی کن. ۷ـ این ثابت هم همین را دارد. ۸ـ زید بن ارقم. ۹ـ عایشه دختر سعد "هذا ولی و المؤدی عنی و إن الله موالی من والاه و معادی من عاداه". ۱۰ـ اما ذهبی... ۱۱ـ براء بن عازب... الست اولی بکم (ثلاثا) "...من کنت مولاه، فعلی مولاه اللهم موالی من ووالاه و عاد من عاداه" مخاطب "من احبه و ابغض من ابغضه و انصر من نصر اخذل من خذله" آیا من بهتر و سزاوارتر از شما برای خودتان نیستم؟... هر کسی من مولای او هستم علی نیز مولای اوست. پروردگارا یار و یاور کسانی باش که یار و یاور علی هستند و با کسانی که با علی دشمنی می‌ورزند دشمنی کن و کسانی که علی را دوست می‌دارند دوست بدار و کسانی را که از یاری وی دست برمی‌دارند رها کن و علی هر کجا باشد حق را همراه او کن" جناب ملا مصطفی در اینجا دو دسته روایت نقل کرده‌اید در برخی از آنها پیامبر... (ص) راوی را خطاب داده و فرموده: مثلاً ای بریده... و در برخی از روایات، همه مردم مورد خطاب‌اند. تقسیم‌بندی روایات کمک بزرگی در فهم آنها می‌کند و عدم تقسیم‌بندی صحیح در اینجا خود باعث ایجاد شبهه در کلام شما شده است مضافاً لازم است به خاطر تنویر افکار عمومی ونیز دفاع از عقیده خود و دفع شبهات وارده به نوشتارتان به سؤالات زیر مستدل پاسخ دهید و امید که بتوان این پرونده مفتوح را در مقالات بعد شما تکمیل نماییم. ۱ـ قضیه‌ای بین علی(ع) و چند نفر از لشکریان پیش آمده و علی(ع) تقسیم غنایم را به گونه‌ای انجام داده‌اند که برخی ناراحت شده‌اند. آیا تا آن روز کسی کینه و بغض علی(ع) را در دل نداشت؟! و چرا پیامبر(ص) قبلاً متذکر نشدند؟ آیا شایسته است که یک ماجرای خاص و موردی را که می‌شد به طور خصوصی حل و فصل نمود. تعمیم داده و علنی کرد؟ اصولاً چرا در این گونه ادعاها پیامبر(ص) مطالبه شاهد و بینه نکردند؟ چرا از علی(ع) به عنوان طرف دعوا، بینه و... نخواستند؟ حداقل برای تاریخ چیزی نقل نکرده‌اند. عرف عقلا در این گونه موارد چه می‌کند آیا آبروریزی می‌کند یا به طور محرمانه مشکل را حل می‌کند؟ حداقل جمعیتی که با پیامبر(ص) از سفر حج برمی‌گردند نود هزار نفر است. به نظر شما آیا عقلایی است که پیامبر(ص) این جمعیت انبوه را در هوای گرم معطل کند و صرفاً و درباره دامادش و دوستی آن سخن بگوید و بعداً مردم راهشان را بگیرند و بروند و هیچ تحلیلی هم نداشته باشند؟ اگر شما بودید درباره حکیم‌ترین، عاقل‌ترین فرد روی زمین که عملی نو و تازه و غیرمنتظره انجام داده چه قضاوتی می‌کردی؟! ای کاش شما امانت‌داری می‌کردید و حدیث زید بن ارقم را به طور کامل بیان می‌کردید چون حاکم در مناقب

علی در کتاب مستدرک نقل می‌کند که زید بن ارقم از پیامبر(ص) نقل می‌کند که حضرت راجع به قرآن و عترت هم سخن فرموده‌اند. مثل همین را نسایی از زید بن ارقم نقل کرده است روی چه اصلی پیامبر(ص) پیش از دفاع از علی(ع) از حضار گواهی گرفت که مگر من اولی به شما از خودتان نیستم؟ طبق نقل نسایی و حاکم، بر چه اساس عترت را همردیف و هموزن کتاب خدا قرار دادند؟ به هر حال این سؤالات بر مقاله شما احاطه کرده و چاره‌ای جز روشنگری ندارید. خصوصاً شکایت چند نفر با این همه تعریف و ستایش بی‌سابقه که مورد تعجب همگان حتی خود شما شده است ناسازگار است به نظر می‌رسد پشت این ماجرا، نکته‌ای نهفته است که مردم عصر پیامبر(ص) آن را درک کردند اما برخی امروز از اعتراف به آن واهمه دارند. به گفته بریده: بعد از این فرموده حضرت رسول(ص) آن چنان قانع شدند که هیچ احدی پیش من محبوب‌تر از علی(ع) نبود.

۳ـ الفاظ روایات چنین است: "اولی بکم ـ فانه منی، هذا مولی، ادورالحق..." گذشت که در احادیث آمده بود که پیامبر(ص) مشافهه به شاکیان گوشزد کرده بودند که راجع به علی مهر و محبت بورزند به نظر می‌رسد که دیگر نیازی به اجتماع عمومی ندارد اما چرا کسی که قرآن در وصفش می‌گوید "و ما ینطق عن الهوی" (از روی هوا و هوس سخن نمی‌گوید) مجدداً مردم را گرد هم آورده و بنه ایراد سخن می‌پردازد. و اما الفاظ پیامبر(ص) و نوع ترکیب و چنین آن خود بحث دیگری است که بدان باید تأمل و توجه وافر نمود. جناب ملا مصطفی شما با عنایت به شکایت لشکریان و بغض ایشان، سخن پیامبر(ص) را حمل بر حب و دوستی نمودید سؤال ما این است که خوب قرینه دیگری هم در بین هست و آن اینکه علی(ع) فرمانده است و چون فرمان حکومتی در دست دارد لذا باید جایگاه و منزلت حضرت علی(ع) هم‌شأن جایگاه پیامبر(ص) در نظر گرفت لذا نظارت جانشینی بیش از نظارت دوستی است مضافاً اینکه لفظ حب و بغض مستقلاً در حدیث غدیر آمده است و نیازی به تکرار (طبق بیان شما) ندارد. وانگهی بحث غنایم یک بحث صرفاً حکومتی است اینجا را دیگر نمی‌توان انکار کرد و شکایت درباره آن شده، وقتی مردم درباره نوع تقسیم شکایت دارند آیا جای عدالت‌خواهی است یا جای مهرورزی و اسکات؟ علی(ع) در جایگاهی است که باید جواب بدهد چرا چنین کرده است که پیامبر(ص) فرمودند: "من کنت مولاه فهذا علی مولاه". (هر کسی من مولای او باشم علی هم مولای اوست). این کلام به نظر شما چه بار معنایی دارد؟ آیا تنها قرینه همان است که شما بیان کرده‌اید؟! مشکلی دیگر در تحلیل شما به چشم می‌خورد به اینکه صدر و ذیل کلام پیامبر(ص) دچار تهافت می‌شود. زیرا در عین اینکه مقام "اولی بکم" یعنی رسالت را برای پیامبر ثابت می‌دانند و در عین حال فرود آمده و بحث خویشی و قومی و عاطفی را از "فانه منی" اثبات کرده‌اید به هر حال اگر حضرت علی(ع) از پیغمبر(ص) است پس پیغمبر هم مقامی دارد او هم برخوردار است از جمله خلافت مسلمین. ۳ـ "ادر الحق فیما دار": به دلالت مطابقی حق با شما است که خدایا حق را به دور علی(ع) بچرخان. یعنی هر جا علی است حق را با او همراه کن اما این‌گونه عبارات آیا دلالت التزامی نمی‌تواند داشته باشد؟ چگونه عمر بن خطاب (گرچه شما آن را به نقلی تضعیف کرده‌اید) پس از شنیدن این عبارات به علی(ع) تبریک گفت اما امروزه چنین دلالتی ندارد؟ مهم در واقعه غدیر شناخت نکات موجود در آن است ولا قصه‌خوانی دردی را دوا نمی‌کند و آن حق است که به دور علی است تا آنکه علی به دور آن باشد یعنی چه پیامی دارد که پیامبر(ص) در قالب دعا در پی پایه‌ریزی آنند؟ خیلی خوش‌وقت خواهم شد به عنوان یک محصل، ذوق فقهی شما را بدانم که شما با این گونه عبارت سنگین صرفاً برای جلب دوستی و مودت به کار می‌رود؟ اگر در آینده نه چندان دور از سال دهم، علی(ع) ادعایی برخلاف نظر و مبانی خلفاء ثلاثه بیان کردند، شما چه قضاوتی می‌کنید؟ آیا نباید در دفاع از علی(ع) این عبارت سنگین و پرمغز پیامبر(ص) را به میان گذاشت که "ادر الحق فیما دار". نظر شما و همچنین ذوق فقهی شما درباره جمله مطلق پیامبر(ص) با شناختی که قرآن درباره حضرتش دارد چیست؟ که پیامبر(ص) در آخرین سال عمر شریفشان از خداوند مطالبه‌ای دارند که سرنوشت‌ساز است. ۴ـ اولی بکم: به نقل از زید بن ارقم و براء بن عازب، واژه "اولویت پیامبر" تا سه مرتبه از لسان مبارک پیامبر(ص) صادر شده و جنبه اقرارگیری بوده است و مردم پاسخ داده‌اند که آری شما اولی و سزاوار هستید. معلوم کنید که آیا شایستگی پیامبر(ص) بر مردم، شایستگی اخلاقی است یا جایگاهی؟ آیا مردم درباره محبت پیامبر(ص) شک داشتند که خواستند دوباره اقرار بگیرند و این بار علی(ع) را هم بدان اضافه کنند؟ آیا مردم درباره رابطه سببی و نسبی علی(ع) و پامبر(ص) بی‌اطلاع بودند. آیا مردم درباره توجه خاص پیامبر(ص) به علی(ع) نمونه و شاهد نداشتند پس بحث راجع به چه موضوعی بوده که پیامبر(ص) جمعیت بالغ بر نود هزار نفر را متوقف کرده و سؤال کرده آیا من اولی نیستم و هیچ کس هم نبوده که سؤال کند: پیامبر نظر شما و منظور شما از اولویت چیست؟ نمی‌توان به سادگی از کنار این الفاظ گذشت اصولاً سرنخ‌هایی که واقعه غدیر را روشن می‌کند همین الفاظ است و در مقاله شما به این امور پرداخته نشده است که موجب ابهام آن شده است. این قسمت مهم را به وقت دیگری باید موکول نمود و در مقالات بعدی خواهیم داد. فراز چهارم: لغت‌شناسی

ایشان نوشته است: "باید در نظر داشت که کلمه مولا به معنی امام، پیشوا، خلیفه، جانشین نه در لغت و نه در اصطلاح شرع نیامده است و باید آن را در عبارت به معنی یاور و دوست گرفت..." مشترک لفظی بودن واژه "ولی" غیرقابل انکار است و موارد کاربرد آن، معادل نصیر (یاور) صدیق، محب (دوست) شهر (داماد)، تابع(پیرو) خلیف (هم‌قسم) جار(همسایه)... در کتب لغت فراوان است. اما اینکه ادعا کرده‌اید که به معنای امام و خلیفه نیست به چه دلیل؟ شما از این عبارت ابن فارس در لغت چه استنباطی دارید "کل من ولی امر آخره فهو ولیه" هر کس سرپرست کار دیگری است پس او سرپرست اوست و همچنین در کتاب العین آمده است: "کل من ولی من قوم امراً فهو راعیهم و القوم رعیته"، واژه راعی و رعیت به چه معنا است آیا غیر از رهبری و اداره جامعه و حکومت است؟ جالب است که بدانیم ابو هلال عسکری صاحب الفروق اللغویه بحث ولایت، ولایت را طرح کرده و گفته است: "الولایه بالکسر فی الإماره والولاء والمعتق والولاه من والی القوم و منه الحدیث، من کنت مولاه فعلی مولاه...

قال الشافعی(رض) یعنی ذلک ولاءالاسلام کقول تعالی: ذالک بان الله مولی الذین آمنوا و أن الکافرین لامولی لهم و قول عمر لعلی: اصبحت مولی کل مؤمن ای ولی کل مؤمن، قیل: سبب ذلک أن اسامه قال لعلی: لست مولای، انما مولای رسول‌الله(ص) فقال: من کنت مولاه فعلی مولاه" گمان نمی‌کنم که نیازی به ترجمه داشته باشد عبارات چنان گویا است که هر خواننده‌ای را قانع می‌کند. این قسمت درباره ادعای ایشان که نفی معانی امامت و... کرده بودید، و اما چرا احادیث حجة‌الوداع را نمی‌توان شاهدی بر ولایت گرفت و ایشان همه را حمل بر حب و دوستی کرده‌اند؟ قرینه جناب ملا مصطفی، نزاعی است بین لشکر و علی(ع) است آیا این مقدار کافی است؟ به عنوان یک محصل می‌خواهم بدانم که آیا واژه "ولی" و "مولی" به معنای متصرف نیامده است؟ اگر آری خوب چرا با توجه به نفش علی(ع) در غنایم، که واقعاً هم مبتلی‌به بوده، مولی را به معنای متصرف نگرفته‌اید؟ انحصار در حب و دوستی به چه انگیزه‌ای است؟ قرینه دیگری که در اینجاست فرماندهی علی(ع) است. آیا این قرینه نمی‌تواند در تثبیت واژه "مولی" در "جانشینی" مساعدت کند. چگونه که در باب صغیر، جد و پدر به منزله ولی است یعنی جانشین و نائب و همه‌کاره، اما در اینجا فقط و فقط حب و دوستی است؟ اگر برای شناخت معانی ابراز عرفی ملاک است خوب عرف زمان صدور این الفاظ، بحث ولایت و جانشینی را فهمید و امروز هم اگر خود سانسوری نکنیم این معانی را میتوانیم درک و هضم کنیم. لذا بنابر آنچه در کتب لغت آمده نه تنها معاضد شما نشد که ضد گفته‌هایتان آمد. دوم اینکه قرینه‌شناسی مربوط به کیست آیا عرف عقلا برای درک قرینه‌ها کافی نیست و حتماً باید دستوری باشد؟

در خاتمه ضمن احترام برای همه متفکران اسلامی همان‌گونه که رسالت بلند عالمان دین تنویر افکار عمومی و تبلیغ دین مبین اسلام است اما جای یک گله و انتقاد هست به اینکه درباره پاره‌ای موارد از ابراز حق و یا کشف آن واهمه‌ای در بخشی از پیکره مسلمین مشاهده می‌شود و همین مسأله است که موجب ابهام در امثال این مقالات می‌شود لذا خیلی مایلم که جناب ملا مصطفی در پاسخ به راقم سطور (غدیر نداوم بحث) این منت را گذارده و با استناد به منابع معتبر خویش و بدون هیچ گونه سانسور واقعه غدیر را ارسال تا روشنی دلمان گردد. زیرا علی‌رغم تلاش همه مورخان همانگونه که ذکر کردم، خطاهایی در نقل ایشان مشهود است که اعتماد را از خواننده، سلب می‌کند زیرا مورخین به جای نقل واقعه، خود به تحلیل آن پرداخته که این کار بر نسل‌های بعدی تأثیرات خود را گذاشته است به نظر می‌رسد که مجال بحث و بررسی و گفتگو همچنان باز است و تشنگان معرفت همچنان قدح در دست است و منتظر.

کلنگ در گذر تاریخ

کرمانج اصلانی

تاریخ نشان داده است که نوع بشر همواره در جهت پیشرفت گام برداشته و این امر وجه تمایز بین موجود دوپا به نام آدم و سایر مخلوقات علی‌الخصوص چهارپایان شده است، چرا که این موجود دوپا قادر به تفکر بوده و همواره سعی کرده شرایط زیست مناسب را برای خود و همنوعان خود فراهم کند و شاید این یکی از دلایل اشرف مخلوقات بودن انسان باشد. در این بین یکی دیگر از دلایل اشرف مخلوقات بودن نوع بشر اختراع کلنگ می‌باشد. بله، کلنگ واژه‌ای که تداعی‌کننده عمران و امید به آینده و زندگی بهتر است. به روایت دیرینه‌شناسان معتبر جهان شواهد و قرائن حاکی از اختراع و استفاده از کلنگ در هزاران سال پیش است. و طی بررسی‌های صورت گرفته توسط همین اشخاص معتبر بر روی یک نقره جمجمه که متعلق به فرد بخت‌برگشته‌ای به نام "کواریمناش" بوده و دقیقاً بیست و یک هزار سال و دویست و شصت و سه روز و چهار ساعت و چهارده ثانیه پیش از این می‌زیسته و بر اساس آزمایش‌های صورت‌گرفته توسط پزشکی قانونی این شخص معتاد بوده و حتی چند عدد قرص "اکس" نیز همراه جسد نامبرده کشف و معدوم شده و شایان ذکر است که این موضوع توسط دایره محترم مبارزه با مواد مخدر تحت پیگرد بررسی است و نتیجه تحقیقات نیز در اسرع وقت به اطلاع افکار عمومی خواهد رسید "انشاءالله". برمی‌گردیم به موضوع اصلی و مهم‌تر خودمان، بله در ادامه تحقیقات دیرینه‌شناسان آشکار شد نامبرده همسری به نام "ژیمونوس" خانم داشته که از اعتیاد همسرش بسیار سرخورده و افسرده شده بود و برای رهایی از این بلای خانمانسوز تصمیم به قتل همسر دلبندش می‌گیرد که البته بهتر بود ژیمونوس خانم به این قضیه با دیدی بازتر برخورد می‌نمود و همسرش را به چشم بیمار می‌نگریست نه مجرم. به هر حال این خانم مبتکر جهت اجرای نقشه خود مبادرت به اختراع بزرگی می‌ورزد و یک آلت قتاله اولیه به این شکل را می‌سازد... که در نوع خود بی‌نظیر می‌باشد. بله ژیمونوس خانم برای اجرای نقشه خود طی یک غافلگیری فرق سر همسر معتادش را می‌شکافد و بدین ترتیب او را از قید یک زندگی ننگین می‌رهاند و بر همین اساس نام این آلت با ارزش را "کوکش" می‌نهد. (کو مخفف کواریمناش، کش ریشه مصدر کشتن).

این وسیله در بدو اختراع چنان پیشرفته و بر اساس تکنولوژی فراتر از زمان خود بود که در طول تاریخ تغییر چندانی در آن داده نشد و در عین حال هر روز بر موارد استفاده از این اختراع افزوده شد، بله اختراع این بانوی مبتکر در طول هزاران سال، سیر تکامل و پیشرفت نوع بشر را تسریع بخشید تا اینکه در دهه‌های اخیر بهترین مورد استفاده این آلت قتاله اولیه کشف شد.

افتتاح طرح‌های عمرانی آخرین و مهم‌ترین مورد استفاده "کوکش" همان افتتاح عملیات اجرایی طرح‌های عمرانی می‌باشد که هم اجر دنیوی دارد و هم اجر اخروی. (روحت قرین رحمت ژیمونوس خانم).

اختراع این بانوی نابغه که به بیان دیرینه‌شناسان ایرانی‌الاصل نیز می‌بوده و هخامنشی هم بوده!!! تحول عمیقی در سطح زندگی نوع بشر ایجاد کرد و با نواخته شدن سمفونیک هر "کوکش" برای آغاز اجرای طرح‌های مختلف، امید به زندگی را در کشورهای مختلف روز به روز بالاتر برد تا جایی که امید به زندگی در کشور عزیزتر از جانمان ایران را از زیر ۲۰ سال به بالای ۱۲۰ سال و چه بسا بیشتر از اینها رسانید، چرا که کوکش‌زنی طرح‌های مختلف نوید ایجاد هزاران شغل جدید و رفاه بیشتر را می‌داد، اما دیری نپایید که تمام طرح‌های کوکش‌زنی شده لنگ!! ماندند و به یکباره امید به زندگی در کشور به زیر ۱۵ سال رسید و کارشناسان امر پی به برخی اشکالات کوکش بردند و بر همین اساس نام این آلت قتاله اولیه به کلنگ تغییر یافت. ("ک" مخفف کواریمناش به احترام مخترع و یادبود همسر محترمشان و لنگ نشان‌دهنده طرح‌های لنگ و نیمه‌تمام.) با بروز این بحران مسئولین مبادرت به تشکیل ستاد بحران نموده و با بهره گرفتن از دانش کلنگ‌شناسان و خبرگان این تکنولوژی پیشرفته سعی در رفع بحران نمودند و پس از یک جلسه پنج دقیقه‌ای فشرده و تناول مقادیر معتنابهی میوه و تنقلات این نتایج حاصل شد:

۱ـ تقسیم کلنگ به دو نوع عملیاتی و تشریفاتی.

۲ـ اختصاص هر یک از این دو نوع کلنگ به مناطق خاص جغرافیایی کشور جهت بهره‌وری بیشتر.

۳ـ پخش تیزرهای تبلیغاتی از طرح‌های کلنگ‌زنی شده جهت تنویر افکار عمومی ملت فهیم و قدرشناس ایران عزیز.

۴ـ ابداع فیگورهای جدید کلنگ‌زنی توسط مسئولین محترم.

بر اساس بند ۱ و ۲ نتایج حاصله در ستاد بحران دولتمردان کشورمان موظف به کلنگ‌زنی‌های عملیاتی و بی‌سروصدا در مناطق نورچشمی همچون ایلام و سنندج و زاهدان و... شدند، که هر یک از شهرهای نامبرده در مناطق خاص جغرافیایی قرار دارند و در نتیجه هر کدام کلنگ خاص خود را خواهد داشت و بر اساس بندهای ۳ و ۴ نتایج حاصل در ستاد بحران، دولتمردان عزیزمان پس از گذراندن دوره‌های فوق پیشرفته آموزش کلنگ‌زنی و اخذ مدرک دکترا در این رشته بسیار مهم مبادرت به کلنگ‌زنی‌های تشریفاتی روزانه در مناطق غیرنورچشمی ورزیدند و الحق‌والانصاف مسئولین بسیار محترم صدا و سیما نیز با پخش تصاویر کلنگ‌زنی‌های بسیار پیشرفته در این مناطق، تمام تلاش خود را در جهت نشان دادن توجه خاص دولت به مناطق غیرنورچشمی را به کار بستند. جهت تفهیم بهتر به شرح حال یک طرح که به عینه شاهد کلنگ‌زنی آن بودیم می‌پردازیم: پتروشیمی مهاباد طبق بند ۱ و ۲ از نوع تشریفاتی می‌باشد که به امید خدا، انشاءالله، اگر خدا بخواهد، اگر قسمت باشد و توفیق داشته باشیم در منطقه جغرافیایی غرب کشور اجرا خواهد شد، اگر هم اجرا شود طرح در حد یک ماکت از طرح اولیه خواهد بود!!!

طبق بند ۳ تصمیمات ستاد بحران ریاست محترم جمهور وقت جناب آقای سید محمد خاتمی پس از آموزش‌های فشرده و اخذ مدرک دکترای کلنگ‌زنی طرح را بر اساس آخرین متد کلنگ‌زنی کردند. بر اساس روایت شاهدان عینی استیل ایشان حین کلنگ‌زنی بی‌نظیر بوده: ۷۵ درجه قوز نموده، زاویه بین بازو و ساعد ۹۰ درجه تمام و مچ دست دارای انعطاف استادانه و در نهایت ضربه‌ای کاری تحت ۱۳sin، که گویا نزدیک بوده کوههای مجاور از هیبت ضربه بشکافند ولی به هر حال به خیر گذشته است (دست مریزاد دکتر).

در این بین بر اساس بند ۴ صدا و سیما نیز به وظیفه خود به خوبی عمل نموده و به طور گسترده زحمات دولتمردان کشور عزیزتر از جانمان را بازتاب دادند به گونه‌ای که تا مدت‌ها اینجانب تصور می‌کردم قرار است نیروگاه جوش هسته‌ای که مورد مناقشه ژاپن و فرانسه بود در این مکان احداث شود. در هر حال همه چیز به خوبی و خوشی گذشت، طرح افتتاح شد و تمام جوانان بیکار منطقه از بحران بیکاری موجود رهایی یافتند و اینک هزاران جوان بسیار محترم از شاغلین بسیار محترم‌تر این پروژه بسیار بسیار عظیم و جهانی هستند. در پایان در نهایت تشکر لازم می‌دانم به عرض برسانم: کلنگ از نان شب هم واجب‌تر است اما

"ما را به خیر تو امیدی نیست پس شر مرسان"

دوزبانگی و مسایل آن در ایران

بخش پایانی

سیدجلال‌الدین ابراهیمی

برای روشن‌تر شدن مسأله می‌توان وضعیتی را فرض کرد که زبان رسمی تحصیل در ایران زبان انگلیسی باشد، آیا میزان تحصیلات همین قدر خواهد بود که فعلاً هست؟ آیا تعداد باسوادها همین اندازه خواهد بود؟ مسلماً نه، زیرا تعداد زیادی از نوآموزان به خاطر مواجه شدن با یک زبان جدید عطای آن را به لقایش خواهند بخشید. ممکن است گفته شود چه بسیار کودکانی متعلق به خانواده‌های مهاجر بوده‌اند که تحصیلات خود را در کشوری دیگر به زبانی غیر از زبان مادری خود انجام داده و موفق نیز بوده‌اند.

این مسأله دیگری است و قابل مقایسه با وضعیت آن بلوچ در کلاس درس فارسی نیست. فلان مهاجر ایرانی نه تنها مواد آموزشی را به زبان دیگر یاد می‌گیرد بلکه در محیط آن زبان نیز هست. او ریاضی را در مدرسه به انگلیسی می‌خواند اما وقتی می‌خواهد بلیط اتوبوس هم بخرد باید مقصود خود را به انگلیسی بیان کند و این با موقعیت بلوچی که تنها درسها را مجبور است به فارسی بخواند و بجز محیط کلاس درس هیچ موقعیت دیگری برای استفاده از زبان فارسی ندارد، تفاوت اساسی دارد.

در واقع تحمیل زبانی به معنای محدود خود در این موارد مصداق دارد. زیرا آن بلوچ که در تمام عرصه‌های زندگی خود به بلوچی حرف می‌زند در کلاس درس مجبور است به زبانی متفاوت حرف بزند. چنانچه زبان آموزگار نیز با زبان شاگرد و درس متفاوت باشد این مشکل دوچندان خواهد شد. بسیارند آموزگاران ترک‌زبانی که در مناطقی از کردستان به فارسی درس می‌دهند. مواد آموزشی به فارسی، شاگرد کرد، معلم ترک! پس از فروپاشی نظام گذشته و تدوین قانون اساسی دولت انقلاب در سال ۱۳۵۸ در اصل نوزدهم آمده است، مردم ایران از هر قوم و قبیله‌ای که باشند از حقوق برابر برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.

واقعیت این است که ایران کشوری است دارای اقلیتهای زبانی اگرچه بعضی از این زبانها از لحاظ تاریخی با فارسی کنونی همبستگی دارند اما با معیارهای زبان‌شناسی هر یک زبانی کامل‌اند. به عبارت دیگر نه تفهیم و تفهیم متقابل و نه هسته مشترک زنده‌ای بین آنها وجود دارد بنابراین چنانچه معتقد باشیم استفاده از زبان مادری همواره مناسبترین راه برای سوادآموزی است. لزوم استفاده از زبانهای فوق در تحصیلات رسمی روشن خواهد شد. علاوه بر این لزوم پیوند بین مهارتهای کتبی (خواندن و نوشتن) و مهارتهای شفاهی (گفتن و شنیدن) را نیز باید در نظر داشت.

اجتماعاتی که این دو قلمرو در آنها در مسیرهای کاملاً جداگانه و واگرا سیر می‌کنند از لحاظ رشد علمی و اجتماعی پیشرفت چندانی نخواهند کرد. مصیبت بزرگی خواهد بود اگر علوم و فنون را تنها بتوان خواند و نوشت اما نتوان درباره آنها حرف زد. البته باید توجه داشت که این مسأله با تعلق داشتن هر علم به جرگه خاص اهل اصطلاح آن فرق دارد. درست است که بین اصطلاحات هر علم با گفتار روزمره تفاوت هست. اما این تفاوت به معنای جدایی کامل نیست. بلکه پیوند عمیقی بین آنها وجود دارد. درس خواندن به فارسی و حرف زدن به ترکی اتلاف مقدار زیادی انرژی فردی و اجتماعی است. خوشبختانه اصل ۱۵ قانون اساسی کنونی حق استفاده از زبانهای محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس در کنار زبان فارسی را اعلام داشته است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که داشتن حق تحصیل به زبان مادری تأثیر مستقیمی بر رشد باسوادی و در نتیجه رشد اجتماعی و اقتصادی کشور خواهد داشت البته مسلماً در ابتدای کار مشکلات و مسائلی از قبیل تهیه کتابهای درسی و تدوین الفبای برای بعضی از آن زبانها خواهد داشت. اما تمام اینها حل شدنی است و این رکود موقعیت در مقایسه با بهره‌گیریهای آینده بسیار ناچیز خواهد بود نکته قابل توجه دیگری در این زمینه این است که تعداد قابل ملاحظه‌ای از بی‌سوادان کشور افراد بزرگسالی هستند که به لحاظ سن اصولاً از مرز یادگیری زبان گذشته‌اند و یاد دادن سواد به آنها از طریق زبانی غیر از زبان مادری گوییدن میخ بر سنگ است، زیرا سوادآموزی به این گروه جزء ازطریق زبان مادری امکان ندارد.

یکی دیگر از مهمترین مسایل کشورهای چندزبانه مسأله میان زبان (زبان میانجی) است همان طوریکه پیشتر اشاره شد گرچه استفاده از زبان مادری حق هر قوم یا ملت است اما صرف زیستن در قلمرو واحد ایجاب می‌کند که این اقوام با یکدیگر در ارتباط کامل باشند در چنین موقعیتی زبان فارسی برای به عهده گرفتن نقش زبان میانجی به چند دلیل حائز اهمیت است:

۱ـ زبان فارسی، زبان بیش از نیمی از جمعیت کشور است.

۲ـ حجم و غنای آثار ادبی به این زبان در شرایط کنونی بسیار بیشتر از سایر زبانهای رایج در ایران است.

۳ـ زبان رسمی و مشترک همه ایرانیان و در واقع محمل معرفی علوم و فنون جدید غرب بوده است. به دلایل فوق زبان فارسی در یک مسابقه آزاد با حفظ شرایط موجود خودبه‌خود زبانهای دیگر ایران را تحت‌الشعاع قرار خواهد داد. در خاتمه بد نیست به نظر آنهایی که معتقدند دادن حق استفاده از زبان مادری در تحصیلات رسمی و سایر شئون زندگی موجب تقویت تمایلات جدایی‌طلبانه خواهد شد اشاره شود، اینان در واقع سرنا را از سر گشادش می‌نوازند زیرا برعکس دقیقاً جلوگیری از این حق است که بر اثر آن، آن قوم خود را زیر تسلط قوم دیگر خواهد یافت و تمام تلاشش را برای رهایی از آن انجام خواهد داد.

خیرالامور...

ادامه

این در حالی است که حتی ذره‌ای از پیوندی را که اسلام برای کردها به ارمغان آورده با هیچ غیرمسلمانی، حتی کردهای غیرمسلمان، برقرار نکرده‌اند. نویسنده در ادامه به اظهارات برخی سازمانهای مذهبی، مبنی بر شرک و الحاد مدافعین حقوق قومی، اشاره کرده و آن را مردود می‌داند. در این رابطه با نویسنده موافق بوده و این طیف را از افراط برحذر می‌دارد و طبق آیه‌ای که عنوان کردند اسلام برای اقوام و قومیت ارزش قایل است و همانند قوم عرب که نویسنده بر آن تأکید دارد و اسلام نیز مشروعیت آن را تعیین می‌کند بایستی قوم‌گرایی زیرمجموعه اسلام بوده و به اسلام خدشه وارد نکند. در پایان با طرح چند سؤال نتیجه بحث را به خوانندگان گرامی سپرده و از مردم کرد و هم‌مذهب خود خواستارم بیشتر و بهتر به مسایل مربوط به خود بیاندیشند:

۱ـ آیا بعد از انقلاب با در پیش گرفتن محوریت اسلام توسط حکومت ظلم و ستم گذشته علیه کردها ـ هرچند به مقدار ناچیز ـ کم نشده است.

۲ـ آیا در صورت به تحقق رسیدن هدف جدایی از ایران، کردها (حداقل کردهای ایران) بیشتر متضرر نخواهند شد که این خود ستم دیگری علیه کردها است البته این بار به دست خود کردها.

۳ـ به جای اینکه کردها را با ایجاد جبهه‌های مختلف از جمله (مذهب‌گرایان و قوم‌گرایان) را به جان هم بیاندازیم آیا بهتر نیست با اعتماد به حکومت اسلامی ایران و بحث در محافل بین‌المللی و گرفتن رضایت سه کشور دیگری که کردها را در خود جای داده‌اند، کردها را به هم و به ایران پیوند بدهیم زیرا به قول قاضی محمد "هر کردی که خود را ایرانی نداند کرد نیست".

۴ـ آیا بهتر نیست به جای اظهارنظرهای افراطی، چه قومی و چه مذهبی، راه اعتدال را پیشه کنیم و آیا بهتر نیست ما آینده را برای آیندگانمان تیره‌تر نگردانیم، زیرا همانگونه که همه می‌دانیم نه افراطیون مذهبی و نه افراطیون قومی، نتوانسته‌اند طی سالهای گذشته، آینده روشنی را برای ما به ارمغان آورند.

الو...پیام!

۰۴۴۲ـ۲۲۳۷۴۴۴

خوانندگان فهیم، می‌توانند پیشنهادات و انتقادات خود را در مورد مسائل سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... به صورت پیام کوتاه تلفنی با شماره مذکور با ما در میان بگذارند.

مهاباد، یک شهروند: بر اساس گزارش ظاهراً عده‌ای سودجو به فکر استفاده از نام پتروشیمی مهاباد برای استخدام افراد بیکار آمده‌اند تا رأی جمع کنند. لطفاً مراقب باشید.

مهاباد، یک شهروند: برخورد عده‌ای از کارمندان ادارات سطح شهرستان با ارباب رجوع بسیار خصمانه و به دور از سجایای اخلاقی است. بنده به حرمت سایر کارمندان، از ذکر نام آن اداره خودداری می‌کنم. اما امیدوارم رؤسای محترم ادارات، کارمندان خود را توجیه نمایند.

دیواندره، یک شهروند: من از خوانندگان دائمی هفته‌نامه پیام کردستان هستم. گله‌ای دارم و آن این است که پیام بیشتر به مهاباد می‌پردازد. قبول کنید که کردستان، فقط مهاباد نیست. لطفاً به مشکلات سایر شهرها هم بپردازید.

سلماس، یک شهروند: به عنوان یک جوان از شمال کردستان انتظار دارم بیشتر از منطقه ما بنویسید.

دهگلان، حبیبی: از مسئولین تقاضا می‌شود که با ارباب رجوع برخورد مسئولانه داشته باشند.

خوی، صدیقی: ضمن تشکر از دست‌اندرکاران پیام لطفاً با لهجه کرمانجی هم مطالبی نوشته شود.

تهران، محمد اعظمی: ۱ـ در باره اخبار و حوادث کردهای سوریه و عراق و ترکیه بیشتر مطلب چاپ کنید. ۲ـ از عملکرد و تلاش نمایندگان مردم کرد در مجلس گزارش تهیه کنید. ۳ـ در مورد شخصیتهای برجسته ادبی، هنری و سیاسی کرد بنویسید و از آنان پوستر بزرگ چاپ کنید. ۴ـ اماکن مذهبی و تاریخی و گردشگری کردستان را معرفی نمایید. ۵ـ درباره شاعر بزرگ کرد استاد دکتر عبداله پشیو بنویسید.

سنندج، اشرف‌علی اکرمی: در مورد سد قشلاق سنندج دومین بار است که به مواد شیمیایی آغشته شده و هنوز معلوم نگردیده که این مواد چه هستند و چه بوده‌اند؟

مریوان، صباح یوسفی: ۱ـ ما شده‌ایم موش آزمایشگاهی، دکترها هیچ تجربه‌ای ندارند می‌آیند تجربه کسب می‌کنند و می‌روند. ۲ـ کوچه و خیابان‌های شهر در وضعیت بدی هستند و به آنها رسیدگی نمی‌شود.

سقز، یک شهروند: لطفاً در نشریه از زبان کردی اصیل و استاندارد استفاده کنید. مثلاً چه لزومی دارد به جای "داهاتوو" از "ئایندە" استفاده کنید؟

مهاباد، سلطانی: با تشکر و قدردانی از مسئولان و دست‌اندرکاران هفته‌نامه. از گزارشگر محترم مقاله "زیر پوست شهر" تقاضا می‌شود که آمار افراد بومی و غیربومی ادارات را نیز بگیرد. از ۷ شعبه دادگاه ارومیه با توجه به جمعیت کرد و ترک اصلاً کردی نیست. در سردشت هم از هر ۴ نفر ۲ نفر کرد و ۲ نفر ترک.

سنندج، یک شهروند: لطفاً مطالبات مردم کرد را به پخش اذان از سیما و تأسیس مسجد اهل سنت در تهران محدود نکنید.

میاندوآب، شوانه حسینی: در صورت امکان مطالب ورزشی داخل و خارج کشور را در نشریه درج نمائید.

مهاباد، جعفرزاده: فاجعه فوت چهار شهروند قم‌قلعه‌ای را به همه مردم مهاباد و حومه تسلیت می‌گویم. به راستی چه کسی پاسخگو خواهد بود؟ آیا جان آدمی اینقدر بی‌ارزش شده است که خیلی راحت از کنار آن بگذریم؟ من نگران آینده انسانهای دیگر هستم.

کردستان

فرم اشتراک هفته‌نامه پیام کردستان

رسید حساب جاری‌جام ۲۲۶۴۰۴۰۱ بانک ملت شعبه مرکزی شهرستان مهاباد به نام سلیمان منکوری را به همراه برسشنامه با پست سفارشی به نشانی مهاباد میدان استقلال، پاساژ شهید شهریکندی، طبقه دوم، دفتر هفته نامه پیام کردستان، کدپستی ۵۹۱۳۵/۵۳۹ ارسال و یا به شماره تلفن ۲۲۳۷۴۴۳ فاکس نمائید.

نام:

نام خانوادگی:

نشانی:

کدپستی: تلفن تماس:

مدت اشتراک	هزینه
۱۰ شماره	۲۵۰۰۰ ریال
۲۰ شماره	۵۰۰۰۰ ریال
۳۰ شماره	۷۵۰۰۰ ریال

کارگران متهم سقزی تبرئه شدند

سیروان نیوز: محمد شریف وکیل کارگران سقزی که به اجتماع و تبانی جهت ارتکاب جرم متهم و در مراسم روز جهانی کارگر سال ۸۳ دراین شهر بازداشت شده بودند، اعلام کرد که موکلانش از سوی دادگاه تجدید نظرتبرئه شدند.

اسامی کارگران متهم هادی تنومند، اسماعیل خودکام، محمود صالحی، جلال حسینی، محسن حکیمی، عبدی‌پور و برهان دیوارگر اعلام شد.

محمد شریف به ایلنا گفته:"هادی تنومند و اسماعیل خودکام در دادگاه بدوی تبرئه، ولی در همین دادگاه محمود صالحی به پنج سال حبس، جلال حسینی به سه سال حبس، محسن حکیمی، عبدی‌پور و برهان دیوارگر هر یک به دو سال حبس محکوم شده بودند که دادگاه تجدید نظر موکلانم را از اتهام راجع به تلاش برای برگزاری تجمع غیرقانونی و اغتشاش تبرئه کرد." اما شریف این را نیز گفته است:"طبق مذاکرات تلفنی که با موکلین خود داشتم، متوجه شدم گویا دادگاه بدوی در نظر دارد برای رسیدگی به این اتهام پرونده جدیدی را تشکیل دهد و با توجه به اینکه موکلین بنده قبل از ارتکاب جرم بازداشت شده بودند، به نظر می‌رسد اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرمی که خبر آن به فرمانداری و سایر مبادی ذیربط اعلام شده بود، منتفی است."

وی گفت:"با توجه به اینکه موکلینم قبل از هر گونه اقدام به طور غیرقانونی بازداشت شده بودند، ایراد اتهام اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم آنها اساساً منتفی است و دادگاه تجدید نظر ضمن توجه به این ایراد، توجه دادگاه بدوی را به این نارسایی معطوف کرده است که امیدوارم خبر تشکیل پرونده جدید در این رابطه از سوی دادگاه بدوی نیز صحیح نباشد."

هشدار معاون استاندار کرمانشاه

سیروان نیوز:"علی تعالی" معاون سیاسی و امنیتی استاندار کرمانشاه عملکرد رسانه‌ای ارگانهای دولت در کرمانشاه را به جهت ناتوانی در تبیین عملکرد نظام به باد انتقاد گرفته وهشدار داده است: به دلیل ضعف تبلیغات، اکنون بعضی جریانات فکری که در میان روحانیت و مردم اهل سنت این استان جایگاهی ندارند، در منطقه فعال شده و ذهن جوانان این مناطق را نسبت به عملکرد نظام جمهوری اسلامی خراب می‌کنند.

به گزارش ایرنا، به گفته وی، به علت ضعف دستگاه‌های ارشادی و تبلیغی، متأسفانه خدمات شایسته‌ای که نظام جمهوری برای مردم مناطق مرزی استان کرمانشاه انجام داده بصورت مطلوب به مردم بازگو نشده که این خود ضعف بزرگی به شمار می‌آید.

در شرایطی که دشمن در مرزهای جمهوری اسلامی ایران خیمه زده وجنگ روانی تمام عیاری را علیه ما سامان داده است، عملکرد دستگاه‌های تبلیغی استان خوب نیست.

وی افزود: در مرکز کشور هم استکبار اقدامات فرهنگی خاصی را شروع کرده و با تبلیغات گسترده جوانان ما را به سمت بی‌هویتی سوق می‌دهد و در مناطق مرزی به ویژه در استان کرمانشاه برنامه‌های ویژه‌ای را طراحی کرده است. تعالی همچنین گفت: اکنون ۱۰ شبکه ماهواره‌ای مربوط به گروهک‌های معاند در استان فعالیت می‌کنند و پوشش ماهواره‌ای کشور در این مناطق ضعیف است.

احمدی‌نژاد: نقد مسئولان وظیفه مطبوعات است

ایسنا: رئیس‌جمهور در حاشیه بازدید از نمایشگاه مطبوعات به خبرنگار ایسنا گفت:"یکی از وظایف مطبوعات نقد مسئولان است، اما به نظر می‌رسد آستانه تحمل مسئولان کشور پایین آمده است و مطبوعات مجبور به خودسانسوری می‌شوند."

وی با بیان این که من در مطبوعات نقد کمتر می‌بینم گفت:"در مطبوعات ما بیشتر خبرهای جنجالی و غیرموثق شنیده می‌شود. نقد کار سختی است و نیاز به کارهای تحقیقاتی، مطالعه و کسب خبر و پردازش درست دارد."

وی با بیان این که درحال حاضر(همه کارهای) دولت باز است و همه چیز در دسترس است و در یک سطح وسیع با بدنه اجتماعی ارتباط دارد گفت که اکنون فرصت خوبی است که یک ترین نقد عالمانه صورت گیرد." رئیس‌جمهور اظهار داشت:"نمی‌گویم که هیچ گونه نقدی وجود ندارد، اما نقدها در کار مطبوعات غلبه ندارد و اکنون وقت آن است که اهالی مطبوعات، اندیشمندان، نویسندگان به کار نقد بپردازند. البته مطبوعات کمی مشکل دارند و گرفتار کار تیراژ و هزینه‌ها هستند، اما اگر به سمت نقد بیایند مردم نیز بیشتر استقبال می‌کنند."

استاندار آذربایجان غربی:

مهاباد محروم نیست

اشاره: پنجشنبه ۸۵/۲/۲۱، رحیم قربانی استاندار آذربایجان غربی، به مهاباد آمده تا فرماندار جدید را معرفی کند. در حاشیه مراسم، خبرنگار ما گفتگوی کوتاهی با ایشان ترتیب داده که در اینجا ماحصل آن را می‌خوانید.

یکی از انتقادات همیشگی کردها در آذربایجان‌غربی وجود نوعی ساختار تبعیض‌آمیز است که موجب شده کردها به نسبت وزن و جمعیتشان در استان مؤثر نباشند. نظر شما در این مورد چیست؟

خدمت همه مردم استان بالاخص مردم عزیز مهاباد عرض سلام دارم، همانگونه که ملاحظه کردید ما اولین فرماندار اهل شهرستان مهاباد را بعد از انقلاب امروز معرفی کردیم، این جواب سؤال شما است.

همانگونه که بحث شد، این مشکل به صورت مشخص باعث عقب‌افتادگی بیشتر جنوب استان در مقام مقایسه با مرکز و شمال آن شده است. شاید بارزترین مثال در این مورد بخش کردنشین نقده باشد که در مقایسه با بخش ترک‌نشین واقعاً به یک روستا شباهت دارد. آیا رسیدگی اساسی به این موارد غیر از برنامه‌های اقتصادی به یک تغییر دیدگاه کلان سیاسی هم نیاز ندارد؟

جواب این سؤال در گزارش آقای صمدی فرماندار قبلی بیان شد، گزارشی که ایشان از مهاباد دادند نشان داد که ما این اندازه توسعه و عمران و آبادانی را در شهرهای مرکزی نداشته‌ایم. رویکرد دولت متوجه همه مناطق از جمله مناطقی می‌باشد که محروم هستند و در زمان جنگ تحمیلی نتوانسته‌اند به زمینه‌های لازم برای توسعه برسند. اکنون هم رویکرد ویژه دولت توجه به مناطق محروم‌تر و مناطقی است که در گذشته به اصطلاح امکان توجه شایسته به آنها وجود نداشت. ما اکنون نزدیک به یک‌هزار و صد میلیارد تومان در استان تسهیلات داریم. من به مسئولین امر گفته‌ام که اگر آن مقدار تسهیلاتی که برای این شهر در نظر گرفته شده را بتوانند جذب بکنند، این تسهیلات را به دوبرابر افزایش خواهیم داد، این تسهیلات در سال ۸۴ و در سه چهار ماه اول سال حدود بیست میلیارد تومان بود که کسب شغل و توسعه و عمران و آبادانی در گرو این مسأله است. این محدودیت اعتبارات جاری عمرانی در بودجه است و مشخص شده و شاخص دارد، که تقسیم می‌شود و به اصطلاح نمی‌شود با آن طرح‌های بزرگی را به اجرا درآورد، آن چیزی که به درد مردم می‌خورد و برای ارتقای مردم لازم است همین تسهیلاتی است که دولت نهم منابع دولتی بانکی را آزاد کرده است، از همه مردم عزیز مخصوصاً مناطق استان آذربایجان‌غربی و شهرهای محروم‌تر ـ که البته اینجا شهر خوبی است ـ خواهشمندم که بیایند و از این تسهیلات استفاده کنند. بیست میلیارد تومان برای سال قبل بوده و به اندازه دو برابر آن هم برای سال ۸۵ در نظر گرفته شده است، یعنی بیش از ۵۰ میلیارد تومان. من همین جا اعلام می‌کنم اگر شما این مقدار را در این شهرستان جذب کردید، این مبلغ را به دو برابر افزایش خواهم داد.

شما این بحث ما را در مورد شهرستان نقده قبول دارید؟

نه قبول ندارم، اصلاً بحث دیدگاه اینگونه نیست، دیدگاه کلان‌تر از این مسایل است. ما یک بحث کلی داریم و رویکرد ما و دولت این است که توجه ویژه به همه مناطق بشود و ظرفیت‌های همه مناطق به کار گرفته شده و به استعداد خود برسند.

استحضار دارید که بوکان به لحاظ جمعیت دومین شهرستان است، اما در واقع امکانات آن اصلاً متناسب با نیازهای آن نیست. آیا برنامه خاصی برای جبران عقب‌ماندگی‌ها و نیازهای این شهر وجود دارد؟

اصلاً یک توجه جدی هم به بوکان این بود که یک نفر از بچه‌های دلسوز و رزمنده، بسیجی، جانباز از اهل خود بوکان فرماندار آن شده و در دولت نهم این شروع بسیار خوبی است، همین بحثی که عرض کردم در مورد بوکان هم صادق است. اگر بوکان به ظرفیتی که برایش تعریف کردیم رسید و مبلغ مورد نظر را جذب کرد، باز من بودجه و تسهیلات آن را دو برابر افزایش خواهم داد. هم‌اکنون در بوکان یک کارخانه قند بی‌نظیری که در کل کشور وجود ندارد، دارد به تصویب می‌رسد. در مورد صنایع سنگین هم، صنعت سیمان با ده هزار تن دارد تصویب می‌شود و همچنین سد سیمینه هم شروع شده است، اینها بیانگر افق روشنی از آینده بسیار خوب شهرستان بوکان است.

برخی نگرانند که با روی کار آمدن دولت جدید فضای سیاسی و مطبوعاتی به سال‌های قبل از دوم خرداد برگردد. نظر شما به عنوان مقام عالی دولت در مورد فضای مطبوعاتی استان چیست؟

من در نشستی که با مطبوعاتی‌ها دارم میکروفون را در اختیار آنها گذاشته و وقتی تمام حرفهایشان را زدند و خسته شدند، میکروفون به من خواهد رسید. یعنی برعکس قضیه است، شما این را در نشست اول مطبوعاتی من شاهد بودید که تقریباً میکروفون به دست همه رسید، تا جایی که سؤال‌ها تکرار می‌شد و خودشان معترف به تکراری بودن آن بودند، بعد از این مرحله میکروفون به من رسید. این فضا در همه جا هست، منتها بنا نداریم که ما جنجال‌های سیاسی درست کنیم و هر کس هم نقدی نوشت اصلاً پاسخ ندادیم. شما در مطبوعات استان می‌بینید که [...] نوشتند، نه برای آنها [...] قایل شدیم، نه اصلاً جواب دادیم و فرصت جواب دادن به این بحث‌ها را هم نداریم. مطالعه می‌کنیم و استفاده می‌کنیم، ولی اصلاً فرصت تقابل و این حرف‌ها را نداریم. دولت هم همین‌طور است، چند نشریه بر علیه آن می‌نویسند و تاکنون هم به هیچ کدام پاسخ نداده و دارد کار خودش را انجام می‌دهد و آن‌ها هر روز در یکی از شهرهای عقب‌افتاده و یا کوی و برزن، داخل مردم هستند و با مردم کار و زندگی می‌کنند.

وضعیت امنیتی استان را چگونه می‌بینید. در هفته‌های گذشته وزیر کشور، فرمانده کل سپاه با مقاصد امنیتی به استان آمدند. شما به عنوان نماینده عالی دولت، به مقوله "امنیت" چگونه نگاه می‌کنید؟ و سطح امنیت استان را چگونه می‌بینید؟

امنیت، لازمه توسعه و یکی از شاخص‌های عمده آن است. اگر به اصطلاح عناصری بخواهند این امنیت را به هم بزنند، دولت مقتدرانه در مقابل آنها عمل خواهد کرد. در این رابطه مردم بهترین شاخص هستند و خودشان می‌خواهند امنیتشان را برقرار کنند. مردم از ما می‌خواهند که به این مقوله توجه اساسی داشته باشیم. حضور وزیر کشور یک حضور همه‌جانبه بود، هم بررسی مسایل و خوب هم جلسه روتین و تعریف‌شده شورای تأمین غرب کشور بود و نشست صمیمی هم در مهاباد داشت و در ضمن از مرز گمرک و ترمچین بازدید کردند و مشکلاتی که در آن جا برای تجارت با کشورهای همجوار و مخصوصاً کشور عزیز و برادرمان عراق داشتیم، بررسی کردند و مشکلات برطرف شد.

پس استان در راستای توسعه از نظر امنیتی مشکلی ندارد؟

من عرض می‌کنم اکنون حجم و موج سرمایه‌گذاری که در آذربایجان‌غربی وجود دارد چیز بی‌نظیری است و حضور دولت هم بی‌نظیر است. دولت بنا ندارد که خود در مناطق سرمایه‌گذاری کند، بلکه بسترها را آماده می‌کند و سرمایه‌گذاران می‌آیند فعالیت می‌کنند اما ما این جا فراتر عمل کرده و از دولت خواهش کردیم که حضور خود را در منطقه نشان دهد تا مردم هم رغبت بیشتری داشته باشند. سازمان گسترش نوسازی صنایع ایران برای چندمین پلنت است که مشارکت خودش را شروع کرده و همچنین بانک‌ها نیز به من قول دادند، حداقل یکی از آنها به من قول داده که خود در جهت اجرای چند طرح بزرگ اقتصادی گام بردارد، این یک دلگرمی بسیار بزرگی برای مردم و سرمایه‌گذاران است که هم در داخل و هم از خارج کشور کسانی بیایند و جرأت پیدا کنند و در این راستا فعال باشند. اکنون سرمایه‌گذاری دولت و مردم در منطقه به شدت افزایش پیدا کرده است.

معادن بارید و گرانیت که ظاهراً از این جا استخراج می‌شود و به اصفهان می‌رود، از آن جا دوباره به اسم اصفهان صادر می‌شود، دلیل این امر چیست؟

خیلی از کالاها از اصفهان می‌آید و از حاج عمران صادر می‌شود، ما هر جا برای صدور کالا سهولت ایجاد کنیم کالا صادر خواهد شد. مثلاً در مرز حاج عمران بعضاً می‌بینید که در شبانه‌روز ۶۵۰ کامیون داریم. این تعداد متعلق به خود استان نیست، احتمالاً ۳۰٪ آن مال استان باشد و بقیه‌اش از یزد و اصفهان و دیگر جاها می‌آیند. این جا یک خط ترانزیت‌شده است و دلیلش مزیت‌هایی است که در اینجا وجود دارد، ما باید رقابت داشته باشیم، هم‌اکنون میانگین ترخیص کالا در بازرگان به اندازه نصف ترکیه است، کشور ترکیه که کشوری است که به اصطلاح دارد به اتحادیه اروپا می‌پیوندد، حالا میزان توقف ما نصف میزان توقف در طرف ترکیه است، همان طور باید در حاج عمران این امکانات را تهیه کنیم. این بی‌نظیر است که از یک بازارچه روزی ۲۰۰ یا ۴۰۰ کامیون از کل کشور بیاید آن جا و خارج شود و ما از این استقبال می‌کنیم و دعوت می‌کنیم که همه بیایند و از مرز حاج عمران خارج شوند.

ما نیز مردمی هستیم!

عثمان عباسی

یکی از برنامه‌های کاری مهم و مورد تأکید دولت نهم سفر رئیس جمهور و هیأت دولت به استان‌های مختلف کشور(با رعایت اولویت استان‌های محروم) است. هدف از این سفرها آشنایی با کمبودها و مشکلات استان‌ها از نزدیک اعلام شده است. در حالی‌که یکی از ارکان نظریه سیستم‌ها این است که برای اطمینان از کارکرد صحیح سیستم و شناخت نقایص آن باید کانال‌های ارتباطی مناسبی وجود داشته باشند که از فرایند انجام کار و نتایج بازخورد(feedback) مناسبی دریافت کنند و آن‌ها را همراه با تجزیه و تحلیل در اختیار سطوح بالای تصمیم‌گیری قرار دهند. اما متأسفانه در ساختار سیستم بوروکراسی دولتی ایران به هر علتی میزان این بازخورد، مناسب نیست.

سفر مسئولان به شهرستانها می‌تواند بیش از هر چیز برای مردم ـ به خصوص نقاط محروم ـ حداقل این امید را در بر داشته‌باشد که مسئولان به فکر حل مشکلاتشان هستند.(در اینجا ابعاد پوپولیستی اینگونه حرکت ما مدنظر نیست) آنچه در این سطور بیان خواهد شد نقدی است بر نگاتی که استاندار محترم آذربایجان غربی جناب دکتر رحیم قربانی در جریان سفر خود در فروردین‌ماه سال جاری در میان مردم شهرستان سردشت در قالب یک سخنرانی بیان نمودند.

آقای استاندار سخنان خود را با بحث انرژی هسته‌ای و اهمیّت آن و افتخار به موفقیت‌هایی که در این زمینه بدست آمده برای حاضران و شهروندان سردشتی آغاز نمود. در این‌جا باید پرسید کسانی‌که بعد از گذشت این همه سال از انقلاب هنوز برای دریافت انرژی سوختی مورد نیاز خود اعم از نفت و اخیراً گاز در این شهر کوهستانی و صعب‌العبور با سختی‌ها و مشکلات فراوانی از جمله صفهای طولانی و جنگ و جدال‌های روزمره با توزیع‌کنندگان این فرآورده‌ها روبه‌رو هستند.(در کشوری که روی سفره‌های زیرزمینی نفت خوابیده و شعار دولت نهم آوردن آن روی سفره مردم است!) ومردمی که باید قطع شدن‌های طولانی گاز در فصل سرما ـ که چنین روبه ای در مناطق دیگر کشور کمتر دیده می‌شود ـ همچنین صفهای طولانی و کیلومتری سوخت‌گیری ماشین‌های بنزینی را جزو آداب و رسوم توسعه، طی کردن دوران گذار و رعایت عدالت اقتصادی بدانند،با چه امیدی بحث انرژی هسته‌ای را پی‌گیری می‌نمایند؟

آقای قربانی در ادامه نکات قابل تأمل مختلفی بیان کردند که مجال شرح و تفصیل همه‌ی آنها در این جا نیست و فقط به مواردی اشاره خواهد شد ازجمله: ۱- اختصاص دادن حدود بیست میلیارد تومان به شهرستان سردشت با توجه به اینکه نقاط دیگر کشور که توسعه یافته هستند بیشتر به خاطر این است که دولت در این مناطق سرمایه‌گذاری کلانی کرده است امّا در شهرهای مثل سردشت متأسفانه دولت خود سرمایه‌گذاری چندان اساسی نکرده است. لذا بخش خصوصی هم به دلیل داشتن شرایط خاص و دلایل مختلف کمتر یا اصلاً اعتماد و اطمینان و امنیت خاطر لازم جهت سرمایه گذاری را پیدا نکرده است. پس دولت به جای اجرای سیاست‌های توده‌ای و عامه‌پسند و شعاری، باید به برنامه‌ریزی‌های علمی روشمند، منطقی و توسعه همه‌جانبه‌ی فرهنگی ،اجتماعی و اقتصادی منطقه فکر کند(چون عدالت فقط در بعد اقتصادی معنا نمی‌یابد بلکه ابعاد دیگری همچون بُعد فرهنگی،رسانه‌ای، سیاسی و حقوق اولیه بشر و حق آزادی بیان و مشارکت آزاد مردم در نهادهای مدنی را نیز در بر می‌گیرد) و با ایجاد انگیزهای مختلف این بخش را به سرمایه‌گذاری در این عرصه‌ها تشویق نماید تا منابع شان را به جای سرمایه‌گذاری در زمینه قاچاق و... در زمینه‌های تولیدی به‌کار گیرند.

از طرف دیگر با توجه به اینکه مصارف این ارقام مشخص نشده است و به احتمال زیاد چگونگی تشخیص مصرف آن‌ها مبهم خواهد بود پس این مقادیر هم همانند سایر بودجه‌های دیگر در میان ساز وکارهای بوروکراتیک شدید اداری و رابطه‌سالاری‌های مرسوم همانند برف زیر آفتاب تموز محو خواهد شد. این نکته را هم باید در نظر داشت که به علت بیمار بودن سیستم مدیریتی ،به محض خارج شدن مسئولان رده‌بالا از شهر و در هنگام هزینه بودجه و اجرای مصوبات ،مشکلات بسیاری به وجود می‌آید.

۲ـ وجود منابع طبیعی و منظرگاه‌های دیدنی زیاد از جمله رودخانه زاب و... یکی از نکات مورد اشاره تقریباً تمامی مسئولین به هنگام دیدار از سردشت است آقای رفسنجانی رئیس جمهور وقت هم به هنگام دیدار از سردشت به وجود داشتن جنگل، درخت بلوط ،گلابی وحشی اشاره و نصایحی هم جهت استفاده از این نعمت‌ها ارایه نمودند! آقای قربانی هم در سفر خود داشتن موهبت خدادادی رودخانه زاب را تذکر دادند، امّا باید به خاطر مبارکشان یادآوری نمود همین رودخانه که بدون هیچ استفاده اصولی به درون سرزمین عراق سرازیر می‌شود وآب آن وارد یکی از سدهای آن کشور می‌گردد. مسئولان مملکتی ما از اوایل انقلاب تاکنون وعده‌های مختلفی جهت سد سازی برروی آن و ذخیره آب در فصل باران زا که مدت آن در سردشت طولانی است داده‌اند امّا هیچ کدام از این وعده‌های بهاری تاب تحمل موج‌های خروشان فصل پاییز این رودخانه و مهار آن را نداشته است و هنوز مراحل سد سازی ، از سطح خاکشناسی و آزمایش و جوشش آن در لوله‌های آزمایشگاهی تجاوز نکرده است، و تنها به ذکر شمایل آن در چنین مواقعی اکتفا شده است.

۳ـ ایستادگی ،مقاومت ، ایثار و شجاعت مردم و به‌خصوص جوانان این شهر در مقابل رژیم عراق در طول هشت سال دفاع مقدس: یکی از اورادی‌است که همیشه بر سر زبان مسئولان مسافر به این شهر مرزی است که آقای استاندار هم خود را از ذکر آن بی‌نصیب ننمودند، امّا باید پرسید که آیا پاداش این مقاومت و ایثار و تحمل بمباران جانکاه شیمیایی، کوره‌های آجر پزی، گاوداری‌ها، مرغداری‌ها و ...در نقاط مختلف غیر کردنشین کشور(به دلیل نداشتن منبع درآمد،ظرفیت‌ها و فرصت‌ها اشتغال که مسایل بزرگ اجتماعی همانند اعتیاد ،قتل ،فحشا، جنایت و... را به دنبال خود دارد) است و یا فرار مغزها به کشورهای دیگرکه با سرمایه این مملکت به سن شودهی رسیده‌اند، کمبود فضای‌های آموزشی ، رفاهی ،ورزشی وکشنده و مجروح‌شدن صدها انسان به خاطر حمل چند کارتن چای، موز و... یا بر روی مین رفتن مردم کشاورز وکاسب روستایی منطقه بعد از این همه سال فاصله از جنگ، پاداش است؟! آیا درد دل کردن با چنین مردمی با داشتن این همه خواسته و نیاز و تحمل رنج و مصیبت تنها با مطرح کردن ایجاد یک بازارچه مرزی(دارای گمرک) که داستان عبا پوشی آن را مسئولین مختلف سالهاست سروده‌اند کار ساز خواهد بود؟

۴ـ "ترک بودن ـ کُردبودن ـ بلوچ بودن و... ما خود به خود ارزشی ندارد مهم ایرانی بودن ماست." این سخن آقای قربانی در واقع بر اساس منطق یکسان‌سازی و وفاق ملی و همان تئوری است که هر گونه تلاش جهت نهادینه کردن و اصلاً ذکر هر نوع بحثی از شکل دهی هویت‌های قومی و مذهبی را نشانه‌ی تفکر تجزیه طلبی و به خطر افکندن امنیت ملی و آن را معلول برنامه‌های دراز مدت دست‌های پنهانی و دشمنان می‌داند. در حالیکه در دنیای چند فرهنگی امروز و در کشوری مثل ایران با این همه تنوع فرهنگی،قومی، دینی و مذهبی آیا سخن از وفاق و وحدت ملی بدون اعتراف و قبول کردن این کثرت‌ها، و تلاش جهت رونق و توسعه و مشارکت براساس سهم خواهی و حقوق مسلّم آنها، و بدون رعایت کردن یک دیدگاه تساهل و تسامح دینی، علمی، و منطقی(به خصوص در استان تحت مدیریت ایشان)نتیجه‌ی مفید خواهدداشت؟

شماره ۲۸ ـ شنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۵ ـ ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۴۲۷ ـ ۲۰ مه ۲۰۰۶

آینده روابط ترک ـ کرد

مناظره‌ای با حضور دکتر خالد صالح و منصور آکگون

(بخش پایانی)

ترجمه از انگلیسی: مولود خوانچه‌زرد

خالد صالح

منصور آکگون

خالد صالح: من سعی نکردم دلیل و بهانه‌ای برای مقایسه بیابم تا گفتمان ناسیونالیستی‌ام را توجیه و تأیید کنم و آن را استحکام بخشم. بلکه به عنوان یک محقق سیاست تطبیقی در شگفتم که چرا هند مسیری شبیه به کمالیسم در پیش نگرفت یا اینکه چرا ترکیه عقایدی شبیه عقاید "نلسون ماندلا" اتخاذ نکرد و آن را عملاً ارائه نداد. البته یک سری نکات و ویژگیهای قانونی، علمی و آکادمیک و عقلانی وجود دارند تا کسی را قادر به یادگیری طرح‌ها و برنامه‌های اصلاحی بزرگ سازند.

من از خودمختاری دموکراتیک برای کردها در محدوده مرزهای جغرافیایی فعلی خاورمیانه استقبال می کنم. هیچ یک از پیشنهادات قبلی‌ام به مسایل مرزی نپرداخته است. من مدافع نظام و سیستم سیاسی داخلی هستم. یک نظام سیاسی لیبرال دموکرات در ترکیه، عراق یا سوریه بسیار آسانتر به مسایل و موضوعاتی مانند: زبان، ملیت، هویت‌های متعدد، خودگردانی، حقوق میهنی و شناخت جبران بی‌عدالتی‌های گذشته، امنیت "ملی"، تقسیم قدرت و پیامدهای ناشی از خشونت، اقدام و رسیدگی خواهد کرد.

من با شما موافقم که ملحق شدن ترکیه به اتحادیه اروپا بهترین گزینه و راه حل برای کردستان عراق می‌باشد. رهبران کرد، سیاستمداران ترک و بوروکراسی نظامی باید از استراتژی دوسویه خطرساز دست بردارند. کردستانی سکولار و دموکراتیک امتیازی برای ترکیه خواهد بود؛ زیرا کردستان به عنوان منطقه‌ای بیطرف برخلاف رادیکالیسم اسلامی در قسمتهای عرب‌نشین عراق می‌تواند نقش اساسی داشته باشد. چنین موجودیتی به وضوح به تقویت روند دموکراسی در منطقه کمک می‌نماید. اگر سیاستمداران ترکیه علناً و در انظار عمومی کردستان را به عنوان سرزمینی تقسیم‌شده بپذیرند و به هویت و ماهیت دولت خودگردان کردانعان نمایند و یک نوع فضای دموکراسی را برای کردها تدارک ببینند تا آزادانه خودشان را نشان دهند و بحث کردیت و کردستانی بودن را نوعی خیانت به حساب نیاورند، آن گاه سازمان‌ها و احزاب متعادل و دموکراتیک به کنار گذاشتن گروههای رادیکال (افراطی) کمک می‌کنند. همانطور که ما در باسک هم شاهد این روند بوده‌ایم.

هم اکنون نیرو و فضا برای یک نوع اقدام دراماتیک و نمایشی وجود دارد. چرا نخست‌وزیر ترکیه اعلام می‌کند در این رابطه تنها دو راه برای کردها وجود دارد. یا مشکلات مسدود و بلوکه‌شده را رها کنیم که به نفع کسی نیست؛ یا اینکه می‌توانیم به پیش برویم. چون کردها جهت یافتن راهکار هیچ اقدامی انجام نمی‌دهند، بنابراین ما همراه با یک نوع عقیده و نظری که جوابگوی انتظارات اتحادیه اروپا و ایالات متحده باشد به پیش آمده‌ایم.

نمایندگان سازمانها و مؤسسات کردی در تمام نقاط کردستان و دولتهای نگران در منطقه به کنفرانسی در آنکارا که به کمک اتحادیه اروپا و ایالات متحده ترتیب داده شده دعوت می‌شوند. مطمئنم مکانیسمی کلی و مسالمت‌آمیز و دموکراتیک را خواهیم یافت، زودتر از آنچه که پیشبینی می‌کنیم.

منصور آکگون: من فکر می‌کنم که ما داریم به یک مفهوم مشترک می‌رسیم. من خوشوقتم که شما در رابطه با خودمختاری دموکراتیک بحث و گفتگو می‌کنید. هر کس در هر جایی می‌تواند نسبت به سرنوشت سیاسی خود در محدوده مرزهای موجود در کشورهای منطقه، در پای صندوق رأی تصمیم بگیرد.

من همچنین معتقدم که شما خشونت را محکوم می‌کنید، هر چند بدون قید و شرط محکوم نمی‌کنید درست مثل کسی که از یک نفر طرفدار آزادی و دموکراسی ممکن است توقع داشته باشد. امیدوام که اشتباه کنم، اما این مسأله این طور به نظر می‌رسد که تنها اختلاف باقی‌مانده بین ایالات متحده در رابطه با رأی‌گیری باشد. من معتقدم که انتخابات و دموکراسی وسیله‌ای برای رسیدن به هدف نیستند اما، اگر بطور شایسته و معقول اجرا شوند، آرمان و هدفی در ذات خود دارند. تا جایی که من نظریات شما را بررسی کردم ظاهراً شما انتخابات و دموکراسی را به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به آرمان و آرزوهای ملی در نظر می‌گیرید. تأکید شما بر ماهیت و ویژگی فرامرزی خودگردانی کردی یادآور یک نوع ایدئولوژی ناسیونالیستی پان‌کردیسم می‌باشد. من حاضرم از هر حقی که در قراردادها و اساسنامه‌ها پیش‌بینی شده است حمایت کنم، اما از ایدئولوژی ناسیونالیست و ملی‌گرا در هر نوع آن(از جمله ترکی) حمایت نخواهم کرد. این حقیقتی است که ما مجبور به داشتن دموکراسی‌های لیبرال در تمام کشورهایی که شما نام بردید هستیم. با وجود این، همانطور که شما در تجربیات شخصیتان در عراق خواهید دید، به جز در شمال عراق، اشتیاقی برای داشتن یک نوع لیبرال دموکراسی واقعاً به همان شیوه‌ای که آن را می‌خواهی وجود ندارد. اجرای انتخابات منصفانه ضرورتاً به معنی لیبرال دموکراسی نیست. حتی اگر شما تمام پیمان‌ها و قراردادهای بین‌المللی را امضاء کنید و عضوی از تمام سازمانهای بین‌المللی شوید و معیارهایی از لیبرال دموکراسی که ممکن است زمان ببرد را نهادینه سازید.

من با این نظریه شما موافقم که سیاستمداران ترکیه و بوروکراسی و دیوانسالاری نظامی آن باید قدم‌های بیشتری را به سوی کردها در عراق

بردارند. (در حقیقت من به طور مفصل و گسترده در این مورد در جراید و مطبوعات ترکی قلم‌فرسایی نموده‌ام). دولتها می‌توانند تصمیم قاطعی بگیرند، اما مخالفت عمومی نیز باید در گزارش در نظر گرفته شود. در جوامع دموکراتیک کسی همیشه باید کسی اپوزیسیون را مورد بررسی و رسیدگی قرار دهد. من همچنین با اساس و ماهیت و موجودیت اطلاعیه پیشنهادی شما موافقم. اما از هیچ نخست‌وزیری،

از جمله رجب طیب اردوغان، نمی‌توان انتظار خودکشی سیاسی را در داخل داشت. مسأله قبرس و کردها هر دو از مسایل و چالشهای کنونی ترکیه هستند، اما آنها در اساس کاملاً متفاوتند. همانطور که قبلاً اشاره کردم، تغییر و تحول به تدریج رخ می‌دهد. هر چند تفاهم متقابل و اعتمادسازی هم باید باشد. آیا ممکن است من دوباره پیشنهاد کنم که برای دور بعدی مکاتباتمان، شما راجع به هر نوع شاخص یا پیشرفتی که امکان افزایش اعتماد را می‌دهد صحبت بفرمایید.

خالد صالح: من احساس می‌کنم که شما دارید از موضع قبلیتان در مورد خودگردانی عقب‌نشینی می‌کنید؛ زیرا از بررسی تغییر در نظام سیاسی حتی در محدوده مرزهای موجود اجتناب می‌نمایید. شما خیلی خوب می‌دانید که کردها در ترکیه از اساسی‌ترین حقوق خود محروم شده‌اند؛ آن هم تنها به این دلیل که کرد هستند. در غیر اینصورت شما چطور ممنوعیت چندین دهه زبان کردی، نامگذاری اسم کردی بر روی کردها، نامه‌نگاری به زبان کردی و برگزاری جشن باستانی نوروز در ترکیه را، با وجود تلاشها و اقدامات اصلاح‌طلبی در این کشور، توجیه می‌کنید؟

یک خانم ترک حق دارد که اسمش "ترکان" باشد، ولی یک خانم کرد حق ندارد اسمش "کردستان" باشد، هنوز هم در ترکیه، زن یا دختری که نامش "کردستان" باشد از داشتن حق مسافرت با شرکتهای هواپیمایی ترکیه محروم است و به نام "کردستان" نام‌نویسی‌اش نمی‌کنند!! حداقل اجازه بدهید چنین اشخاصی را با چنین نامهایی ثبت نام و نام‌نویسی کنند.

شما به نظریات من در مورد ماهیت و ویژگی دولت خودمختار (در حال گذار) کرد که پیشنهاد کردم برچسب پان‌کردیسم می‌زنید و متهم می‌کنید. اما به نظر می‌رسد مقدس بودن مرزهای مصنوعی را به عنوان یک نظریه بی طرف قبول دارید.

مردم آزادند هر چیزی که آنها ترجیح می‌دهند مورد ستایش و تمجید قرار دهند (نه اینکه هرچیزی را درچارچوب مرزهایی که در آن زندگی می‌کنند با زور به آنها بقبولانیم) یادآوری کنم که در آغاز سال ۱۹۰۰، بیست و پنج کشور یا دولت در جهان وجود داشتند، اما بعد از صد سال شمار کشورها در جهان به ۲۰۰ کشور افزایش پیدا نموده است. ابداع و نوآوریهای انسانی که وجود دارند مستعد تغییر و تحولند؛ بدین معنی که هر چیزی که انسان ابداع می‌کند و آن را بوجود می آورد راکد و مطلق باقی نمی‌ماند، بلکه دائماً مطابق دیالکتیک پیشرفت و توسعه در تغییر و تحول است. سؤال نهایی این است که تحت چه شرایطی چنین موجودیتهایی (مرزبندیهای بین کشورهای جهان) قادر به حفظ و نگهداری و یا تغییر و اصلاح می‌باشند؛ چه به شیوه خشونت‌آمیز (مثل یوگسلاوی) یا به شیوه مسالمت‌آمیز (مثل چکسلواکی) تجزیه شوند، خواه بطور صلح‌آمیز (مثل اسپانیا، بلژیک، سوئیس و کانادا)، یا از طریق زور و خشونت (مثل لبنان، عراق و ترکیه در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰) مورد جابجایی و تغییر واقع شوند. من ترجیح می‌دهم که ترکیه در قبال این مسأله از راه دیپلماسی و بطور مسالمت‌آمیز و بدون خشونت وارد مذاکره شود و نظم سیاسی‌اش را اصلاح نماید، نه اینکه تغییر نظام سیاسی در ترکیه با زور و خشونت همراه باشد.

شما فکر می‌کنید که مسأله قبرس و کردستان قابل مقایسه نیستند، اما من فکر می‌کنم تفاوت این دو در مورد یافتن راهکارهای مفید و کارآمد و مسالمت‌آمیز برای تضاد و درگیریهای بنیادین و ریشه‌ای بدون توجه به شناسایی[رسمی] بین‌المللی قبرس و انکار و تکذیب کردستان می‌باشد. مورد اول در رابطه با هدف خارجی یک کشور که در اصل گرایش به بازپس‌گیری بخشی از خاک کشور که در گذشته توسط همسایه متجاوز متصرف و غصب شده است؛ اما مورد کردستان مسأله سلطه و قدرت خارجی است (که مارکسیستها آنرا کولونیالیسم یا سیاست استعماری داخلی می‌نامند). شناسایی(رسمی) اولین گام به سوی یک نوع راهکار سازنده می‌باشد. نه تلسون ماندلا و نه رهبران آپارتاید با قبول ایجاد یک نظم جدید سیاسی در جنوب آفریقا مرتکب انتحار سیاسی نشدند. اگر شما معتقدید که اردوغان باید از انتحار و خودکشی سیاسی بپرهیزد، آن وقت من پیشنهاد می‌کنم که TUSIAD کنفرانسی را جهت اعتمادسازی که مورد حمایت اتحادیه اروپا باشد تشکیل و مکانیسم‌ها و نظام‌نامه‌هایی را برای یافتن راهکاری صلح‌آمیز در مورد رابطه ترک ـ کرد در ترکیه در دستور کار قرار دهند. سازمانها و نهادها و مؤسسات و اشخاص دارای حسن‌نیت و مسالمت‌جوی کردی وجود دارند که تمایل دارند و می‌خواهند شرکت جویند.

اما من پیشنهاد می‌کنم که این کنفرانس در بروکسل برگزار شود؛ برای اینکه شرکت‌کنندگان بازداشت نشوند و با اتهاماتی مشابه اتهامات اورهان پاموک مواجه نشوند؛ چرا اگر آنها جنوب‌شرقی ترکیه و شمال عراق را به عنوان کردستان بنامند تحت تعقیب واقع می‌شوند.

منصور آکگون: با این نظریات به نظر می‌رسد که ما حتی در این دور آخر هم قادر نخواهیم بود که اختلاف نظرمان را برطرف سازیم و جمع‌بندی کلی از نظریاتمان داشته باشیم. با وجود این سعادت بزرگی بود که با شما تبادل افکار داشتم.

ما یقیناً به زمان بیشتری نیاز داریم تا دید مشترک و فهم بهتری از دیدگاه همدیگر داشته باشیم. اجازه بدهید از مرزها شروع کنیم، همانطور که خوب می‌دانید بازجویی و پرسیدن اصالت و درستی و مقدس بودن مرزها جریان و فرایندی است که به آشوبها و اغتشاشات و ناآرامی‌ها می‌انجامد و جنجال‌آفرین می‌باشند. تمامیت ارضی و تخطی‌ناپذیری مرزها تقریباً در قانون بین‌المللی مقدس شمرده شده و پذیرفته‌شده هستند. من و شما می‌توانیم به آسانی دهها مورد از اسناد بین‌المللی را نام ببریم که اشاره به ارزش و اعتبار بنیادی و اساسی سیستم بین‌ایالتی دارد.

هدف از خودگردانی جمعی و اشتراکی، آزادی انسانی می‌باشد، این می‌تواند به نوعی از دموکراسی از طریق احترام و توجه به حقوق انسانی و آزادی‌های اساسی نایل شود. در رابطه با کنفرانس‌هایی که شما درخواست می‌کنید که با شرکت سازمانها و مؤسسات صلح‌طلب کردی برگزار شود باید بگویم که هم اکنون هم چنین کنفرانس‌هایی برگزار می‌شوند؛ مثلاً در اوایل مارس مجمع شهروندان هلسینکی ترکیه و گروه وحدت و یگانگی کنفرانسی را در دانشگاه بیلگی استانبول در رابطه با مسأله کرد تشکیل دادند. ترکها و کردها به بررسی چالشها و مشکلات پرداختند و هیچ کس تاکنون مانع این نشده است.

لازم به گفتن نیست، که این تنها کنفرانسی نیست که در رابطه با این موضوع تشکیل شده است. در ضمن من هیچ اعتراضی نسبت به برگزاری و تشکیل کنفرانسی در بروکسل ندارم و ایرادی از آن نمی‌گیرم.

در رابطه با گفته‌هایتان در مورد اورهان پاموک به نظرم سوءقصد و تلاشی در جهت بدنام کردن و شرور نمایاندن ترکیه وجود دارد. چرا که این مسأله توسط گروهی از وکلای ناسیونالیست و ملی‌گرا علیه وی آغاز شد و البته بعداً در دادگاه ناروا و غیرقابل قبول تشخیص داده شد. مانند همه کشورها، ترکیه هم با کمال تأسف متعصبین افراطی‌ای دارد که هر چیزی را که آنها دوست نداشته باشند با خیانت یکسان تلقی می‌کنند. با دموکراتیزه شدن بیشتر کشور و ایجاد فضای باز سیاسی بیشتر، مطمئنم که صدایشان شنیده نخواهد شد و تأثیر و نفوذشان کاهش خواهد یافت و جایگاهشان را در جامعه از دست می‌دهند و کسی گفته‌هایشان را نخواهد شنید.

در پایان من امیدوارم که کردهای هر دو طرف مرز، ترکیه را در تلاشهایش برای دموکراتیزه شدن حمایت و کاربرد زور و خشونت را محکوم نمایند. خشونت و زوری که تروریسم به جای گفتگو به عنوان وسیله‌ای جهت رسیدن به اهداف سیاسی بکار می‌برد. اکثریت کردها در ترکیه هستند و بطور آشکار از تعداد کردهای طرف دیگر مرز (شمال عراق) بیشترند. امیدوارم به زودی نشست دیگری با شما داشته باشم.

آزادی مطبوعات در کردستان

آسوس هردی و توانا عثمان

Kurdishmedia: گروهی از خبرنگاران و روزنامه‌نگاران در دفتر "آوینه"، هفته نامه مستقل کردستان عراق گرد هم آمدند تا در مورد مشکلات اخیری که روبروی روزنامه‌نگاران در جنوب کردستان شده است بحث و تبادل نظر نمایند و نیز راهی برای بیرون آمدن از این چالش و مشکلات بیابند.

این گردهمایی در دفتر هفته‌نامه آوینه در سلیمانیه برگزار شد. اکثر شرکت‌کنندگان از شهر سلیمانیه بودند. در همان زمان برنامه‌های دیگری نیز با مناسبت‌های مشابه در هه‌ولیر و دهوک (شهرهای تحت کنترل حزب دموکرات کردستان)، با حضور روزنامه‌نگاران در جریان بود. این حرکت پس از آن آغاز شد که فشار بر روزنامه‌نگاران اخیراً در جنوب کردستان خصوصاً در مناطق تحت کنترل اتحادیه میهنی کردستان عراق، افزایش یافته است.

چندی پیش یک دادگاه در کردستان عراق روزنامه‌نگاران مستقل کرد "آسوس هردی و توانا عثمان" را به شش ماه زندان و پرداخت ۶۰ هزار دینار عراقی محکوم کرده بود. اتهام هر دو روزنامه نگار نشر اطلاعات نادرست بود.

همچنین هویز هویزی روزنامه‌نگار هفته‌نامه کردی "هاولاتی" به اتهام چاپ مقاله‌هایی در انتقاد از حکومت کردستان، توسط نیروها امنیتی کردستان دستگیر شده بود و سپس به قید ضمانت آزاد گردید.

اولین سفر رسمی خارجی رئیس اقلیم کردستان

سیروان نیوز: در تازه‌ترین تحولات سیاسی در کردستان عراق، مسعود بارزانی رئیس اقلیم کردستان، برای دیدار و گفت‌وگو با مقام‌های کویتی همراه با گروهی از مقامات اتحادیه میهنی وحزب دموکرات وارد کویت شد و از سوی شیخ ناصر صباح الجابر الصباح وزیر دیوان امیری این کشور مورد استقبال قرار گرفت.

نوشیروان مصطفی امین معاون دبیرکل اتحادیه میهنی، مسرور بارزانی، آزاد برواری،دکتر فواد حسین، سفین دزه‌یی و بخشان زنگنه اعضای گروه همراه رئیس اقلیم کردستان در این سفر هستند.

مسعود بارزانی درسفر دو روزه خود در کویت، با شیخ صباح الاحمد الجابر الصباح امیر، شیخ ناصر المحمد الصباح نخست‌وزیر و جاسم الخرافی رئیس پارلمان این کشور دیدار و در مورد مسایل مورد علاقه بحث و گفت‌وگو نمود. منابع خبری گزارش کرده‌اند بارزانی در این دیدارها تلاش کرده مقام‌های کویتی را برای سرمایه‌گذاری بخش‌های دولتی و خصوصی کویت در منطقه کردستان عراق تشویق کند.

وزیر خارجه سوریه: تصویب قطعنامه ۱۶۸۰ علیه دمشق مغرضانه و تحریک‌آمیز است

ایسنا: شورای امنیت سازمان ملل چهارشنبه گذشته قطعنامه‌ای را به تصویب رساند که بر اساس آن سوریه باید روابط دیپلماتیکش را با لبنان برقرار کرده و خطوط مرزیش را با این کشور مشخص کند که این اقدام گامی در جهت بازگرداندن حاکمیت لبنان و استقلال سیاسی این کشور نامیده شده است.

این قطعنامه که پیش‌نویس آن از سوی آمریکا، فرانسه و انگلیس تهیه شده بود با ۱۳ رأی موافق و بدون آرا چین و روسیه که رأی ممتنع دادند، به تصویب رسید.

سوریه بر اساس قطعنامه ۱۵۵۹ سال گذشته نیروهایش را از لبنان خارج کرد. این اقدام پس از آن صورت گرفت که رفیق حریری، نخست وزیر سابق لبنان ترور شد و سوریه به دست داشتن در جریان این ترور متهم گردید. بر اساس قطعنامه جدید شورای امنیت (۱۶۸۰) از دولت سوریه خواسته شده تا به درخواست دولت لبنان پاسخ گوید و ضمن برقراری روابط کامل دیپلماتیک با لبنان دست از مداخله در امور این مملکت برداشته و خطوط مرزیش را با لبنان مشخص کند.

ولید معلم، وزیر امور خارجه در پارلمان سوریه حاضر شد و در جلسه ویژه پارلمان به توضیح روابط سوریه و آمریکا و مواضع سوریه در قبال عراق و مسأله فلسطین پرداخت. وی گفت که واشنگتن فشارهایش به سوریه را جهت منزوی کردن کامل کشور تشدید کرده است، اما سوریه برأی حل تمامی مسایل مورد مناقشه و مهم راه مذاکره را پیشنهاد می‌کند. معلم همچنین قطعنامه ۱۶۸۰ سازمان ملل را مداخله‌جویانه، تحریک‌آمیز و مغرضانه خواند.

پەیوەندییەکانی کۆماری کوردستان و کۆماری ئازەربایجان

(٢٧)

ریچارد مۆنی — وەرگێڕان لە ئینگلیسییەوە: حەسەن قازی

جێ‌بەجێ بوونی گرێ‌وگۆلی دیمۆکراتەکان

ئەو مەودایەی دۆلاب و پیلان نانەوەیە لە ١١ی دیسامبری ١٩٤٦ وە ڕاست کەڕا. ئەو دوژمنایەتییانەی وا بە دژی دیمۆکراتەکان لە سەر بەک هەڵنرا بوون لە زنجیرەیەک پەلاماری بێ‌بەزەییانە، سووتێنەرئامالی کوردی هەڵوژانە سەر ئەو شارۆچکانەی کە دوو کۆمارەکان ئەو هەموو ڕقەبەرایەتییانەیان لە سەر کردبوون. هەرکە ئەرتەشی ئێران هاتەوە نێو ئازەربایجان، ئەمەرخان ئەو نەخشەیەی جێ‌بەجێ کرد کە دوو مانگ پێش‌تر بە کاریەدەستانی ئەمریکایی ڕاگەیاندبوو. هەرکی و شکاکەکان ڕێگەی ڕەزایەیان بڕیبەوە و دوایە چوونە نێو شار و چەندین کەس لە دیمۆکراتەکانیان کوشت.

ئەمەرخان پێشەنگی سەد سوارەی شکاکی کرد بەرەو مەرەند، لە هەوڵدانێکدا بۆ پێشاوبڕانەوەی پیشەوەری، بە لە کیس‌دانی وی، شکاکەکان چاوەڕێی ئەرتەشی ئێرانیان کرد و دوایە چوونە نێو ئەوێزی، یەکەکانی عەشیرەتی شارۆچکە و لادێیی دیکەشیان گرت، ئەوەش ئاکامی وەها بوو کە کۆنسوولی ئەمریکا لە کۆتایی یەک لە گوزارشەکانی‌دا دەڵێ: "ئەنانەت زۆر پێش لەوەی کە ئەرتەش بگاتە ئەوێن، خەڵک و عەشیرەتەکان ئەوەی کە لە هێزەکانی ئازەربایجانی مابۆوە ورد وخاشیان کردبوو. ئەو کوردە شارەییانە چییان بە سەرهات کە هەوتەیەک پێش‌تر هەوڵیان دابوو پشتی دیمۆکراتەکان بگرن؟ هەر وەک باس کرا، کەس گوێی نەدابووە کۆماری مەهاباد و لە پاش‌ماوەی وی کاری خۆی کردبوو. مەشروعییەتی قازی محەممەد مابۆوە و عەشیرەتە سەرەکییەکان لە دژی ئەو هەڵنەگەڕانەوە، هەر دەستیان لەوە گێڕایەوە داکۆکی لە کۆمار بکەن. قازی بە ڕووتانەوە لە پشتیوانی عەسکەری، تووشی دوودڵی هات. بە گێرانی میاندواو، ئەو لە ئاکامدا بەیاری دا وتوێژ لەگەڵ حکومەت بکا، دوای ئەوەی بۆی دەرکەوت کە پشتیوانی عەسکەری بارزانی چی تر بە دەستەوە نییە. ماوەیەکی کورت دوای ئەوە مەهاباد خۆی بە دەستەوە دا. بەم پێیە پەیوەندی مەهاباد ـ ئەوێز لەبەر ئەبوونی هاوکاری لە نێوان دوو ڕژێمەکە و دوژمنکاری جالاکانە لە لایەن لایەنگرەکانیانەوە کۆتایی هات. داخوا ئەوە ئاکامێکی خۆلێنەبوێر بوو؟ ڕەنگە وا نەبوبێ، بەڵام بۆ پیشەوەری و قازی محەممەد کاری هەرەدژوار بووە کە سیاسەتێکی زۆر لەوە ئەرمتر پەرە پێبدەن. ئەو پرسیارانە حەوجێیان بەوەیە کە بیری کۆتایی لە سەریان دەربڕێن و ئێستا ڕوو لەوان دەکەین.

ئەنجام

وەکوو دێمان زنجیرەیەکی هێزی بەربڵاو یارمەتییان کرد بە پەیوەندی ڕاپای ئەو دوو کۆمارە ئەنوایەتییانە. وا دێتە بەرچاو لە کاتێکدا کە پەیوەندییەکانی کورد ـ ئازەری بە ژانی دژوارە زاتییەکانەوە گیرۆدە بوون، ئەو گرفت و دژواریانە لەبەرنیازی هەرکام لەو ڕژێمانە بۆ وەلامدانەوەی هێزەکانی دەرەوەی ئازەربایجان، بە شێوەیەکی چاوڕاکێش توندوتیژتر بوون. سەیرە و ئاکۆک دێتە بەرچاو، ئەگەر سەرۆکایەتی کۆمارەکان لەگەڵ بەرەلستکاری کارامە هاوڕێ لەگەڵ هێزی زۆرداری، پشتیوانی دەرەوەیی لە زێدەی سەرۆکوەزیر قەوام ڕووبەڕوو نەبوویان، هاوکاری نێوان ئەوێز و مەهاباد لەوانە بوو زۆر بە هاسانتر وە دەست بێ. لەجیاتیان، ترسی سەرۆکوەزیر پیشەوەری لە ئاکامی ئەوەدا وەدیهات کە ئەو لەگەڵ بەرەلستکاری بە یەکەوەی حکومەتی مەهاباد و هەروەها عەشیرەتە کوردەکان لە زۆربەی درێژایی ساڵی ١٩٤٦دا ڕووبەڕوو بوو.

گرفتەکانی نێو خۆیی ئازەربایجان

پەیوەندییەکانی نێوان کورد و ئازەری هەرگز دەبووا ئەنانەت ئەگەر ئەو پەیوەندییانە لە دەرەوە و بەزلکان بە دەرانیشتی نێونەتەوەییش بەڕێوە چوویان. قازی محەممەد بۆ ئەوەی بە پەیوەندی خۆی لەگەڵ ئازەربایجان بە باشی ڕابگرێ دەبوو پێش‌تر مەسەلەی خاک جێ‌بەجێ بکا و بە لایەکی دابخا بەرلەوەی کە گرفتەکانی دیکەی نێوان کورد و ئازەری بە تێنێتە گۆڕێ. لە کاتێکدا کە وا وە بەرچاوی دێ مەهاباد ئەو کێشەیەی وەکوو ئامرازێک بۆ گۆشار خستنە سەر دیمۆکراتەکان و هەروەها وەکوو بەڵگەیەک بۆ نیشان‌دانی مانەوە و ژیانی خۆی بە ئاران بە کار هێنابێ، کێشەکە خۆی لە خۆی‌دا گرفتی دەخوڵقاند، بە تایبەتی بۆ خانەکان. سازشت لە دەروونی دەورانیشتنێکی ئەوەندە ڕقەبەرانەدا هەڵوێست و باری سەرۆک عەشیرەتەکانی بنکۆڵ دەکرد: لە ڕاستی‌دا مەرگ دەیتوانی ئاکامی دەست لە سەر و مال هەڵگرتنێکی ئاوا بێ ئەگەر خانێک وەستیای کاریکی ئەوتۆ بکا و ئی زۆرکەمیان مەیلی ئەوەیان تێدا بەدی دەکرا. ئەوان بە چاوێکی سووکەوە تەماشای خەڵکی ئازەربایجانیان دەکرد. ئەوێزچی بۆ خانەکان پێ‌نەبوو و دیمۆکراتەکان بێ‌پسانەوە و بەردەوام نموونەی جاریکەری ڕیفۆرمی زەوی‌وزاریان دەهێنا گۆڕێ. لە ئاکامدا، ئەوان توانیان هەر هاوکارییەکی سووردار و کورتخایەتی زێڕۆبەگ وە گیر بێنن.

گلۆبالیزم چییە؟

وەرگێڕان لە ئینگلیسییەوە: حەسیم موزادی

ئەمڕۆکە گلۆبالیزم، یەکێ لە باس‌وخواسە هەرەگرینگەکانی نێو کتێب، ڕۆژنامە و کۆڕو کۆبوونەوەکانە. هەروەها گوتاری زاڵی ئابووری، سیاسی و جڤاکی دوو دەیەی ڕابردووش بووە. بە پێچەوانەی پرۆژەی ڕۆشنگەری چاخی ١٨، پێوەندییەکانی مرۆڤ و تێکنۆلۆژی و جیهانی دەرەوە زۆر ئاڵۆزە. لە دەمێکدا ئەوان بەم شێوە تێدەفکرێن کە مرۆڤ هەرچی زۆرتر بتوانێت ڕاز و ڕەمزەکانی خۆکرد، مێژوو و ژیان بەدۆزێنەوە و هێند ئەوەندەش بتر دەتوانێت ئەوان بخاتە ژێر چاودێری خۆیەوە. ئاڵۆزییەکانی ژیانی مرۆڤ لە زێدە بوون‌دایە، مارکس لەم بڕوایەدا بوو کە ئەگەر مێژوو و سوننەتەکانی بناسێن و لە فاکتۆر و بزاوتەکانی بۆ بزانێین جیهان کەڵک وەرگرین دەتوانین جیهان سەرلەنوێ ساز کەینەوە. دووسەد ساڵ پێش زانایانێکی زۆر لە بوارە جۆراوجۆرەکان‌دا تێکڕا لە سەر ئەم بۆچوونە بوون کە مرۆڤ بەردەوام دەیەوێ بە سەر جیهانی دەرەوەدا زاڵ بێ. لە سەرەتای سەدەی بیستەم‌دا، ئەوان جیهانیان بە ماشێنێکی مەزن دەزانی کە مرۆڤەکان کەرەستە و ئامێرەکانین. بە لەوێک بە بۆنەی پێشکەوتنە زانستییەکانەوە دڵەڕاوکێ و لێڵییەک سەبارەت بە داهاتوو بەدی دەکرا. هەر ئەو دڵەڕاوکێیە ناکۆکانە بوونە هۆی مەزنترین گەشە و پێشکەوتن لە جیهانی ئەمڕۆدا. گلۆبالیزم بە بارچەکردارگەلێکی تێکەڵاوەوە تووش بووە کە بە ڕچاوترینیان لایەنگران و نەیارانی ڕقەبەرایەتییە. نەیاران و ناحەزان ئەمە بە دیاردەیەکی نوێ نازانن و لە سەر ئەم بۆچوونەن کە ئەمە هاوتا و هاوزاد لەگەڵ گەشەی کاپیتالیزم‌دا هەبووە. چەپەکان، بە ئەماخواز و مۆدێرنەکان بە پرۆژەیەکی دوایین دەیەکانی چاخی ١٩ی دەزانن.

لە لایەکی ترەوە لایەنگرانی بە دیاردەیەکی نوێی دەزانن کە توانیویەتی تەواوی چوارچێوەکانی دەوڵەت وەکوو سروشتی ئابووری سیستەمەکان، ئاخێزگە و کانگای دەوڵەت ـ نەتەوە، هەروەها کەلتوور و جاندی بخاتە ژێر ڕکێف و سێبەری خۆی. لە دەیەی ١٩٦٠دا، بە ڕەفراوانی مانگیلە دەس‌کردەکان و شۆڕشی ئەلکترۆنیکی ئاڵوگۆڕێکی بەنەڕەتی لە دەنگەبەرە جیهانییەکان‌دا پێکهێنا و تلویزیۆن باشترین و بە ڕچاوترین ڕۆڵی لە شۆڕشی نووروپایی ڕۆژهەڵات‌دا گێڕا. گلۆبالیزم پانتا و فانتازیای کات و شوێنی گۆڕی. ژیانمان بە هۆی هەرچەشنە گەشە و بزاوتێک لە هەر شوێنێکی ئەم جیهان‌دا دەشڵەژێ. گەشەی بزاوتەکانی ئەم دوایی‌یە هەموو بەشە تایبەتی و گشتییەکانی بە زاندووە و لە هەموو قوژبێن و کەلێنەکانا تەشەنەی کردووە. گلۆبالیزم، دەستەواژەیەکی کۆکراوەیە کە لە ماک و هێزە دژبەیەکەکان پێکهاتووە و هاوکات لە چەند ڕێگای فرەڕەهەندەوە دەبزوێ و ڕێگا دەبڕێ. ئەو لەگەڵ هەموو زیندووەکان، کەسەکان، شوناسەکان و هەست و نەستی خەڵکەکان ڕاموسان دەکا و سەر لە گشت قوژبنە خۆماڵییەکان دەدات. ئەوژم و گوشارەکانی گلۆبالیزم بوونەتە هۆی دەرکەوتنی کەرەسە و پاڵنەرەکان بۆ وە دەست هێنانی شوناس و سەربەخۆیی. هەوڵ و تەقەلاکانی ئەمریکا بۆ گلۆبالیزمی زاڵ لە شوێنگەلێکی ئورووپا بە تایبەت فەڕانسە توونشی بەرپەرچدانەوە و بەرهەڵستکاری بووە و دەوڵەت ـ نەتەوەکان بەردەوام هەوڵی مانەوە دەدەن.

چەمکی گلۆبالیزم

گلۆبالیزم بە چەشنی جۆراوجۆر مانا کراوەتەوە. بەڵام هەموو کۆک و تەبان لە سەر ئەمە کە مانا ڕوون و دیارەکانی ئەم دیاردەیە سەختە. بەڵام دەتوانین لە سەر تێگە بشتنە گشتییەکانی ئەم ڕەوتە دیرۆکییە بدوێین. گلۆبالیزم لە هەرملە جیهانییەکان کەڵک وەردەگرێ و تاسەواریکی مەزنی سیاسی، جڤاکی، ئابووری و چاندی لە تەواوی بوارەکانی ژیانی مرۆڤ‌دا هەیە و دۆخگەلێکی یەکسان و هاوسانی بە ڕز ڕاگرتنی بەشداربیە نێونەتەوەییەکان دەستەبەر دەکا. "جیم ڕۆسینۆ"، یەکێ لە بیردۆزە بەرچەستەکانی زانستە سیاسییەکان دەڵێ: "ئاکوو ئێستا هیچ مانایەکی ڕوون و ڕۆشنی بۆ پێشنیار نەکراوە. بۆ وێنە چەمکی گلۆبالیزم کە لە پێوەندی نێوان لایەنە ئیدئۆلۆژی، سیاسی، کەلتووری و ئابوورییەکان‌دا، هەڵقوڵاوە، نە تەنیا پێویستی بە شیکاری و خوێندنەوەی چڕوپڕ هەیە، بەڵکوو پێویستی بە هەبوونی ڕێگاکانی بەرهەمهێنان، تێکەڵ کردنی شەریکەکان، بەرین کردنی بازارە ماڵی و دراوییەکان و یەکسانی کاڵاکانی بەرهەمهێنان لە وڵاتە جۆراوجۆرەکان‌دا هەیە و لە ئاکام‌دا کێشە و پێکدادان لە نێوان پەنابەران و خەڵکانی خۆجێی‌دا دەست پێدەکا. کۆک و تەبا بوون لە سەر مانایەکی دروست کە بتوانن تەواوی ئەو هەموو زەوینە و ڕێکخراوانە لە خۆوە بگرێت مومکین نییە.

ئێنجا دەبێ چەمکی ئەم دیاردەیە بە بەرین و بەستین بێت و کەڵک وەرگرتن لە مزاریکی مەزن زۆر سەخت و دژوارە. پرسیارگەلێکی شیاو و هەنووکەیی لە کاتی مانا کردنی گلۆبالیزم دەردەکەوێت. وەکوو: چ پاساو و بەڵگەیەک پاش دەرکەوتنی هەیە؟ ئایا هاوکاری و هەرەوەزی نێونەتەوەیی بەرەو پێشی دەیا یان دەبێتە هۆی هەڵگیرساندنی پێکدادان و دووبەرەکی؟ ئایا گلۆبالیزم دەبێتە هۆی بەرز بوونەوەی نایەکسانی و نابەرابەری لە جیهان‌دا یان بە ڕەوتی بنیاتنانی دەوڵەتی جیهانی گرێ‌تێن دەبەخشێ؟ و ئایا گلۆبالیزم دەبێتە هۆی بەرز بوونەوەی تاسەوارەکانی یەکێتی سیاسی لە جیهان‌دا؟ گلۆبالیزم لە ڕەوت و بزاڤی خۆی‌دا بەرەو ناوچەیی بوون چاڵ دەترێت و سنوور و کەوشەنەکان لێک گرێ دەدا و تاڵوگۆڕی ماک، بەنەما و تۆرەمەکان بەرەەڤ دەکا و ڕیست و تاوانە ناوچەیی‌یەکان دەبنە بەرهەڵست و کۆسپ لە بەرامبەر ئەم تۆرم و ستاندارداندا. وڵاتەگەلی جۆراوجۆر بە شێوەگەلێکی جۆراوجۆر لەگەڵ ئەم دیاردە و ئاکامەکانی‌دا بەرەنگاریان ئەتاندووە و دژایەتییان کردووە، باوەڕێکی گشتی سەبارەت بە جیهانی بوون ئەمەیە کە ئەم دیاردەیە ئاکام‌گەلێکی بەرین و درێژخایەنی بۆ ئەوەی وڵاتەکان لێدەکەونەوە. لە ئاوا چوارچێوەیەک‌دا، جیهان بە توندوتیژیەکی بێوێنە بەرەو ئاقارێکی کۆمەڵایەتی گشتی دەڕوا. گەشە و پێشکەوتن لە هەر بەشێکی جیهان‌دا دەتوانێت لە سەر چارەنووسی خەڵکان و کۆمەڵگاکانی تری ئەم جیهانە کاریگەر بێت. گلۆبالیزم تەواوی گریمانە و بیر و ڕاکان لەرزۆک و هەڵۆڵ دەکا و هەر دیاردەیەک کە پێویستی بە کات و شوێنی تایبەت و گونجاو هەبێ، ئەمە بە دەسەڵات و بایەخ دەگۆڕێت. لەم ڕوانگەیەوە، هەر دیاردەیەک دەتوانێ لە شوێنە جۆراوجۆرەکان‌دا بە بایەخ و پرپەها بێت و بتوانێ کاریگەری دەسەڵات بنوێنێت. گلۆبالیزم بۆ دەوڵەتە نەتەوەییەکان سنوور دەکێشێتەوە و دەسەڵاتیان سنووردار و لاواز دەکا. هەروەک وترا، تاکوو ئێستا واتا و مانایەکی هاوبەش بۆ گلۆبالیزم پێشنیار نەکراوە. ئەم دوایی‌یانە وتوێژێکی چڕوپڕ سەبارەت بە ڕەهەند و ئاکامەکانی لەگۆڕێدایە. هەندێک وا لە سەر بنەما و ئینتما گرتنی ئەوبیرە گلۆبالیزێتەیە کە لە یونانی کەونارا دا هەبووە. هەندێکی دیکە لایان وایە گلۆبالیزم گەشە و تەوسەعەی سیستەمی کاپیتالیسمە. بەرچەستەترین تەفسیر کە بە گەشەی ئابووری ـ سیاسی نێونەتەوەیی لە سەدەی ١٦ پێوەندی هەیە باس‌وخواسی جیهانی بوونە. کاپیتالیسم ڕکێفی جیهانی بە دەستەوەیە و لە سەر ڕیست و داخوازی خۆی و لە سەر ئەوەی کە دەتوانێ بۆ هێزمۆنی کاپیتالیسمی جیهانی خۆش بکا و درێ و قەڵەشتەکانی نێوان هەژار و دەوڵەمەند قووڵتر بکا. لە ڕوانگەی فرانسیس فۆکویاماوە، سەبارەت بە سەرکەوتنی لیبرال دیمۆکراسی و کۆتایی جیهانی دووچەمسەری، تەنسیخێک بۆ وڵاتە تازە گەشەکردووەکان هەبوو کە بە پاشکۆ و شوێنکەوتووی کاپیتالیسم.

ئێکشکانی بەردە پۆلاینەکانی یەکێتی سۆڤیەت کە لە سەر بیر و ڕای دژایەتی کردن بلۆکی سەرمایەداری بە نەمای گرتبوو لەگەڵ دەرکەوتنی سەنەلایت و ئینتیرنێت لە تەواوی کۆمەڵگا نەتەوەییەکان‌دا، لاواز بوون و تێڕمانی سۆڤییەتی ساناتر و گورج‌تر کرد و گلۆبالیزم تاسەوارە بێ‌دواییەکانی خۆی بە سەر دەوڵەت ـ نەتەوەدا سەپاند. ئەو هێز و گوشاری فەرمانڕەوایی نەتەوەیی کە دەوڵەتەکان بەرێوەیان دەبرد و ڕۆڵێکی گرینگیان لە سەر تاسەتی نێونەتەوەیی بە بۆنەی یەیمانی "وستفالیا" لە ساڵی ١٦٤٨ دەگێڕا، و تەواوی ڕاوێژ و باس‌وخواسەکان بۆ وڵام دانەوەی پێداویستەکانی مرۆڤ کە بە نەستۆ و نەرکی دەوڵەتەکان بوو بەرەو زەوال ڕۆیی و هەرەسی هێنا، بە لەبەرچاوگرتنی ئەم ڕوانگە، پێداویستییە تەکنیکی و ئابوورییەکان دەوڵەتانیان پێمل کرد کە بتوانن وڵامی پێویست و کارایان بێندەنەوە و کۆمەڵگا مرۆڤییەکان چوارچێوەیەکی نوێیان ڕەچاو کرد و لە سەر ئەم ڕایە گلۆبالیزم لە تەواوی بوارە سیاسی، ئابووری، جڤاکیی و چاندییەکان‌دا سەلمێندرا و لەنگەری گرت.

سەرچاوە: وەرزنامەی دیسکورس، ژمارەی ٤، بەهاری ٢٠٠٤، لل ٢٢ـ١٧، نووسەر: ئیلاهە کوولایی، مامۆستای زانستە سیاسییەکان، زانستگای تاران.

تێکۆشەری کوردستان، لەیلا قاسم (١٩٥٢ـ١٩٧٤)

بە بۆنەی ٣٢ەمین ساڵیادی لە سێدارەدرانی

کچە تێکۆشەری کوردستان، لەیلا قاسم ساڵی ١٩٥٢ لە گوندی "بامیلی" سەر بە شاری خانەقین لە خێزانێکی هەژار و نیشتمانپەروەری کورد لەدایک بووە. قاسم حەمەنی، باوکی لەیلا کرێکاری کۆمپانیای باڵاوگەی نەوتی ئەلوەند بوو. دوای ئەوەی ناوبراو خانەنشین کراوە، ساڵی ١٩٧١ لە خانەقینەوە مالیان گواستۆتەوە بۆ بەغدا. لەیلا قاسم بۆ یەکەم جار لە ساڵی ١٩٥٨ لە شاری خانەقین چووەتە بەر خوێندن و قۆناغەکانی سەرەتایی و دواناوەندی لەم شارە تەواو کردووە. لەیلا لە ساڵی ١٩٧١دا لە بەشی کۆمەڵناسی، کۆلێژی ئادابی زانکۆی بەغدا وەرگیراوە. ئەوکە هەر لە تەمەنی منداڵییەوە هەژاری و نەداری چێشتبوو و لە لایەکیش زوڵم و زۆرداری ڕژێمی داگیرکەری عێراقی لە سەر گەلی کورد هەست پێکردبوو بیری ئازادیخوازانە و خەبات و تێکۆشانی لە لای دروست بوو.

لەیلا هەر زوو ش ئاشنایەتی لەگەڵ بزووتنەوە و ڕێکخستنەکانی ئەتەوەکەی‌دا پەیدا کردبوو. ساڵی ١٩٧٠ لە ڕێگای سەلام قاسمی برا گەورەکەیەوە پێوەندی بە بزاڤی سیاسی ئەتەوەکەیەوە کردووە و لە نێو ڕیزەکانی "یەکێتی قوتابیانی کوردستان" خەبات و تێکۆشانی بەڕێوە بردووە. لەیلا لە نێو قوتابییە کوردەکانی زانکۆی بەغدا ڕۆڵێکی کاریگەری هەبووە لە وشیار کردنەوە و ڕێکخستنیان. لەیلا قاسم لەگەڵ یەکێک لە هاوڕێکانی خۆی بە ناوی جەواد هەمەوەندی کە بە یەکەوە خەبات و چالاکییان دەکرد، زۆر یەکتریان خۆش دەویست. ئەگەرچی لەیلا خوێندکاری زانکۆ و جەوادیش کرێکاری یەکێک لە کارگەکانی بەغدا بوو، وەلێ خۆشەویستییەکی بێ‌سنوورییان لە نێوان‌دا هەبوو. لەیلا هەر بە ڕێگەی جەوادیشەوە بۆ ماوەیەک لە ناوچەکانی باشووری کوردستان چووە نێو ڕیزەکانی پێشمەرگەوە. ئامانجی لەیلا قاسم لەمەدا زیاتر ناسینی ڕەوشی سیاسی کورد و بە شێوەیەکی باشتر بەرێوە بردنی خەباتی ڕێکخستن بوو لە نێو شارەکان‌دا.

لە سەرەتای ساڵەکانی ١٩٧٠ کە گەلی کورد لە باشووری کوردستان بە قۆناغێکی هەستیاردا تێپەڕ دەبوو، لەیلا قاسم و جەواد و هاوڕێکانیان سەرباری نکۆڵی کردنی ڕژێمی داگیرکەری بەعس لە هەبوونی گەلی کورد، سوور بوون لە خەبات و تێکۆشان بۆ بە دەست هێنانی مافەکانی گەلەکەیان. هەروەها ئەوان لە سەرەتای ساڵی ١٩٧٤ بە یەکەوە لێکۆڵینەوەیەکی زانستییان لە سەر کۆمەڵگەی کورد ئەنجام دابوو و لە دەرفەتێک دەگەڕان کە بڵاوی بکەنەوە. بەڵام بە هۆی تێکچوونی گفتوگۆکانی نێوان سەرکردایەتی کورد و ڕژێمی عێراق و دەست پێکردنەوەی شەڕ و پاشانیش بە هۆی گیرانی لەیلا قاسم و جەواد و هاوڕێکانی تریان دەستنووسی لێکۆڵینەوەکەشیان لە لایەن سیخوڕەکانی حکومەتی عێراقەوە لەناو بردرابوو.

لە ئاداری ١٩٧٤دا دوای دەست پێکردنەوەی شەڕ و هێرش کردنەوەی ڕژێمی عێراق بۆ سەر ناوچەکانی کوردستان، ڕژێمی داگیرکەر دەستی کرد بە کۆچبەر کردنی هەزاران کورد و بۆردومان کردنی هەردوو شاری قەلادزێ و هەڵەبجە و ڕاوەدوونان و گرتنی ڕۆشنبیران و قوتابیان و ئازادیخوازانی کورد. هەر لەو کاتەدا هەزاران کەسیش لە تاکەکانی کۆمەڵ بۆ بەرگری کردن لە مافی نەتەوەکەیان ڕوویان لە شاخەکان کرد و چەکی پێشمەرگەیان هەڵگرت. لەو کاتەدا لەیلا قاسم و جەواد هەمەوەندی و ئەریمان فوئاد و هەندێک لە هاوڕێکانی تریان پێیان وا بوو خەبات کردن تەنیا لە شاخ بەس نییە، بەڵکوو خەبات و تێکۆشان لە شارەکان‌دا و لە نێو جەرگەی دوژمن‌دا پێویستییەکی زۆر گرنگی ئەم قۆناغەیە، بۆیە ڕوویان نەکردە شاخەکان و لە بەغدای پایتەختی عێراق بۆ درێژەدانی خەبات و تێکۆشان مانەوە.

لەگەڵ بەرفراوان بوونی شەڕەکان لە ساڵی ١٩٧٤دا، دەزگا هەواڵگریەکانی ڕژێمی بەعسی عێراق بەردەوام و زۆر بە توندی چاودێری یەک بە یەکی تاکەکانی کوردییان دەکرد. بۆیە ئەوەندەی نەبرد لە ڕۆژی ٢٨/٤/١٩٧٤دا لەیلا قاسم و چوار لە هاوڕێکانی (جەواد هەمەوەندی، ئەریمان فوئاد مەستی، حەسەن حەمەڕەشید و ئازاد سلێمان میران) لە ئەنجامی هەڵمەتێکی بەرفراوانی هێزەکانی ئاسایش و سەربازی ڕژێم لە بەغدا دەستگیر کران. ڕۆژنامەی "البورە"ی زمانحاڵی ڕژێمی بەعسی دەسەڵاتدار و ڕادیۆ و تلویزیۆنی نێوخۆیی عێراق، لەیلا قاسم و هاوڕێکانی وەک تێکدەر و گێڕەشێوێن و تێرۆریست بەناو کرد، بەڵام لەگەڵ هەموو ئازار و ئەشکەنجەیەکیشیان بچووکترین کردەوەشیان لە سەر ئاشکرا نەبوو.

لەیلا قاسم کچێکی چاونەترس و زیرەک بوو، لەڕووی وەڵامی پرسیارەکانی بەڕێوەبەری دەزگای هەواڵگری بەعس‌دا بێ‌باکانە ڕایگەیاندبوو: "بە گوشتنی من هەزاران کورد لە خەوی نەزانی وشیار دەبنەوە، زۆر خۆشحاڵ و سەربەرزم کە گیانم فیدای ڕێی ڕزگاری کوردستان دەکەم." هەموو ئازار و ئەشکەنجەیەک نەیتوانی بیرباری پەشیمانی بە لەیلا دەربێنێت. ڕژێمی بەعسی عێراق بە مەبەستی چاوترسانندنی لاوان و قوتابیان و جینی ڕۆشنبیری کورد بەکسەر دوای دەستگیر کردنیان دادگایەکی نادادوەرانەی دژ بە لەیلا قاسم و هاوڕێکانی بەڕێوە برد و بیرباری لە سێدارەدانیانی بۆ دەرکرد.

١٦ ←

شمارە ٢٨ ـ شەمە ٣٠ ئاردیبەهشت ١٣٨٥ ـ ٢٢ ربیع‌الثانی ١٤٢٧ ـ ٢٠ مە ٢٠٠٦

ناوچەی کەلهور و کەلتوورێکی دێرین و ڕەسەن

یەحیا سەمەدی

ئەتەوەی کورد وەکوو هەموو نەتەوەیەکی زیندووی سەر ڕووی زەمین خاوەنی کەلەپوورێکی نەتەوایەتی و ئەدەبێکی فۆلکلۆری دەوڵەمەندی هەیە و خاوەن گۆرانی و مۆسیقا و ئاواز و مەقام و فۆلکلۆر و ڕیتم و شایی و هەڵپەڕکێی تایبەت بە خۆیەتی. ئاشکرایە کلتووری هەر نەتەوەیەک، خاوەن تایبەتمەندی خۆیەتی، ئەو تایبەتمەندییە ناسنامەیەتی و پێکهاتەی بنەمای شێوازی ژیانی ئەم نەتەوەیەیە.

ناوچەی کرماشان ناوچەیەکی زۆر دێرینە و بەشێکە لە وڵاتی گەورەی کوردستان کە زۆربەی زۆری دانیشتووانی بریتین لە نەتەوەی کورد و هۆزۆ گەورەکانی کوردەواری. ئەم ناوچەیە خاوەن کەلتوور و دابونەریت و کەلەپوورێکی کۆن و ڕەسەنە و زاراوەی کەلهوری پەکێکە لە زاراوە ڕەسەن و سەرەکییەکانی زمانی کوردی و وەک چۆن ئەزانین کە هۆزەش لەو سەروودە و گۆرانییە کۆنانەی کوردە کە لە ناوچەی کرماشان و ئیلام و هەروەها لۆڕستاندا ڕیشەی بووە و لایەنگریشی زۆرە و بەڵگەیەکی ڕەوایە بۆ سەلماندنی کۆن بوونی فەرهەنگ و دەوڵەمەندی فۆلکلۆری ڕەسەنی ئەم ناوچەیە.

کورد شوناسێکە پڕاوپڕ لە شەرافەت و پیاوەتی و مرۆڤدۆستی و دڵسۆزی و هەروەها دەوڵەمەندە لە کەلەپوور و کەلتوور و دابونەریت و پەندی پێشینیان و مەتەڵ و قسەی نەسەق کە لە بابیران بەرەکانی ڕابردووەوە پێی گەیشتووە. بەڵام هەندێ کێشە و گرفت لە هەمبەر گەشە سەندنی ئەم فەرهەنگەدا هەیە، یا ئەوەی هەندێ بیرتەسک هەن کە دەیانهەوێ ناسنامەی کوردی و هەروەها دەسکەوتە گەورەکانی نەتەوەی کورد بیرنەوە، دەبێ بزانن ئەم ناسنامە ئەوەندە بە هێزە و وەها ڕیشەی داکوتاوە کە تێکناچێ و ناکوژێتەوە، ئەم کەلەپوورە مەزنە ناسنامەی نەتەوایەتی کوردە و هەر لە دێرینەوە پشتاوپشت بۆی ماوەتەوە.

ئەوەی شیاوی باسە و دەبێ ئامارەی پێبکەین کە فەرهەنگ و زمانی کوردی بنەما و ئەساسی فەرهەنگ و زمانی ئێرانییە، لە سەرەتیشدا کەلی کورد ڕەسەنترین و کۆنترین نەتەوەی ئێرانییە، بەڵام بە داخەوە لە هەندێ شوێنی کوردەواریدا و بە تایبەت لە ناوچەی کرماشاندا زمانی کوردی و سەرتریش زاراوەی کەلهوری خەریکە لە یاد ئەچێ و منداڵەکان و لاوەکانی ئێمەی کورد بە زمانی فارسی قسە دەکەن. دیارە زمانی فارسی بۆخۆی زمانێکی جوان و کۆن و دەوڵەمەندە و ئێمە لەگەڵ ڕێز و حورمەت بۆ ئەم زمانە وەک زمانێکی ئێرانی و ڕەسمی، نابێ ئەو ڕووداوە تاڵە کە لە سەرەوە ئامازەم پێکرد لە بەرچاو نەگرین و دەبێ بۆ نەفەوتان و لە یاد نەچوون وەهەروەها زیندووڕاگری و خزمەتی باشتر بە زمان و فەرهەنگی کورد و بە تایبەت زاراوەی کەلهوری لە هیچ هەوڵێن دریغی نەکەین و بۆوەستان و بە دڵسۆزییەوە تێبکۆشین. زاراوەی کەلهوری پەکێکە لە زاراوە ڕەسەن و سەرەکییەکانی زمانی کوردی و دەبێ بە هەموو شێوەیەک بەرگری لە تێداچوونی ئەم زاراوە بکەین و هەوڵ بدەین بەرهەمی جۆراوجۆری پێبنووسرێ و دابونەریت و مەتەڵ و بەیتی فۆلکلۆر و پەندی پێشینیان و قسەی نەسەق و هەروەها کەلەپووری ئەم قەدیمە پڕبایەخ و گرانبەهایە کۆ بکەینەوە و نەهێڵین بکەوێتە بەر فەرامۆشی و تێداچوون.

بەیت وەک گرینگترین بەشی ئەدەبی زارەکی کاریگەرییەکی زۆر لە سەر دڵ و دەروونی مرۆڤی کورد دادەنێ.

بەیت فەلسەفەی ژیان و بیرێکی جوانە کە لە نێو بواردا وەکوو خۆشەویستی و سکاڵا و... لە دڵێکی بەستۆزەوە هەڵقوڵاوە و سینگاوسینگ گەیشتۆتە ئێمە و لە دڵی کۆمەڵدا کاریگەر بووە و چێژی تایبەتی بە مرۆڤی کورد بەخشیوە و بۆتە هۆی پارلو کردنی فەرهەنگ و ئەدەب و زمان و مێژووی گەلی کورد. هەر ناوچەیەکی کوردەواری بەیتی فۆلکلۆری تایبەت بە خۆی هەیە، هەرچەند هەمووشی هەر مولکی کوردە، بەڵام قەزاراوەیی لە ناو کورددا بۆتە هۆی دەوڵەمەندی زمان و فۆلکلۆرەکەی، بەکێک لەمانە بەیتی فۆلکلۆری ناوچەی کەلهورە. بەیتەکانی فۆلکلۆری کەلهوری (کرماشانی) لێوڕێژن لە جوانی و شەیدایی و ڕەمز و ڕازی ژیان و... کە ماق مانەوەیان لە فەرهەنگی مرۆڤدا و بە تایبەتی لە فەرهەنگی کورددا هەیە و دەبێ لەبەرچاویان بگرین و بەردەوام دەقەکانیان کۆ بکرێنەوە و بنووسرێن و کەلکیان لێوەرگیرێ و لە فەرتان ڕزگاریان بکەین. بەیتی فۆلکلۆریک لەخۆگری هەندێ بەیامی ئینسانی و خۆشەویستی و ئەنانەت فەلسەفیشە کە لە باب و باپیرانمانەوە پێمان گەیشتووە. زۆر کەڵەوونەرمەند و مامۆستای گەورەی کورد سۆز و هەوێنی ناسەوار و بەرهەمەکانیان (لە بەشە جیاجیاکانی مونەرو ئەدەبدا) لە هەناسە و سۆزی دەروونی کۆمەڵ و فۆلکلۆرەوە وەرگرتووە و بەپێی فۆلکلۆرەکان لە تێبەرهەمەکانیاندا ڕەنگی داوەتەوە، بەیتی فۆلکلۆری کرماشانی یەکێک لەوانەیە.

ژنی کەلهور

دیارە لە داهاتوویەکی نزیکدا ئامێزەیەکی ڕوون بۆ فەرهەنگ و ئەدەبی پێشکۆداری ئەم ناوچەیە چاوەڕوان دەکرێ و ئەم ئەرکە قورس و گرنگەش کەوتۆتە سەرشان و ئەستۆی بەرەی نوێ و بە تایبەت نووسەران و ڕۆژنامەوانی کورد و کەلهوری زمان و ئەوانەی بۆ زمان و فەرهەنگی کورد و هەروەها ناوچەی کرماشان هەوڵ دەدەن. بەو میرایە ئەم ڕێگایە پڕبێ لە بەرهەمی جوان و دەستەگوڵی ڕەنگاوڕەنگ، بۆ بەڵگەی ڕەوا و وەک دیاری و هەروەها خۆشەویستی و لەبەرچاو گرتن و کەلک وەرگرتن چەند نموونەیەک لە بەیتی فۆلکلۆری ئەم ناوچەیە دەخەمە بەرچاو. ئەمەش بەشێک لە بەیتەکان:

هی داد هی بیداد، ئالوودەی دەردم/کەلاوەنشین بیاوانگەردم. هی داد هی بیداد، کەس دیار نییە/کەس وە دەرد کەس، خەوەردار نییە. بیل تا لیم شەوبات، شەوەلەلیم خاسە/دوشمەن نەزانێت بەرگم پلاسە. وە قورئان قەسەم، وە هەر چی پیرە/مەیلت چوو قولاو، وە جەرگم گیرە. ئەگەر مەیلەکەت فەرامۆشم بوت/سفیدی کەفەن، بالاپۆشم بوت. خال لێویەکی، خال مل دوان/ خال ناو سینەت، سەرلەلیم شیوان. کور بوت ئەو دیدە، تو نیشانم دا/ئانی بەدبەختی وە داوانم نا. قامەتم لە ژێر بار خەم چەمی/ مردن بێترە لە هاوسەر کەمی. جفتێ چاو دیری، چو پیالەی چینی/وە قەسرەو خەیتەی خانەقین بینی. مەر من چەوتم، تو چ شنەفتی/وە قسەی ناکەس. لەلیم دوور کەفتی. خوم کرماشانی فارسی نیەزانم/وە زوان کوردی قەزات وە گیانم. هەنارێک هاتییە وە لای دووسەوە/نوشم بخوەمەی هەر وە پووسەوە. کاشکای سەنگی بام، شەو لە سەرینت/گوش بیبینم کزەی نالەی دەروونت. خودا بسینت هەقم لە دایەت/خوم جەورت کیشام، کی نیشتە سایەت. من ئیوشم تانی، تو بیوش کاکە/تا مەردم بیوشن. کاریان چەباکە. شەرت بوو لە داخت هەرگیز نەخەنم/بەرگ نازیەتی لەوەر نەکەنم. هەرچی پیت وتم، قسەم نەشنەفتی/خەیلی خوەشم هات، وەی ڕۆژە کەفتی. یە چەکوسم کەفت، چو زەنگم زریا/دەسم لە داوان دووسەکەم بڕیا. خودای بانی سەر، زۆردار بکەی کور/ دووسم ناشی بوو، بردنەی وە زوور. نیمشەو چەن شەوە نەتیتە خەوم/لە کی توربایتە بینایی چەوم. ئەر مەیلت نییە، تا دڵنیا بووم/کەم دەس وە دامان، شیخ و مەلا بووم. تو خوەت گوڵێکی، گوڵ نەڕای چەتە/وە نیش بڕژانگ، تیرەنازی کەی. کەم بی، کەم بچوو، کەم دە زەحمەتم/هەم دینم سزیا، هەم قیامەتم. هەر کەس بیرسێ ناو و نیشانم/من بەدبەختەکەی ناو کرماشانم.

سەرچاوەکان لە دەفتەری حەفتەنامە پارێزراون.

دۆز و کێشەی کوردستان

(٤)

دوکتۆر کامران بەدرخان

وەرگێڕ: نەحمەد شەریفی

کوردەکانیش وەکوو هەموو تاەمیزادێک خووخدەی یاش و پەسەند و خراپیان هەیە. بە پێی سروشت و میزاج، کورد تا ڕادەیەک لا و لەجووج و بێبەرنامەیە، زۆریش ڕۆئەستووە. دابونەریتی دژوار، وای لە کورد کردووە کە تۆڵە بە ئەرکێکی پیرۆز بزانێ و لێبوردن و بەخشینی پێ شوورەیی بێ، ئەمەش لەیاری ئەخلاقییەوە پەسند نییە.

دین و ئایینزا

جگە لە مەسیحییەکان و تاقمێکی گچکە، کە هێشتا ڕەچەڵەکی کۆنی ئایینی زەرتەشتییان پاراستووە (یەزدییەکان)، دەنا، کورد بە گشتی، هەموویان موسڵمانن و زۆربەی هەرەزۆریشیان سوننین، بەڵام دەمارگرتین.

بنەمای مرۆڤایەتی کە لە کۆنەباوەری زەرتەشت هەڵدەقوڵێ، هێشتا لە ناو کوردان‌دا ماوەتەوە و لە کار و کردارییان‌دا بەدی‌دەکرێ. کوردەکان، چ موسڵمان و چ مەسیحی و چ یەزیدی هەرچی هەبن، گرینگێکی ئەوتۆ بە دین و ئایینیان نادەن. نوێنەرانی ئەم سێ ئایینزایە، لە ناو زۆربەی خێڵاتی جۆراوجۆردا پێکەوە زۆر بە باشی دەژین. سەرەڕای ئەوەش دەبێ بە بیر بێنمەوە کە ڕێبەر و پێشەوای هەر سێ ئایینزاکە، لە لای خەڵکییەوە، ڕێزیان لێدەگیرێ و بە حورمەتەوە سەیریان دەکرێ. ڕەنگە هۆیەکەشی ئەوە بێ کە باوەڕمەندان، ئەرک و کرداری ئایینی خۆیان بەجێ نامێنن و هیوادارن کە بە هۆی سرنج ڕاکێشانی سەرۆکانی ئایینەکانەوە لەم دنیایەدا، ئەوانیش لە پەسڵان و دنیای دی لایەنگرییان لێبکەن.

زۆربەی ئەم پێشەوا ئایینییانە، لە بنەماڵەگەلێکی دیاردە وەکەمن، کە بە پێگە پلەی ڕێبەرایەتییان پێدەگات. زۆربەی ئەم ڕێبەر و پێشەوایانە، چ موسڵمان و چ یەزیدی، لە دەسەڵاتی ئایینی خۆیان، بۆ کاروباری سیاسی و ڕامیاریش کەڵک وەردەگرن.

زمان و ئەدەبیات

زمانی کوردی سەر بە دەستەی گرووپی زمانە ئێرانییەکانە. هەر لەم بابەتەشەوەیە کە خزمایەتی و نزیکایەتی لەگەڵ زمانی فارسی‌دا هەیە. کوردی بریتییە، لە سێ زاراوەی سەرەکی. یەکیان کرمانجییە کە لە باکوور و ڕۆژئاوادا قسەی پێدەکرێ. ئەوی تر باشوورییە، کە بە ڕاهات بێی دەوترێ سۆرانی یان بابانی و لە ناوچەی سلێمانی لە بەڵێندایە و زاراوەی سێیەم دومليیە یان زازایی‌یە، کە زاراوەی ڕۆژهەڵات و لە دەڤەری خەرپووت و بیرجیک و بەشێ لە سیلوان‌دا قسەی پێدەکرێ.

جیاوازی ئەو سێ زاراوەیە، لە هەندێ تایبەتمەندی سەرف و نەحو و وشەدایە. لە زەمانی ئێستادا، گۆڤار و ڕۆژنامەگەلێ هەن، کە بۆ یەکگرتنی زمانی کوردی سەخت دەخەبێن و دەکۆشن.

هەر ئێستا چوار ڕۆژنامەی کوردی لە سووریا دەوەشێن (بە زاراوەی کرمانجی و پیتی لاتین). سێ بڵاوکۆکە لە عێراق‌دا هەن بە زاراوەی سۆرانی و پیتی عەرەبی دەوەشێن. هەروەها یەکێک لە یەکێتی سۆڤییەت و یەکی تریش لە ئێران‌دا هەیە کە هەر دوو بە پیتی لاتین بڵاو دەبنەوە. ((پێم وایە شادرەوان ئەمیر کامەران بەدرخان)، لێرەدا سەهوی کردووە، چونکە لە ساڵی ١٩٤٥دا هیچ ڕۆژنامە و گۆڤارێک بە پیتی لاتین لە کوردستانی ئێران‌دا نەوەشاوە، تەنیا گۆڤارێکی کە ئەوکات هەبووە "نیشتمان" بووە، کە ئەویش بە پیتی عەرەبی وەشاوە. وەرگێڕ)) تویژینەوە لە سەرچاند و ئەدەبیاتی سینگاوسینگ و نەنووسراوی کوردی زۆر باو و سرنجڕاکێشە. ئەم پشکەی ئەدەبی کورد، لە چاندی تۆڕی نووسراوی کوردی زۆر دەوڵەمەندترە. دەشێ ساڵگەلێکی زۆری وەخت لە بۆ تەرخان بکرێ، هەتا گشت شاکارەکانی گردوکۆ کرێ و لە بنووسرێتەوە.

داستان و سەرگوزشتە و گۆرانی ئاشقانە و ئەفیندارى، سترانێن جەنگی و ڕەزمی، شێعر و هۆزان، سەما و هەڵپەڕکێ و چۆپی پڕ جووجۆڵ بەشێکن لە شتوومەکەی ئەدەبیاتی زارەکی کوردی. ئێستا ئەدەبیات و چاندی کوردی گەیشتۆتە قۆناغێکی نوێ، کە فرەتر لە ئاکام و بەرژەوەندی کۆشەرانەی گۆڤار و چاپەمەنی کوردی پێکهاتووە، کەم کەم لە بەرەوە، شێوەگەلی نوێی ئەدەبی وەک وتار نووسین و داستان هاتوونەتە ئاراوە. بەڵام بە هۆی ئەبوون و کەم بوونی چاپەمەنییەوە کەمتر دەوەشێن. نووسەرانی کورد زێدەتر دەکۆشن شوێنەواریان هاوگاو لەگەڵ بیر و فکری کۆمەڵانی هەراوی خەڵکدا ببزوێ.

مێژووی کوردستان

بەیدا بوونی کوردگەل لە ڕۆژهەڵات‌دا بێگومان، هاوکات لەگەڵ کۆچی خێڵاتی تری ئێرانی وانە، دەوروبەری دوو هەزار ساڵ پێش زایین‌دا ڕووی داوە. دەساوێزگەلی باستانی لەم بوارەدا زانیارێکی ئەوتۆیان تێدا نییە. تەنیا دەگوترێ کە لە یەکێک لە کەتیبەکانی سۆمێری‌دا، کە یەیوەندی بە دوو هەزار ساڵ بەر لە زایینەوە هەیە ئاماژەیەک کراوە.

خۆدۆڕاندن، سەربەرزی یا سەروخواری

سوهەیل قادری

وەرگێڕ: وەهاب دووستی دوکوشکانی

ڕەگەزیە ڕەستی و نەتەوەخوازی تۆزێتۆز و هەر ڕیوەی چشتێکی مەردوود و لە ناو خەڵک هەواخوا ئێرێد، بەڵام پاراستن و کەلتوور بنچینەدار و ئادابی ڕسووم گشت پەسەن و نەقەڵا ئەرا بەڵاوکردن و سقام گردن ئەوە وجی خوەی کار فەرە خاسێگە. نەتەوەی کورد لە هەرکات و شوێنێک و لە هەر ڕێوەیگا بایەد بنچینەی کوومەڵگای خوەی بپارێزێ.

من لە سووکی لە ئی کوردستانە و لە شار کرماشان وەل خوەم و هاوڵاتیەیلم و هەرکوردی قسە کەم. لە ناوێ دوو دەهە ژیان لە ناو ئی شارە، شاهد و کیسچین کەلتووری کوردی بوومە، کێ ئەنیا لە بڕنگ لە لیان ئامازە کەم.

لەوەر کردن دلنگ کوردی لەئی شار کوردسانە هاویاز وەل چەو پێس نوور سێتە، ئەر وەل ئی دلنگەیلە و ئدارات دەوڵەتی بچین لە لا کارمەندەیل ئەو شارە کێ گشتیان کورد فارسی ئووشێن و دلنگ ڕەسمی وڵاتەگە ها لە وەریان کارەیل ئداری ئووە وەل سەنگە سەنگ کەفیدەڕێ. ئەر وەل دلنگ کوردی و شقام و پارک و سینما بچین لە لای خەڵک وە فەرە کەس خودی ترو چەو پێس و پیدان نووڕن و ئەو قوربە ئەرا کەسێ کێ فارسی ئووشێ ئەرا ئووە نیەئەن. ئەر دلنگ ڕەسمی لەوەر بکەید بەڵام هەمیش کوردی قسە بکەید، لە هەر شووێنگ لە ئی شار کوردستانە بوود هەمیش باردووخەگە هووج نییە گووریەید.

بڕ فەرەنگ لە باوگ و دالگەیل وەل مناڵەیلیان فارسی ئووشێن و ئی زوانە و ئونوان زوان دالگی لە مناڵەیل خوەیان نیشان دەن، وە ئەر بڕنگ و بنچینەی خوەیان پا بیەنە گەزو لە گەردێ مناڵەگانیان کوردی قینسە بکەن لە لا کەس و کار خوەیان کەمفام نیشان دریەن. ناوگیر کردن مناڵەیل و ناوەیل ئەرەبی و فارسی فەرە لە ناو خەڵک جێ کەفتیە و مایەی سەربەرزییە. مناڵەیل ئی بەرەی هاوجەرخە نیەچنە زۆر بارەکێ وەل باوگ و دالگەیلیان و کەس و کار خوەیان کێ دلنگ کوردی هاوەریان لە شقام و بازار کوردی قسە بکەن، وە فەرە جاریش تەقیاس کێ وەتوێژ باوگ و دالگەیل وەل مناڵەیلیان و دوو زوان فارسی و کوردی بوو. وە راسی هەق ها دەس کامیان؟! فارسی وەتەن و فارسی‌زەدکی نە تەنیا و شار کرماشان سووکەلە نیەوە، ئی قسێرانە کوومەڵەمنە وە داخەو لە شارەیل و تەنانەت ئاوایەیل ئی ئوستانە (بنچگە کوردەیل ئەهل سوننەت) مایەی سەربەرزیە: کوردەگان ئەهل سوننەت لە لا کوردەگان شیە ئوستان کێ وە بێن جاف ئووشن فەرە بێ‌حرمەتێ و پێان کریەید و ئەو جوورە کێ وە چەوتیەید کوردەیل سوننی و شیە خوەیان لە دوو ئەتەوەی جیاواز زانێن. لە ئی شار گەڕای کوردستانە گشت وەل یەک فارسی ئووشن ئەوەشێ چێ فارسی وەتنن کێ هەر لە دوور هاوار کەید ئەوە کێ فارسی ئووشید لە کام ئێڵ و تایفەس. وەیژان فەرە گەڕایکە کێ هەمیش ژێر بار هوویەت بنچینەدار خوەمان نییە چیمن. بەشێک و شار کێ دەسیان چوود و گشتی هوویەت خوەیان گووڕانتە و نیشانەیل کوردی و خوەیان ڕانیە و لە بەش یافەرەنگ ئی شارە ناسریاین. بەڵام شارەکەیل پەڕ شار ماها جرەیل سەرتای شوورش ئێران و بنچینەی فەرهەنگی خوەیان لە کیس نیانە و فەرهەنگیان هێمان کوردیانەی مە نییە و لە تەنگی و سەربەن و بەش مەردتم دواکەفتن دیارین. باوەر بکەن شەوال کوردی لە ئی سووک و کوردستانە تەنیا تایبەت نەڕا کات خەفتنە. زووان کوردیش شایەد لە ناو مال و کاری بووەن. ڕاسی ئەر کوردەیل و قسەی دووس و دوژمەن ڕەسەنترین نەتەوەی ئێرانی هەن و ئەر کەلتووری کوردی بنچینە لەمێژو کووەنەی ئێران ئێرێد، ئەر کوردەیل لە دریژای مێژوو پارێزانە نیشتمان ئێران و ئەر لە دریژای شورش ئێران ڕۆڵ فەرەگەڕایگ لە پیروزی و پاراستن ئینقلاب داشتنە، ئەنوو ئەڕا وەل ئی نەتەوە و کەلتوور جوورنگ ڕەفتار کەن کێ پاشانەوەیە بوود.

ئەما بایەمە دیار خوەمان (کوردگان ناو کرماشان) بەرزەیل دانیشتوو لە کرماشان دەسڵاتدارەیل چەو نیمە دانە کێ گێج شتمان یانی هوویەت و کەلتوورمان وەلیمان سەنە؟ تایا ئی پێمانە خراوترە گشت پێمانەیل دریژای مێژوو نییە؟ شەک نێرم کێ ئی پێمانە تا سەر نییە کات کولەئی داورینە و سەر تیەید و ڕووێگ تیەتە کێ مەر دێزمای هەڵامات بەر نیشتمان نیمە شوون بڕێ چوود. بەڵام بایە بزانیم کێ خسار داورین ئی مەر دێزما ئەڕا گلە گلە دانیشتووەیل و خاوەیل ئی دیارە و فێشتر ئەڕا بەرەیل بانانمان مال ڕمنە. سەرەیی ئەتەوە لە دریژایی چەن ڕۆژ و چەن ساڵ وەل گشت دارایی خوەی ساز کریەید کێ یەی شەوە لە کیسی بیەید، دلنیام کێ هووج کات لێوا نییە ود کێ بڕنگ تووەن.

شمارە ٢٨ ـ شنبە ٣٠ اردیبهشت ١٣٨٥ ـ ٢٢ ربیع‌الثانی ١٤٢٧ ـ ٢٠ مە ٢٠٠٦

حکومەتی سووریا عەدنان بەشیر نووسەری کوردی زیندانی کرد

سیروان نیوز: حەوتووی ڕابردوو دادگای بەرایی تاوان لە قەزای "دێرک" لە سووریا، بە هۆی بەشداری کردنی لە فێستیوالێکی ڕۆشنبیری لە ساڵی ڕابردوودا لە شاری دهۆک حوکمی بۆ ماوەی یەک مانگ بەند کردنی بۆ "عەدنان بەشیر" نووسەری کورد و فەرمانبەر لە بەڕێوبەرایەتی پەروەردەی حەسەکە دەرکرد.

بە پێی هەواڵی ماڵپەڕی "عفرین نێت" دوای ئەوەی ناوبراو بە داوەتێکی ڕەسمی لە لایەن "حەسەن سلێڤانی" سەرۆکی لقی دهۆکی یەکێتی نووسەران بە بۆنەی ٣٤ ساڵ تێپەڕ بوون بە سەر دامەزراندنی یەکێتییەکەیان سەردانی شاری دهۆکی کردبوو، دوای گەڕانەوەی بۆ سووریا لە لایەن دەزگاکانی ئاسایش دەستگیر کراوە و بە تۆمەتی ئەوەی لە باسبۆرتەکەی‌دا ناوی پیشەکەی گۆڕیوە.

هەروەها ناوبراو لە لایەن دەزگا ئەمنییەکانی سووریا ئازار و ئەشکەنجە دراوە و لە فەرمانگەکەی مووچەی ئەو ماوەیەی کە وڵاتی بە جێ هێشتبوو لێی براوە.

بە پێی هەواڵی ماڵپەڕی ناوبراو "عەدنان بەشیر" لە هەوڵێر و دهۆک کە هەندێ جاوپێکەوتنی ڕۆژنامەوانی لەگەڵ هەندێ لە دەزگاکانی ڕاگەیاندن کردبوو، داوای کردبوو هەموو ئەو ئاستەنگانەی لە سووریا لە سەر ڕەزامەندی کوردی هەیە لابەرێت و ڕێگە بە بڵاو کردنەوەی ڕاگەیاندنی کوردی و ڕۆشنبیری و فێر کردن بە کوردی بە شێوەیەکی ئاشکرا و ڕێگاپێدراو بدرێ.

بۆ دەسگیر کردنی خەددام، سووریا یاداشتێک دەداتە بۆلیسی نێودەوڵەتی

PNA: بارێزەر حوسامەددین حەبەش، ڕایگەیاندووە کە دادگای سووریا، لە ڕێگەی لقی دەمێشقی پۆلیسی نێودەوڵەتی (ئینتەرپۆل) یاداشتێکی لە ڕێگەی فاکسەوە بۆ هاوتا فەرانسەوییەکەی ناردووە بە مەبەستی دەسگیر کردنی عەبدولحەلیم خەددام جێگری پێشووی سەرۆکی کۆماری سووریا و هێنانی بۆ بەردەم دادگای سووریا.

حەبەش بە ئاژانسی فرانس‌پرێسی ڕاگەیاندووە کە پۆلیسی نێودەوڵەتی لە سووریا فاکسێکی بۆ پۆلیسی نێودەوڵەتی لە پاریس ناردووە و داوای لێکردوون کە خەددام دەسگیر بکەن و بیهێننە بەردەم دادگای سووریا، ئەمەش دوای ئەوەی داواکارییەکەی دادگای سووریای لە مانگی ڕابردوو ڕەت کردەوە بۆ ئامادە بوونی لە بەردەم دادگای سووریا. حەبەش ئەوەشی ڕاگەیاند کە پاریس پایتەختی دێرینی ئورووپایە و شوێنێکی گونجاو نییە بۆ کەسانی لە چەشنی خەددام و نموونەی وەکوو ئەو.

عەبدولحەلیم خەددام ئێستا لە دەرەوەی سووریا لە فەرانسە دەژی و لە لایەن وڵاتەکەشی بە خیانەتکاری گەورە و گەندەڵی تاوانبار کراوە.

وەفدێکی کوردی سووریا لەگەڵ نوێنەرانی پارلەمانی ئورووپا کۆ بۆوە

PNA: وەفدێکی کوردی سووریا کە لە چەند ئەندامێکی پارتی یەکێتی کورد لە سووریا و سەنتەری ڕاگەیاندنی کوردی لە سووریا پێکهاتبوو، لە تالاری پارلەمانی ئورووپا لە بێلژیک کۆبوونەوەیەکی ڕەسمی ئەنجام دا لەگەڵ چەند ئەندامێکی لیژنەی کاروباری دەرەوە لە پارلەمانی ئورووپا.

کۆبوونەوەکە کە نزیکەی سەعاتێکی خایاند، تێیدا وەفدە کوردییەکە لەگەڵ وەفدەکەی پارلەمانی ئورووپا چەند خاڵێکیان تاوتێ کرد کە گرنگی بۆ ڕۆژەڵاتی ناوەڕاست بە گشتی و کێشەی کورد لە سووریا بە تایبەتی هەیە.

گرنگترین ئەو خاڵانەی کە باسیان لێوەکرا بریتی بوون لە بارودۆخی سیستمی سووریا لە سایەی گۆڕانکارییە بەرچاوەکان لە ڕۆژەڵاتی ناوەڕاست و فشار خستنە سەری بۆ ئەوەی ڕێز لە ڕێککەوتنە نێودەوڵەتییەکان بگیرێت لە بارەی ماف مرۆڤ، هەروەها گرنگی‌دانی نێودەوڵەتی بە کێشەی کورد لە سووریا، سەرەڕای داوا کردنی پێکهێنانی لێژنەیەک بۆ لێکۆڵینەوە لە تیرۆر کردنی بلیمەتی کورد "شێخ مەعشووق خەزنەوی" کە لە لایەن دەزگاکانی ڕژێمی سووریاوە تیرۆر کرا.

سەرەڕای ئەو خاڵانە، وەفدە کوردییەکە داوای لە نوێنەرانی پارلەمانی ئورووپا کرد لە پێناو بە دیموکراتی کردنی سووریا، ڕۆڵێکی کاریگەرتر لە وڵاتەدا بگێڕن.

لە کۆتاییش‌دا وەفدە کوردییەکە دۆسیەیەکی دایە دەست نوێنەرەکانی پەرلەمانی ئورووپا کە لە ٥٠ لاپەڕ پێکهاتبوو و داواکارییەکانی گەلی کوردی سووریای لەخۆگرتبوو، هەروەها چەند پێشنیارێکی تێدابوو بۆ کاریگەرتر کردنی ڕۆڵی وڵاتانی ئورووپایی لە سووریا.

سەندیکای ڕۆژنامەنووسانی کوردستان لە تاران

ئامادە کردنی: ئازاد قادری

لە سەر بانگێشتنی ئەنجومەنی سینفی ڕۆژنامەوانانی ئێران لە ڕۆژی ٣٠ی گوڵانی ساڵی ٢٠٠٦ی زایینی شاندێکی سەندیکای ڕۆژنامەنووسانی کوردستانی عێراق بەرەو وڵاتی کۆماری ئیسلامی ئێران وە ڕێ کەوتن. شاندەکە بریتی بوون لە: بەڕێزان فەرهاد عەونی ئەقیبی سەندیکای ڕۆژنامەنووسانی کوردستان، مستەفا ساڵح کەریم جێگری ئەقیب و جێگری سەرنووسەری ڕۆژنامەی ئەلئیتحاد، زیرەک کەماڵ سکرتێری ئەنجومەنی سەندیکا و بەڕێرسی ڕاگەیاندنی حیزبی شیووعی کوردستانی عێراق، خالید بەکر ئەیووب ئەندامی ئەنجومەنی سەندیکا، عوسمان دەشتی ئەندامی ئەنجومەنی سەندیکا و بەڕێرسی دەفتەری ڕۆژنامەی کوردستانی نوێ لە هەولێر، ئەکەت موراد ئەندامی ئەنجومەنی سەندیکا بە هاوڕێیەتی نوێنەری سەندیکا لە لقی شارەکانی کەرکووک و سلێمانی و بەغدا و دهۆک.

لە ڕۆژی یەکەمی سەردانەکە شاندی میوان لە بارەگای ئەنجومەنی سینفی ڕۆژنامەوانانی ئێران لە لایەن ئاغای ئەوزاعی سەرۆکی ئەنجومەن و خانمی بەدرسادات موفیدی مەسئوولی مودیریەتی ئەنجومەن و ئاغای ماشاللا شەمسولواعیزین و ئاغای مەسعوودی ئەندامانی ئەنجومەنی سینفی پێشوازیان لێکرا و لە وتووێژێکی دۆستانەدا باسی حاڵ و باری ڕۆژنامەنووسان و ڕۆژنامەگەری لە ئێران و کوردستانی عێراق کرا. هەروەها گفتوگۆ سەبارەت بە ڕێ و شوێنی هاوکاری لە نێوان هەر دوو ئەنجومەن‌دا هاتە گۆڕێ. پاشان هەندێک دیاری و یادگار ئاڵوگۆڕ کران و ڕۆژی دووەمی سەردانەکە شاندی میوان سەردانی بارەگای ڕۆژنامەی ئێرانی کرد کە لە لایەن سازمانی خەبەرگوزاری جمهووری ئیسلامی دەردەچێت. لەگەڵ ئاغایان ئیسلامی‌فەرد، مودیر مەسئوول و بەڕێرسانی دیکەی ڕۆژنامەکە کۆبوونەوە و باسی هەلومەرجی ژیانی ڕۆژنامەوانی لە ئێران هاتە ئاوەوە و هەروەها باس لە دامەزراوی ڕۆژنامەوانی ئێران کرا کە چەند ڕۆژنامە و گۆڤار و بڵاوکراوەی لێدەردەچێت. پاشان سەردانی ڕۆژنامەی "ئەلویقاق"ی عەرەبی زمانیان کرد کە سەربە هەمان دەزگایە و لە لایەن بەڕێرس و کارمەندانی ڕۆژنامەکەوە پێشوازیان لێکرا. بۆ ئێوارەی هەمان ڕۆژ سەردانی بارەگای ڕۆژنامەی "شەرق"یان کرد و لە لایەن ئاغای عەترپانفەر ئەندامی شووڕای سیاسەتگوزاری ڕۆژنامەکە و خانمان بەدرسادات موفیدی و فەرزانە ڕووستایی پێشوازیان لێکرا و دوای ئەوەی گەشتەکەیان بە ناو بەشەکانی ڕۆژنامەکەدا کرد و لە نزیکەوە لەگەڵ نووسەران و ڕۆژنامەنووسانی بەشەکان‌دا ئاخافتن و شارەزا بوون و لە دانیشتنێکی دۆستانەدا لەگەڵ بەڕێرسان و بەڕێزەکانی ڕۆژنامەکە ئەنجام درا و تێیای‌دا مەسەلەی پیشەیی ڕۆژنامەنووسان و ئازادی ڕۆژنامەگەری و هاوکاری کەرتی تایبەت لە جالاکی جابەمەنی و ڕۆژنامەوانی‌دا هاتە ئاوەوە. ئینجا شاندەکە ماڵئاوایی کرد و گەڕایەوە شوێنی حەسانەوەی. بۆ ڕۆژی سێیەم شاندی ڕۆژنامەنووسانی کوردستانی عێراق لە ڕێکەوتی دووەمی ڕێز لێنانی پێنج ڕۆژنامەوانی ناوداری ئێرانی بەشداریان کرد. کە ئاغای ئەکبەرگەنجی یەکێک لەوانە بوو. ڕێکەوتەسمەکە لە بارەگای ئەنجومەن و لە لایەن ئەنجومەنی سینفی ڕۆژنامەوانانی ئێرانەوە بەڕێوە چوو بوو، کە تێیای‌دا بەڕێز فەرهاد عەونی وتەیەکی پێشکەش کرد و تیشکی خستە سەر مێژووی ١٠٨ ساڵەی ڕۆژنامەوانی لە کوردستان‌دا. هەروەها ئەوەی هێنایەوە بیر کە پارەکە لە کاتی سەردانی شاندێکی ئەنجومەنی سینفی ڕۆژنامەوانانی ئێران بۆ کوردستانی عێراق و لە بەیاننامەیەکی هاوبەش‌دا لە کاتی سەردانەکەیان لە یەکێک لە خاڵەکانی ئەو بەیاننامەیەدا خواستی ئازاد کردنی ئاغای ئەکبەرگەنجی بوو. پاشان بە ناوی شاندی میوانی ڕۆژنامەنووسانی کوردستانەوە چەند دیارییەک پێشکەش بە ڕۆژنامەوانان کرا و ئەوانیش خۆشحاڵی خۆیان بە ئامادە بوونی میوانانی هاوپیشەیان لە کوردستانی عێراق نیشان دا، ئاواتی ئەوەشیان خواست کە بێت و ڕۆژێک سەردانی کوردستانی عێراق بکەن. لە ڕۆژێکی دیکەی سەردانی شاندەکە ئەوە بوو کە وا سەرێکی کۆمپانیای ماشێنسازی ئێران خودرەویان دا و لە لایەن بەڕێوەبەری بەیوەندی و ڕاگەیاندنەوە پێشوازیان لێکرا و شاندەکە هەموو بەشەکانی ئەو شوێنەیان بە سەر کردەوە، لە دوای گەڕانەوەیان بە گەرمێوە خودلحافیزی و ماڵئاوایی کرا.

هەر لەم چەند ڕۆژەدا شاندەکە چەند جێگای کەلتووری و گەشت و گوزاریان لە ناوچەکانی تاران و دەوروبەر بە سەر کردەوە، وەکوو مزگەوتی جامیعی تاران، قەسری نیاوەران، دەربەندی تاران و کاخی سەعدئاباد. لە دوا ڕۆژی سەفەری شاندەکەدا سەردانی بارەگای "ئیسنا"یان کرد و لەگەڵ بەشەکانی ئاشنایی‌یان پەیدا کرد. دوا دیداری شاندەکە لەگەڵ ئاغای موختارپوور موعاوینی وەزیری فەرهەنگ بوو کە یەکێک لە ساڵۆنەکانی پێشانگای نێوئەنەوەیی چاپەمەنی بەڕێوە چوو. دوای ئەوە شاندەکە لە زانکۆی پێنگەباندنی خەبەرنیگارانی سەر بە ئەنجومەنی سینفی لەگەڵ ئەندامانی ئەنجومەنی سینفی ماڵئاوایی‌یان کرد و لە ڕۆژی بەکشەممە، حەوتی گوڵان شاندەکە بەرەو وڵات گەڕایەوە.

کوردەکانی تورکەمەنستان

محەممەد بەهرەدوور

دوکتۆر عارف خەزنەدار تا ئێستا زیاتر لە سی کتێبی بڵاو کردۆتەوە و بە سەر زمانەکانی کوردی، عەرەبی و ڕووسی‌دا شارەزایە. هەروەها بە درێژایی ژیانی لە باری ڕۆژنامەگەری‌دا سەرقاڵ بووە و کە سایەتێکی ماندوویی‌نەناس و تێکۆشەر و لێکۆڵەرێکی بەوەجە لە بواری زانستەکانی زمان، ئەدەب و کلتووری ئەتنەوەی کورد کە بەرهەمە بەرخەکانی باشترین بەڵگەن بۆ خوێنەر. ناوبراو لە هەمووکات و ساتێکدا وە دوای بێ و شوێنی کورد کەوتووە و ڕۆر دڵسۆزانە لەم بارەدا هەنگاوی زانستییانەی هەڵێناوەتەوە. ئەو ماوەی کە لە ڕووسیا ژیاوە بە دوای کوردی ئاوارەی ئەو وڵاتەوە بووە و کاریکی گرینگی لە سەر کوردی نیشتەجێی تورکەمەنستان ئەنجام داوە و کتێبێکی ٢٥٨ لاپەڕەیی لە سەر نووسیوە، کە ئەم بابەتانەی لە خۆ گرتووە: مێژوو، ئەدەب، ئەتنۆگرافیا. مێژووی کوردی تورکەمەنستانی ئاسیای ناوەڕاست، پەیوەندییەکی ڕاستەوخۆی بە مێژووی کوردی خۆراسانەوە هەیە، چونکە بە بێ ئەوەی کوردی ئەوێن و لەوێوە بۆ تورکەمەنستان کۆچیان کردووە. کوردی خۆراسانیش مێژووی خۆیان هەیە و دەگەڕێتەوە ئەو سەردەمە مێژوییانەی بەشێک لە عەشیرەتەکانی کورد لە کوردستانەوە (ناوچەکانی باکوور و باکووری ڕۆژئاوای ئێران) ئاوارەی خۆراسان کراون. لەبەر ئەوە مێژووی بەسەرهاتی کوردی تورکەمەنستان و کوردی خۆراسان وەک یەکە و بیبلیۆگرافیا و سەرچاوەی لێکۆڵینەوەیان هاوبەشە و لە یەکتری جیا ناکرێتەوە. دوکتۆر عارف خەزنەدار لە سەرەتای ئەم کتێبەدا دەڵێ: "کوردەکانی تورکەمەنستان بەشێکی گرینگن لە ئەتنەوەی کورد، کە بە ئایین موسوڵمانن و لە سەر ئایینزای شیعەن، زمانی قسە کردن و نووسینیان دیالێکتی کرمانجی سەرووە. زمانیان لە ڕووی دارشتنی فەرهەنگییەوە لەگەڵ شێوەزاری کوردی ئەرمەنستان و گورجستان و تا پلەیەک کوردی ئازەربایجانیش یەکتری ناگرنەوە. ئەمە لەوە هاتووە، کوردی تورکەمەنستان کەوتوونەتە ژێر کاریگەری زمانی تورکمانی و فارسی و ڕووسی، ئەمە لە لایەکی دیکەوە بە سوود گەڕاوەتەوە بۆ زمانی کوردی و بەوەی دەوڵەمەندتر بووە." دوکتۆر عارف خەزنەدار کۆڕەوە مێژوییی‌یەکەی کوردەکان لە کوردستانی ئێرانەوە بۆ تورکەمەنستان بە دوو قۆناغ دابەش دەکا کە بریتین لە:

١ـ لە کوردستانی ئێرانەوە بۆ خۆراسان

لە دوای جەنگی چالدران (١٥١٤ ز) و دابەش بوونی خاکی کورد بە سەر دوو دەوڵەتەکەی سەفەوی و عوسمانی هەلێکی لەبار پەیدا بوو بۆ چەوساندنەوەی کورد و دەست داگرتن بە سەر سامانی نەتەوەیی ئەم میللەتە. لە ساڵی (١٦٠٨ ز) کوردەکانی دانیشتووی باکووری ڕۆژئاوای ئێران لە ناوچە و عەشیرەتەکانی ئەرگەوەر و مەرگەوەر و برادۆست و شنۆ و وەرمێ کەوتنە جموجۆڵ دژ بە دەسدرێژی دەوڵەتی سەفەوی، لە هەرێم و ناوچە جیاوازەکانی کوردەواری بەرەڵستی چەوساندنەوەی دەسەڵات دەکرا، لەبەر ئەوە فەرمانڕەوایی سەفەوی بە زۆر بەشێک لە کوردی ئەو ناوچانەی ئاوارەی خۆراسان کرد، لە لایەک بۆ ئەوەی ڕزگاری لە هەڵسان و شۆڕشەکانیان بێ، لە لایەکی دیکەوە سووری ڕۆژهەڵاتی ئێران لە هێرش و دەسدرێژی تورکمان و ئۆزبەکەکان بپارێزێ. وەک دەردەکەوێ هاوسێکانی کورد دەیانەوێ بۆخۆیان وا بە کورد ترسەنۆک بێن بۆ ئەوەی هەمیشە لە ژێر دەستیان بێ، کەچی بۆ ئەوان وا بە هاوسێکان دیارە ئازایە و ئەو ئازایەتییە بە کار دێنن بۆ سوود و قازانجی دوژمنەکان.

لە ماوەی مۆر کردنی پەیمانی ئاشتی بۆ جاری دووەم لە نێوان ئێران و عوسمانی لە ساڵی (١٦١٨ ز) شا عەباس بازدە هەزار بەنەماڵەی کوردی ئاوارەی خۆراسان کرد، لەمانە عەشیرەتەکانی جافەڕانلوو و شادیلوو لە ناوچەکانی قووچان و شیروان و بێجنورد نیشتەجێ بوون، لە پاشان لە بەشەکانی دیکەی خۆراسان وا تە دەرەکەن: قەلات و تەراخان و جێی دیکە بڵاو بوونەوە. کوردی خۆراسان لە سەرەتای نیشتەجێ بوونیان پێنج ناوچەی بە ڕێوە بردنیان دروست کرد و لەو خاکەی کەوتۆتە نێوان ئەستراباد و چناران و لە دوایی‌دا ئەمە بووە بنکەی دروست بوونی کوردستانی خۆراسان.

٢ـ لە خۆراسانەوە بۆ تورکەمەنستان

بە هۆی پێوەندی کشتوکاڵی و هاتوچۆی مەرومالات لە نێوان ئێران و تورکەمەنستان‌دا لە ناوەڕاستی سەدەی نۆزدەهەم لە ئەنجامی مانەوەی هەندێ لەو کوردانە لە خاکی تورکەمەنستان‌دا گوند و ئاوایی کوردی پەیدا بوو، ئەمە بووە بنکەیەک بۆ کوردی دیکەی خۆراسان کە هان بدرێن بۆ کۆچ کردن لە پێناوی ژیانێکی باشتر.

وەک لە سەرچاوەکان‌دا دەردەکەوێ لە دوا ساڵانی سەدەی نۆزدەهەم‌دا، بەشێکی زۆر لە کوردی باکووری خۆراسان ڕوویان کردە ناوچەکانی ئەردبیل زەریای قەزوین لە ئەنجامی پەیدا بوونی کوللوو و داهاتنی گرانی و قاتوقڕی. ئا ئێستاش گەلێ لە پیرەمێردانی بەساڵاچووی کورد بەسەرهات و حیکایەتی ساڵانی کوللوو دەگێڕنەوە و ژیانی ناڵەباری ئەم ڕۆژگارە دەخەنە ڕوو و ئەم ساڵە لە ناوخەڵکی‌دا بە "ساڵانی کوللوو" ناوی دەرکردووە. بەشێکی تری خێزانی کورد لە کوردستانی ئێرانەوە لەبەر هەژاری و گەڕان بە شوێن نان تاک تاک و بە کۆمەڵ لەگەڵ ماڵ و منداڵیان کۆچیان کردووە بۆ ناوچەکانی ئەردبیل زەریای قەزوین و گوندی تایبەتییان بۆ خۆیان دامەزراندووە. ئەوەی کە دەکرێ گرینگییەکی تایبەتی بدا بەم کتێبە ئەوەیە کە:

١ـ کاریکی ئاکادیمیکە و شوێنپێی نەتەوەی کورد لە وڵاتێکی کەمتر ناسراو ـ لەچاو ئێران، تورکیا، عێراق و سووریا ـ دەدۆزێتەوە.

٢ـ بارمەتیدەری ئەم کتێبە خۆی کوردی تورکەمەنستانە کە بە وتەی خودی دوکتۆر عارف خەزنەدار، عەباس مەمەد ئەزاروف بۆ دانانی کتێبەکەی گەلێک بارمەتی بە سوودی پێگەیاندووە.

٣ـ لێکۆڵەر خۆی کوردە و بیانی نییە و توانیوێتی دابونەریت و فەرهەنگیان باشتر دەس‌نیشان بکا. لەمانە: ژیانی ئابووری، ماڵی کوردی تورکەمەنستان، خواردەمەنی، جلوبەرگ، پەیوەندی کۆمەڵایەتی خێزانی کورد، ڕۆشنبیری و خوێندەواری، مۆسیقا و هەڵپەڕکێ، قسەی نەستەق و پەندی پێشینیان و...

بە هەر حاڵ کۆچە مێژوییی‌یەکی کورد لە کوردستان بەرەو خۆراسانەوە و دواتر لە خۆراسانەوە بە تورکەمەنستان زۆر لایەنی شاراوە و بێ‌گومان دڵنەژێنیشی تێدایە کە جێی خوێنی ئاوێکی جیددی و زانستییانەتری لێ‌بدرێتەوە و ژیان و بەسەرهاتی کوردی ئەم وڵاتە زیاتر تاوتێ بکرێ.

بێ‌شک لە پێناو دانانی ئەم کتێبە ئەرکێکی زۆر کێشراوە و وەک سەرچاوەیەکی بە نرخی مێژوویی ـ کۆمەڵایەتی دەکرێ سەیر بکرێ.

سەدویەک ڕۆژنامەنووس لە عێراق گیانیان لە دەست داوە

PNA: سەندیکای ڕۆژنامەنووسانی عێراق ڕایگەیاند کە لە کاتی دەست پێکردنی پرۆسەی ئازادسازی هێزەکانی فرەڕەگەز بە فەرماندەیی ئەمریکا لە نێوەڕاستی ساڵی ٢٠٠٣، لە میانەی کردەوە توندوتیژییەکان‌دا سەدویەک ڕۆژنامەنووسی عێراقی گیانیان لە دەست داوە.

لەم بارەوە ئەمینداری سەندیکا گوتی: ئەو زانیارییانە وایان کرد کە لێژنەیەک پێکبهێنن بۆ ئەوەی ڕێگایەک بدۆزێتەوە بۆ پاراستنی گیانی ڕۆژنامەنووسان لە کاتی جێبەجێ کردنی کارەکانیان.

ناوبراو ئەوەشی دووپات کردەوە کە ئەو پێشنیارە خراوەتە بەردەم ئەو ڕێکخراوە نێودەوڵەتی و عەرەبییانەی کە تایبەتمەندن لە بواری پاراستنی ڕۆژنامەنووسان، وەک ڕێکخراوی جیهانی بۆ پاراستنی ڕۆژنامەنووسان و یە کێتی ڕۆژنامەنووسانی نێودەوڵەتی لە بروکسێل و یەکێتی ڕۆژنامەنووسانی عەرەب لە قاهیرە و هەروەها ڕەنگە بخرێتە بەردەم ئەتەوە یەکگرتووەکان.

سەبارەت بە وڵایەنانەی ڕۆژنامەنووسان دەکەنە ئامانج: ئەمینداری سەندیکا گوتی: ڕەنگە ئەوانە چەند لایەنێکی سیاسی بێن و یان لایەنی سیخوڕی ناوخۆیان دەرەوە کە نایانەوێ پاستییەکان بۆ چەماوەر ڕوون بێن و ئاشکرا بکرێن. شایانی باسە کاوە گوڵستان وێنەگر و هەواڵنێری بی.بی.سی کە ساڵی ٢٠٠٣ لە کفری لە باکووری عێراق کوژرا یەکێکە لەم سەدویەک قوربانییە.

شمارە ٢٨ ـ شەمە ٣٠ اردیبهشت ١٣٨٥ ـ ٢٢ ربیع‌الثانی ١٤٢٧ ـ ٢٠ مە ٢٠٠٦

خوێندنەوەی سەرلەنوێی فیلمەکانی قوبادی

(بەشی کۆتایی)

زوبەیر ئەرسەلان
وەرگێڕان لە ئینگلیسییەوە: کەمال مەولود پوری

شوێنی خرابی شەڕ و مین لە سەر کوردەکان.

هەر سێ فیلمەکەی قوبادی باسی ماڵوێرانییەک دەکەن کە شەڕ و مینی بۆ کوردەکان بە دیاری هێناوە. لە هەرسێک فیلمدا خەڵکانێک هەن کە بە دەس تازاری مین و بۆمبەوە دەناڵێنن. بە تایبەت لە فیلمی "کاتێک بۆ سەرخۆشی ئەسپەکان" دا دەمەتەقەی نێوان ئەییووب و ڕێبوار، کوڕە تاچاخچییەکە ـ سەبارەت بە مین و کاریگەری ئاڵەباری لە سەر ژیانی ڕۆژانەی کوردەکان سرنج‌ڕاکێشە، ڕێبوار: "ئێستەت هەیە؟" ئەییووب: "بابم کە مرد ئێستەرەکانیشی وە سەر مین بەرین." ئەییووب: "زەویت هەیە؟" ڕێبوار: "بەڵێ، زۆر." ئەییووب: "ئەی بۆ کشتوکاڵێ ناکەی؟" ڕێبوار: "هەموو شوێنێک پڕ لە مینە." ئەییووب: "ناتوانن لە بن عەرزیان دەرهێنن؟" ڕێبوار: "مینە جێندراوەکان زۆر لەوە زیاترن کە تۆ بیری لێدەکەیەوە." وێنەگەلێکی زۆر لەو فیلمانەدا هەن کە کاریگەری شەڕ بە سەر خەڵکی کوردا دەردەخەن. بۆ وێنە لە فیلمی "گوڵانییەکانی وڵاتی دایکم" دا شاهیدی سێ نوردووگای تەزی لە کوردەکاتین کە خەریکن لە ژێر بارانی بۆمبەکانی سەددام حوسێنداپا دەکەن. سرنج‌ڕاکێشترین بەشی ئەو فیلمە جێیەیە کە مامۆستایەکی قوتابخانە وا خەریکە بۆ قوتابییەکان شێوازی هەڵفڕینی فڕۆکەیەک لە سەر کەژەکاندا شی دەکاتەوە. لەو حاڵەدا کە قوتابییەکان فڕۆکەی کاغەزیان بە دەستەوەیە دەنگی فڕۆکەی ڕاستەقینە و بۆمبارانی ڕاستەقینەمان بە گوێ دەگا. قوتابییەک دەپرسێ: "بۆمب چییە؟" مامۆستاکەی وڵام دەداتەوە: "بۆمب ئەو شتەیە کە ماڵەکانمان خاپوور دەکا." هەروا کە دەنگی بۆمب دەبیسرێ، مامۆستا ئەو دەنگەش شی دەکاتەوە، لەو کاتەدا بۆمبێک ماڵێک وێران دەکا. ماڵەکان و قوتابخانەکەش وێران دەبن. منداڵەکان فڕۆکەکانیان لە هەوا دەکەن و بە شۆڕ بوونەوەی فڕۆکە کاغەزییەکان لە سەر کەژەکانەوە دەنگی فڕۆکە نیزامییەکان دەبیسێ. لە کۆتایی ئەو بەشەدا، بێم وا بێ دادوەرانە دەبێ بڵێم قوبادی لە ڕێی فیلمەکانی خۆیەوە ڕاستەقینەترین شانۆی ژیان و کلتووری کوردەکانی هێناوەتە سەر سەحنە.

دواوتە

بێم وایە گشت کەس دەبێ فیلمەکانی قوبادی وەک بەشێک لە پێناسەی کورد بزانن و بە ڕای من ئەو فیلمانە تێکۆشانێکی هونەرییە بۆ ڕەنگدانەوە و نیشاندانی هۆوییەت و پێناسەی گەلی کورد. قوبادی خودان هونەرێکی کوردە و فیلمەکانی لە ڕوانگەیەکی کوردانە و بە زمانی کوردی ساز کراون. بەو پێیە لە دەلاقەی ڕوانینی منەوە فیلمەکانی قوبادی یەکەم هەنگاو و خاڵگۆڕان(نقطە عطف)ێکی سەرەکییە بۆ پێکهاتنی سینەمای کوردی. دەکرێ بڵێین کە ئەم وتارە هەموو لایەنێکی فیلمەکانی قوبادی دەرناخا. بەڵام دەبێ بڵێم کە ئامانجی ئەم وتارە بێداجوونەوەی فیلمەکانی قوبادییە لە ڕوانگەی تواندنی خەڵکی کوردەوە و هەر بە و هۆیە بە شێوەیەکی گشتی تایبەتمەندییەکانی تری فیلمەکانی قوبادی لەبەر چاو نەگرتووە.

هیوادارم کە ئەو وتارە بتوانێ لانی کەم لە ناسینی خەڵکی کورد و فیلمەکانی قوبادی ڕۆڵێک ببینێ. ئەگەرچی قوبادی ئەوەی ناسە لمێنێ کە فیلمەکانی هەر چۆنێک بێ ڕەنگ و بۆنێکی سیاسییان پێوە دیارە. بەڵام بە ڕای من، بە هۆی جەخت کردن لە سەر خەڵکی کورد، فیلمەکانی ئەو تا ڕادەیەک لە بازنەی سیاسی دا خۆ دەبینێنەوە. لە دنیای ئەمڕۆدا، بە سرنجدان بە بارودۆخی سیاسی هەنووکەیی کوردەکان، هەر فیلمێک لەمەڕ هۆوییەت و پێناسەی کوردەکان و کلتووری ئەوان بدوێ، لە هەر لایەکەوە دەتوانێ لایەنێکی سیاسی هەبێ. هەر بە و جۆرەی کە قوبادی خۆی باوەڕی وایە کە کوردستان بە هۆی شەڕ و سیاسەتی جوار دەوڵەتی حاکمی ئێستا، سیاسەتلێدراو بووە. قوبادی دەڵێ: "ئەگەر تووشی کەسێک هاتی و لێی پرسی، خەڵکی ئێ شوێنێکی؟ و ئەتۆش دەڵێی: من کوردم. دەڵێن: های، چۆن ڕادەبوێن؟ لەگەڵ سەددامی چۆنن؟ لەناکاو، ئێوە دەبنە کەسایەتییەکی سیاسی، کوردێکی سیاسی. (وتوێژ لەگەڵ هێنری شیهان)" بەڵام لە فیلمەکانی دا ئەو بابەتەی زیاتر سیاسییە، ئەوەیە کە فیلمەکانی ئەو ئاوڕ دەدەنەوە سەر سنوورەکان، مین و شەڕ. بەو پێیە لە دەلاقەی لایەنی سیاسی حاشا هەڵناگرە. "من دەرمنەخستووە کە سیاسی بم بەڵام وڵاتی من سیاسەتلێدراوە و شەڕ بۆتە بەشێک لە گوتاری ڕۆژانەی ئێمە. (قوبادی، منداڵانی تۆفان، جومانا فاروقی)"

پەیوەندی ئەو بە کورد و کلتوورەکەیان بە ڕادەیەک قووڵ و بەرچاوە کە هەر بە و هۆیە ڕەنگە فیلمەکانی لە ڕوانگەی کوردەکانەوە بۆچوونێکی ساکار و ڕاستەقینە بێ لە ژیان و وڵاتەکەیان. لەو فیلمانەدا کوردەکان جەماوەرێکن بە تایبەتمەندییەکانی خۆیانەوە کە ئازادییەکانییان خراونە بشت گوێ و حاشای لێکراوە و دەنگیان نابیسرێ. هەر بۆیە دەگرێ فیلمەکانی قوبادی وەک دەنگی ڕاستەقینەی گەلی کورد بزانی. بە ڕای من فیلمەکانی ئەو شێوەیەک هاوارە بۆ ئازادی. چون ئەو خەڵکێک دێنێتە بەر چاو کە بەریەست و سەرکوت کراون. بەڵام بە و حاڵەوە خۆشی ژیان و دڵخۆشیان و شادیان لە دەست نەداوە. لە لایەکی ترەوە فیلمی "گوڵانییەکانی وڵاتی دایکم" کە لە بەنەڕەتدا "The songs of my homeland" بوو، گۆڕا بە "Marooned in iraq". بە پێی ناوی سەرەکی، ئەو لە لایەن بەرپرسانی ئێرانییەوە گەلێک ئەتەوەخوازانە هاتبوو ئەژمار. قوبادی لە وتووێژێکدا ئاشکرای کرد کە بەرپرسانی ئێرانی دەیانخواست ناوی سەرەکی فیلم "گوڵانییەکانی وڵاتی دایکم" بگۆڕن بەڵام ئەو پێی لە سەر ئەوە داگرتبوو کە ئەو ناوە هەر بمێنێ. (جەمشید ئەکرەمی). خاڵی جێی سرنج ئەوەیە کە لە پاشان لە لایەن بەڵاوکەرەوەکانی ئێوە ئەوەی ناوی ئەو فیلمە گۆڕا بە "سەرگەردان لە عێراق" ڕەنگە هەر بە و هۆیە بێ کە کێشەی عێراق لە پانتای ئێوە ئەوەیدا وەک بابەتێکی بەرچاو خۆی بواردا، ئالێرژی (حساسیت) لە سەر، وشەیەکی بێگانەدا، چارەگێک لە کاتی یەک ساعەت و نیوی کۆبوونەوەکەدا بۆ خۆی ئەرخان بکا، کە ئەنیا بووچەڵ بوونەوەی ئەو پرۆسەیەی بە دەسەلات دەسەلماند و بەس.

خوێندنەوەی شێعریکی ڕێکوپێکی جوان بە ئێوی "کەوکەئاسمان" لە لایان کاک عەلی‌ڕەزا جەمشیدی بە زاراوەی گەلهوری ڕەوتە پاراوتکسیکاڵەکەی لە کۆبوونەوەکە خستە دەر.

لە درێژەدا مامۆستا ئازادیخواز و تاغا ئەرژەنگ بۆچوونەکانی خۆیان سەبارەت بە شێعرەکەی جەمشیدی ئاراستە کرد. لە کاتێکدا کە کۆڕەکە بە دیسیپلین و ئەزمێکی تایبەتەوە بەڕێوە دەچوو، هیچ وتار و شێعر و پەخشانێک لە ژێر ڕەخنە بەچێکانی ئامادەبووان‌دا دەرەتانی نەبوو. لەو کەینەوبەینەیەدا بوو کە خاتوو سادقی بە خوێندنەوەی هەوەڵین هەڵبەستی شێعری خوی بە زاراوەی شیرین و پاراوی گەلهوری بە ئێوی "بزشنە ساقی وە ئی خورە زەردە" کۆڕەکەی ڕازاندەوە کە ڕووبەڕووی چەپڵەی دانیشتووان بوو و سپاسی تایبەتی بەڕێوەبەری کۆڕەکەی ئاراستە کرا.

بە خوێندنەوەی ئەو شێعرە مجورکێکم بە لە شی دا هات و ئاوانم گوتنی لایەلایەی گشت دایکەکانی کرماشان لە بن گوێی زارۆکەکانیان بە زمانی ڕگماکی خۆیان بوو.

بروانە ئەم ستونە

کرماشان بەرەو گەشەی زمان و کەلتووری کوردی

ڕاپۆرتێک لە سەر کۆڕی شێعر و ئەدەب لە "هاوار"ی کرماشان

بە ڕێوە چوونی ئاوا فێستیڤاڵگەلێک لە هەمبەر گەشە سەندنی زاراوەی کوردی کرماشانی(گەلهوری) کرد و لە درێژەدا لە وڵامی پرسیارێکدا گوتی: "زۆرتر بە ڕفرەوان بوونی گۆڕەپانی کۆمەڵگای مەدەنی بو دامەزراندنی بنەماکانی دیموکراسی، دەگەڕێتەوە سەر ڕادەی پراکتیسی خەڵک بۆ دیموکراسی و وەرگرتنی ڕەخنە لە کۆمەڵگادا.

کاتژمێر چواری دوانیوەڕۆ، کۆبوونەوەکە بە شێوەیەکی ڕەسمی بە خوێندنەوەی وتارێک بە زاراوەی سۆرانی لە لای یەکێک لە ئامادەبووان دەستی پێکرد. دەقی وتارەکە بنچینەیەک بوو بۆ خوێندنەوەی شێعرێکی شاعیری گەورەی کورد خوالێخۆشبوو سوارە ئیلخانی‌زادە و شرۆڤە کردنی ئەو شێعرە لە لایەن بەشدارانی کۆڕەکەوە. ڕێزدار کاک جەلیل ئازادیخواز دوای دەربڕینی بۆچوونەکەی خۆی سەبارەت بە شێعرەکە ئەوی بە یەکێ لە شاکارەکانی سوارە قەبڵاند. سادق سامرە بە خوێندنەوەی وتارێکی وەرگێڕاو لە فارسییەوە، بە ئێوی (ئوای قانون)ی کافکا بە زاراوەی گەلهوری درێژەی بە کۆبوونەوەکە دا کە بە ئۆنەی تێخستنی وشەگەلی فارسی ڕووبەڕووی ڕەخنەی بەڕێزان ئازیخواز و سەرداری بووە.

بۆ منی سۆران، نقد سەرسوڕهێنەر و عاجبات بوو، لە شارێک کە خەریکە بڕۆسەی تواندنەوەی زمان و کەلتووری کوردی (اسیمیلاسیون) ئێ دادەبەزێ و بۆتە هۆی هەست بە مەترسی کردنی گشت ڕووناکبیرانی کورد لەو بەرەدا، ئالێرژی (حساسیت) لە سەر، وشەیەکی بێگانەدا، چارەگێک لە کاتی یەک ساعەت و نیوی کۆبوونەوەکەدا بۆ خۆی ئەرخان بکا، کە ئەنیا بووچەڵ بوونەوەی ئەو پرۆسەیەی بە دەسەلات دەسەلماند و بەس.

خوێندنەوەی شێعریکی ڕێکوپێکی جوان بە ئێوی "کەوکەئاسمان" لە لایان کاک عەلی‌ڕەزا جەمشیدی بە زاراوەی گەلهوری ڕەوتە پاراوتکسیکاڵەکەی لە کۆبوونەوەکە خستە دەر.

لە درێژەدا مامۆستا ئازادیخواز و تاغا ئەرژەنگ بۆچوونەکانی خۆیان سەبارەت بە شێعرەکەی جەمشیدی ئاراستە کرد. لە کاتێکدا کە کۆڕەکە بە دیسیپلین و ئەزمێکی تایبەتەوە بەڕێوە دەچوو، هیچ وتار و شێعر و پەخشانێک لە ژێر ڕەخنە بەچێکانی ئامادەبووان‌دا دەرەتانی نەبوو. لەو کەینەوبەینەیەدا بوو کە خاتوو سادقی بە خوێندنەوەی هەوەڵین هەڵبەستی شێعری خوی بە زاراوەی شیرین و پاراوی گەلهوری بە ئێوی "بزشنە ساقی وە ئی خورە زەردە" کۆڕەکەی ڕازاندەوە کە ڕووبەڕووی چەپڵەی دانیشتووان بوو و سپاسی تایبەتی بەڕێوەبەری کۆڕەکەی ئاراستە کرا.

بە خوێندنەوەی ئەو شێعرە مجورکێکم بە لە شی دا هات و ئاوانم گوتنی لایەلایەی گشت دایکەکانی کرماشان لە بن گوێی زارۆکەکانیان بە زمانی ڕگماکی خۆیان بوو.

بیر و هۆشم لە کۆڕەکە دەرچوو و بە پەروازە بوو. خوێندنەوەی شێعری "کاولەکۆن" بە زاراوەی سۆرانی لە لایان دکتۆر سلێمانی هەوداى خەیاڵی پساندم و سرنجی بۆ لای خۆی ڕاکێشام.

"بالاخانەی شاروێنی لارەمل کەڵکی نیە/ پیاوە هەر کەوس شێو و دوڵی نەشکەوت جێگایەتی" لەو نێوەدا ڕێزدار ئازادیخواز هەڵەکەی قۆزتەوەو بە بەیتێکی خەیام لەبەری گێڕاوە. لە درێژەی بەرنامەکەدا خاتوو سادقی، بە خوێندنەوەی دوو شێعری مامۆستا دوکتۆر پەشیو بە ناوەکانی "دەرگاکە بکەرەوە" و "لێرە و لەوێ" دەرگای بو پشکنینی گەلێن و قوژبنەکانی ئەو دوو شێعرەی لە لایان ئامادەبووان‌دا کردەوە.

کاک شاهۆ وتەبێژی هاوار بە خوێندنەوەی وتارێکی هەستاوی بە دیکلەمەیەکی شارەزایانە، کۆڕەکەی بردە نێو گێژاوێکی خەماوی کە وەبیرهێنەری مێژووی خوێناوی پڕ لە تاڵوسوێری نەتەوەکەمان بوو. شیاوی باسە دوو سێ شێعر بە زاراوەی لەکی لە لایان بەڕێزان گوجەرەی و یەزدان و دوو کەسی تریش پێشکێش کرا کە بە داخەوە دەقی شێعرەکانم دەس نەکەوت. کاک وەهابی دۆستی یەکێ لە چالاکانی کەلتوور و زمانی کوردی لە کرماشان، گۆڤاری "گوڵ سوو"(کازیوە) کە بە زاراوەی کەڵهوری لە باشوور دەردەچێ بە ئامادەبوان ناساند و شێعرێکی بە ئێوی "ڕۆژ دامەسە خەیاڵ" پێشکێش کرد.

لە ئاکامدا بە مزگێنی دانانی کۆڕی "فێرگەی وانەی مێژووی ئەدەبیاتی کوردی" لە لایان مامۆستا جەلیل ئازادیخواز کۆتایی بە کۆڕەکە هات.

ئەییووب حاجی‌زادە: ڕێکخراوەی "هاوار" بە پێی هەست کردن بە بۆشایی و نەبوونی سەنتەرێکی شەنوکەو کردنی زمان و کەلتووری کوردی لە کرماشان لە ساڵی ٨١ەوە بە بەرپرسایەتی کاک فازڵ وەڵیان و ئاقسەن لە چالاکانی شاری کرماشان پێکهاتووە.

ڕۆژی چوارشەمەو ڕێکەوتی سێزدەی بانەمەڕی ٨٥ی هەتاوی، کاتێ کە لە زانکۆ لە کلاسی وانەی ڕیاری دەهاتینە دەر، لە سەر جەختی بەکێ لە هەڤاڵانی کرماشانیم، بەرەو "هاوار" وە ڕێ کەوتین. لەوێ لە لایان کاک شاهۆ نادری وتەبێژی ڕێکخراوەی هاوار، بۆ نووسینی ڕاپۆرتێک لە سەر کۆڕی شێعر و ئەدەب کە هەموو حەوتووان ڕۆژانی چوارشەمەو، کاتژمێری چواری دوانیوەڕۆ لە شارە گەورەکەی کوردستانی ئێران و ژوانگەی دوو ئەویندارە تراژیکی مێژووی کوردستان ـ شیرین و فەرهاد (کرماشان) ڕاسپێردرابم بۆ چاپ لە هەفتەنامەی بە نرخی بەبامی کوردستان، ئەنیا ژۆرنالی ڕێنالیست و مێتۆدیکی هەنووکەی ڕۆژهەلاتی کوردستان.

بەر لە دەسپێکی فەرمی کۆبوونەوەکە "سێ قاسمی ئەرژەنگ" شاعیر و نووسەری گەورەی کرماشان کە لەگەڵ بەرپرسایەتی کۆڕەکە و تاوتوێ کردنی شێعر و پەخشان و وتارەکانی لە سەر شانە بۆم لە چۆنیەتی بەڕێوە چوونی فێستیڤاڵی زاراوەی کەلهوری لە هەولێر دوا. بەڕێزیان ئاماژەیان بە ڕادەی بە ئەژەوەندی

مالێك بۆ كورد

زۆر نین ئەو کەسانەی کە لە پێناو خزمەت بە نەتەوەیەکەیان گیان و ماڵیان پێشکەش کردووە و لە سەردەتای ژیانەوە بە سەردەوام خزمەت بە فەرهەنگ و کەلەپووری گەلەکەیان ئامانجی سەرەکییان بووە.

کاک مستەفا قازی یەکێک لەو دەگمەن کەسانەیە. ئەم بەڕێزە لە تەواوی بۆنە کۆمەڵایەتی و فەرهەنگییەکانی شارەکەمان‌دا دایمە بە ئامادەبوونی دەورێکی بەرچاوی گێڕاوە لە هان‌دان و یارمەتی‌دانی چالاکانی ئەم بوارەدا. ئەمجارەش لە کردەوەیەکی جێی ڕێز و سپاس‌دا لە شوێنێکی باشی شار، زەوییەکی ٢٠٠ میتری پێشکەش بە دوو بڵاڤۆکی کوردی طارەکەمان واتە گۆڤاری مەهاباد و بەیامی کوردستان کردووە تا ئەم دوو بڵاڤۆکە لەم شوێنە ماڵی چاپەمەنی کوردی ساز بکەن، ماڵێک کە خاوەنەکەی گەلی کوردە و ڕۆژنامەوانانی کورد خۆبەخشانە تێی‌دا چالاکی بکەن.

هەر لێرەوە پرە بە دڵ سپاسی کاک مستەفا قازی دەکەین کە بۆ پشتگیری لە ڕۆژنامەگەری سەربەخۆی کوردی ئەم هەڵوێستە ئینسانییەی گرتووە و ماڵێکی بۆ کورد ئاوەدان کردۆتەوە. هیوادارین نموونەیان زۆر بێ.

ئاگاداری کۆمەڵی لاوانی شانا

بە ئاگاداری تەواوی هۆگران و ئەدەبدۆستانی بەڕێز دەگەیەنین کە کۆمەڵی لاوانی شانا بە تەمایە لە داهاتوویەکی نزیکدا بە مەیەستی ڕێز گرتن لە پلە و کەسایەتی ئەدەبی سەید محەممەدئەمین بەرزەنجی(خاڵەمین) ڕێوڕەسمی بیرەوەری و توێژینەوەی ژیان و بەرهەمەکانی ئەو نەمرە بەڕێوە ببات. هەر بۆیە لە تەواوی ئەو کەسانەی نووسراوەی بڵاوەکراوە، بیرەوەری، ژیاننامە، لیکۆڵینەوە و هەرچەشنە وتارێکی پەیوەندیدار بە مامۆستا خاڵەمین لە لایانە، داوا دەکەین بە نازدنی بۆ نووسینگەی ناوەندی کۆمەڵەی لاوانی شانا بەشدار و یاریدەدەری ئەم ڕێوڕەسمە بن.

تێبینی:

١ـ بەرهەمەکانتان بە خەتی خۆش یان تایپکراو بن.

٢ـ نووسینی ئادریس و ژمارە تەلەفۆنی خۆتان لە بیر نەچێ.

٣ـ لە لایەن کۆمەڵی لاوانی شانا سەبارەت بە چۆنیەتی بەڕێوەچوونی ئەم ڕێوڕەسمە ئاگادار دەکرێنەوە.

ناونیشان: مەهاباد، پاساژی موباشیری، نهۆمی دووهەم، وەتاغی ٢٠٥، دەفتەری ناوەندی کۆمەڵی لاوانی شانا، دەبیرخانەی ڕێوڕەسمی بیرەوەری مامۆستا خاڵەمین

سەندووقی پۆستی ١٣١ ـ ٥٩١٣٥،

تێلیفاکس: ٠٤٤٢٣٢٢٦٦٧٣

WWW.kurdishmedia.com

میژووی زاردکی ١٤ ئاوێنەی کوردستان

شماره ٢٨ ـ شنبه ٣٠ اردیبهشت ١٣٨٥ ـ ٢٢ ربیع‌الثانی ١٤٢٧ ـ ٢٠ مه ٢٠٠٦

کێشەکانی عێراق و ئایندەی دیموکراسی

ڕێبوار حاجی عەبدوڵڵا

کێشەکانی عێراق و ئایندەی دیموکراسی ڕێبوار حاجی عەبدوڵڵاپوور بەگرمان هاوپەیمانان و لە سەرووی هەمووان ئەمریکا بە بیر و ئیستراتژیەوە هێرشیان کردە سەر عێراق کە ئەم وڵاتە گەلێکی بێدەستی هەیە و ساڵانێکە چەشنێک حکومەتی دیکتاتوری بە سەریدا زاڵە و ئەگەر بێت و لەم وەزعە ڕزگار بکرێن ئەوا کۆمەڵگای عێراق کێش و توانای بە دیموکراتیزە بوونیان هەیە و ماوەیەکی درێژخایەن سەرقاڵی پلان‌دانان بۆ ئەم هێرشە بوون هەرچەند سەددام وەک مۆرەیەکی سیاسی لە ڕۆژمەڵاتی ناوەڕاست بۆ ئەمریکا دەژمێردرا بەڵام بە حوکمی ئافەرمانی سەددام ڕووخانی حکومەتەکەی لە سەرەوەی پرۆژەکانی وڵاتە یەکگرتووەکانی ئەمریکا بوو. چاوەڕوان دەکرا تێکڕای خەڵکی عێراق بە هەموو پێکهاتەکانیەوە پێشوازی لە هێزی هاوپەیمانان بکەن. بەڵام دوای ڕووخانی ڕژێمی بەعس دەست و پێوەندەکانی سەددام بە بیرێکی شۆڤێنیانە کە ساڵها لە مێشکیاندا ڕیشەی داکوتاوە ئەیانهێشت پرۆسەی دیموکراسی بەرەو شەقامی دیاری‌کراوی خۆی‌دا بڕوا. هەڵبەت ئەمە لایەنێک لە کێشەکان بوو. جیا لە یەعسییەکان هێزە ئیسلامیە توندڕەوەکانیش کە بوونی هێزی بیانی لە وڵاتێکی موسڵمان وەک عێراق بە حەرام دەزانن دەستیان بردە چەک و کاری تێرۆریستی و ڕماندن و سەر بڕین. کێشەکان لە ڕوانگەیەکەوە خۆیان لە چوار خاڵدا دەبینێتەوە کە بریتین لە:

١ـ هێزە سیاسییە ناوخۆییەکان:

یەکێ لە گەورەترین کێشەکانی هێزە سیاسییەکانی ناوخۆ جیاوازی بیر و ڕایە. عێراق بە بێی بارودۆخی جوگرافی و ئەتەوایەتی و ئایینی، کۆمەڵگایەکی فرەئەتەوەیە و زۆر حەوڵ دراوە بیر و ڕا جیاوازەکان بێنە سەر هێڵێکی ئەوافوقی بەڵام گەیشتن بە ئاکامێکی نیهایی بە دوور دەزانرا. لایەنێک وەک سوننەی عەرەب کە خۆی بە دەسەڵاتداری چەن ساڵەی ئەم وڵاتە دەزانێ حازر نەبوو تۆسقاڵێک دەس بەرداری حوکمی زاڵمانەی خۆی بێ و بە پشتیوانی بەکێتی عەرەبی دلگەرم بووە.

لایەنێک وەک شیعەی عەرەب کە زۆرینەیە بە مافی خۆی دەزانێ سەرپارلە سەر ئیجراءات وەک ئاک بدات و لە سەر بنەمای زۆرینە بە مافی خۆی دەزانێ سەرپارلە سەر لایەنێکیش وەک کورد بدا کە داوای مافە پێشێلکراوەکانی دەکرد کە دەمێکی زۆرە خەباتی بۆ دەکا و زۆر تاوارەیی دیوە و قوربانی لەم پێناوە داوە. سەرچەم ئەمانە پێوونە هۆکارێک بۆ نەگەیشتن بە ئاکامێکی شیاو.

٢ـ هێزی هاوپەیمانان:

زۆر جار گوتراوە کە ئەمریکا تەنیا بۆ ئازادی عێراق نەهاتووە و بە دوای بەرژەوەندی ڕامیاری و ئابووری خۆیەتی. بە ڕاستی ئەمەش بۆتە کێشەیەک چون هەر یاسایەک کە لەگەڵ بەرژەوەندی هاوپەیمانان نەیخوێنێتەوە ئەگەر بۆ خەڵکی عێراقیش بە سوود بێ بە ئەنگژەدا دەکەوێ و ڕەفز دەکرێتەوە. مەسەلەی تر لە سەر هاوپەیمانان ئەوەیە کە ئێختیاراتی بەڕێوەبردنی حکومەتی عێراق سنووردارە و حەقی نەداخولیان لە زۆر ئیش‌دا نییە و ئەمەش دژایەتی هەیە لە سەر سەربەخۆیی عێراق.

٣ـ باری ئەمنی و ئاسایش:

لە سەرەکی‌ترین گرفتەکانی ئێستای کۆمەڵگای عێراق، باری ئەمنی بە تایبەت لە بەغدا و ناوچە ناوەڕاستەکانی ئەوێیە. هەڵبەت ئەم مەسەلەیە دەتوانێ گرێدراوی دوو خاڵی ئامازەپێکراویش بێ یانی ناکۆکی هێزەکانی ناوخۆی عێراق بوو بە هۆی درەنگ بوونی حکومەت و داڕشتنی ئیداری و ئەمەش بۆشایی‌یەکی گەورەی خستە ناو پێکهاتەکانی سیاسی و جەماوەر کە بەیوەندی ڕاستەوخۆی بە باری ئەمنییەوە هەیە.

٤ـ کەرکووک:

کەرکووک ئەو شارەیە کە بە ڕادەی تەواو شارەکانی عێراق کێشەی لە سەرە و ئەوەش دەگەڕێتەوە بۆ سیاسەتە چەپەڵەکانی ڕژێمی ڕووخاوی بەعس لە تەعریب کردن و لە ناو بردنی باری ئەتەوەیی و جوگرافی ئەم شارە بە شێوەی دابڕینی تەزا و ناحیەکان لە پارێزگای کەرکووک و سووتاندن و خاپوور کردنی دێهاتەکان. لەم ئیش‌دا کورد بە تایبەتی و تورکەمەن زەرەرمەندی ڕاستەقینەن.

← ١٥

کاک مستەفا دیارە سەردەمی کاری ئەدەبی، جالاکی سیاسیشتان هەبووە. پێمان خۆشە لەم ئەزموونانە بدوێن.

بەر لە شۆڕشی ئیسلامی، دژی ڕژێمی شا چالاکیم بووە و لە خۆپیشاندانەکانی شاری ئەغەدەدا بەشدار بووم و تەنانەت لە پێکهاتەکان‌دا ڕۆڵم بینیوە و بەرنامەی ئەدەبیم بەڕێوە بردووە و هەر ئەم هەنگاوانە متمانەی خەڵکی بۆ بە دیاری هێنام و منیان وەکوو ئەندامی شوورای ئەو شارە هەڵبژاردووە و لەگەڵ تاقمێک بەڕێزەوەکوو مستەفا هیجری و... لە چەند دانیشتن‌دا لەگەڵ لێژنەی دەوڵەت لە شارەکانی مەهاباد و سنەدا بەشدار بووم.

بە پێی ئەو ئەزموونانەی ئامازەتان پێکرد و بەشداریتان لەو دانیشتنانە، ئەگەر دەکرێ سەرەتا لە سەر ڕووداوی شەڕی ناوخۆی شاری ئەغەدە بدوێن.

وەک پێشتر ئامازەم پێکرد ئێمە لەگەڵ جەماعەتێک لە لاوانی ئەو شارە وەکوو کاک موحسین ڕەحیمی، عومەر ئیلخانیزادە ـ کە ئەوکات ئەفسەری وەزیفە بوو ـ محەممەد مراد ڕەسوولی و لە ترکەکان ئاغای عیلمی کە یەکەم بەرپرسی سپای پاسداران بوو و ماشاڵڵاخان بۆزچەلوو و... لە دژی شا پێکەوە هاوکاریمان هەبوو.

لە پاش شۆڕش بە هۆی هەندێ داواکارییەکانی خەڵکی کورد و هەروەها بە هۆی دەستێوەردانی ئاقمێک مرۆڤ کە میرانی ڕژێمی پێشوو بوون، لە ئێران کورد و ترکدا هەندێک دڕدۆنگی و ئاڵۆزی پێکهات. لەو ئێوەدا ئێمە وەکوو کۆمەڵێکی خەمخۆر بە بەردەوام حەوڵی ئەوەمان دەدا کە دژایەتی پێک نییە و بەکێتی بپارێزرێ. دیارە لە ئێو ترکەکانیش‌دا ڕێزداری وا هەبوون کە لایەنگری هاوکاری و نیزیکایەتی بوون. بەڵام بەڕێوە بردنی میتینگی حیزبی دیموکرات کە بەڕێوەبەری سەرەکی ئەو ئاغای ڕەحمان حاجی ئەحمەدی بوو و لە دەرەوەدا گەڕابۆوە وڵات و بەو پێیە زۆر ئاگاداری دۆخی ناوچەکە و پەیوەندی کورد و ترک نەبوو بۆ دەسپێکی ئەم ڕووداوە تاڵە و دیارە حاجی ئەحمەدی بە قسەی دەوروبەریشی نەدەکرد و بەبێ ئەوەی کە ڕاوێژ و پرسێک بە ئێمە وەکوو شوورای شار بکا، حیزبی قانع کردبوو کە ئەم میتینگە سەر بگرێ و بەڕێوە بچێ و ڕەنگە بەرپرسانی ئەو حیزبەش زۆر ئاگاداری بارودۆخی ناوچەکە نەبووین. ئەو بەڕێوە هات و ئەم میتینگەی لە شوێنێک کە چوار دەوری ترک بوو بەڕێوە برد و ئەو هەموو جەماعەتە چەکدارەی کە لە پاوە و نەوسوود و... هاتبوون، یانی جەماعەتێکی بێ‌ئەزم و دیسیپلینی لەوێ کۆ کردەوە، دیارە ئێمە لانی‌کەم وەک ئەندامانی شوورای ئەو شارە دەبوو ئاگاداری ئەو کارە بووباین، بەڵام ئێمە هەرخەبەرمان نەبوو، من خۆم بە سەردان چوویووم ماڵی ڕەشیدی برام لە مەهاباد و لەوێ زانیم کە ئەوە حیزبی دیموکرات لە ئەغەدە خەریکە میتینگ بەڕێوە بەرێ. ئەڵبەت حاجی مەلا ساڵح ڕەحیمی (ئیمام جومعەی کوردی ئەغەدە) دژایەتی خۆی دەبڕیبوو و چوویبوونە لای حاجی مەلا بڕایمی موحەرریر کە مەلایەکی ترکەکان بوو و ئینسانێکی باش بوو پرسیان پێکردبوو و ئەویش تکای لە حاجی ئەحمەدی کردبوو ئەو میتینگە لەوێ بەڕێوە نەبا و لە گەڕەکی کوردەکان بەڕێوەی ببەن، بەڵام ئەو ئەمەی ڕەد کردبۆوە. من گەڕامەوە ئەغەدە و دیتم جەماوەرێکی زۆر کۆ بوونەتەوە و ترکەکانیش وەک دژایەتی کردن دووکان و بازاڕیان داخستبوو و خۆیان ئامادە کردبوو. یەک دوو ئەقسەهات و هەراوهوریای جەماعەت دەست پێکرا و وڵات شێوا. من کە بۆ یەکەم جار "دوکتۆر قاسملوو"م لە ماڵی میرزا ڕەحیمی خەڕیزی دیبووو و ئاشنایەتێکی وام لەگەڵی نەبوو، ئەماشام کرد ئەوە لەوێ بە ئەنیا ماوەتەوە و کەسی بە دەورەوە نییە. چوومە لای و گوتم دوکتۆر بە ئێو شاری‌دا بڕۆیەوە خەتەرە، بە پشت "چیانە"دا بڕۆ و با بچین بۆ ماڵی ئێمە چەند پێشمەرگەیەکی لەگەڵ بوو و چوینە ماڵە ئێمە و ئەهارمان خوارد و لێی پرسیم: "ئەو مەسەلە و ئەو ڕووداوە چۆن بوو؟" گوتم: "کارێکی زۆر خراپ بوو و ئەدەبوو ئاوا بایە." گوتی: "بۆ لە پێش‌دا دەنگت نەدەکرد؟" گوتم: "ئەمن ئەندامی حیزب نیم و وەک ئەندامی شوورا و ئوێنەری خەڵک نە هیچ پرسێک بە من کراوە و نە بە باقی ئەندامانی ترنەکراوە." دیارە ترکەکانی ئەغەدەش خەباڵی شەڕ کردنیان نەبوو، دەنا هەر لەو مەیدانەدا جەماعەتێکی زۆر

میتینگی ئەغەدە هەڵە بوو

وتووێژ لەگەڵ مستەفا ئیلخانیزادە

ئامازە: مستەفا ئیلخانیزادە لە دایکبووی ساڵی ١٣٢٥ گوندی سەدرئاوای سەر بە شاری بۆکان و بازنشستەی ئیدارەی دارایی‌یە. لە ماوەی ژیانی‌دا لە بەستێنەکانی شێعر و چیرۆک و وەرگێڕان و فێرکاری زمانی کوردی‌دا کاری کردووە و تا ئێستا ٢٣ بەرهەمی چاپکراوی هەیە. ئەو بەو تەمەنەوە هەنووکەش ماندووناسانە لەو بوارانەدا هەنگاو دەنێ و بە وتەی خۆی ئیستا زیاتر بایەخ بە ئەدەبیاتی منداڵان دەدا. کاک مستەفا لێردا وەکوو شاهیدی بەشێک لە ڕووداوەکانی مێژوویی ناوچە تیشک دەخاتە سەر هەندێک لایەن و لە ڕوانگەی خۆیەوە لێیان دەدوێ.

دەکوژرا. شەخسی دوکتۆر قاسملووش یەکجار پێی خۆش بووکە ئەو شەڕە هەرچی زووتر ببڕێتەوە و داکۆژێتەوە. بەڵام بابەتەکە لە قەوارە چوویوو دەرێ و لە هەر دووک لا کۆژرابوو و بە داخەوە ئەو ڕووداوە ناخۆشەی لێکەوتەوە کە بە زەرەری هەر دووک لا بە تایبەت کوردەکان تەواو بوو.

یانی جەنابت ڕوودانی ئەو ڕووداوە دڵهەژێنە هەر لە ئێوچاوانی ئاغای حاجی ئەحمەدی‌دا دەبینی و بێت وا نییە هۆکاری دیکەش لە ئارادا هەبن؟

ئەڵبەت تەنیا هەر لە ئێوچاوانی ئەو کەسەی‌دا نابینم، بەڵکوو ئەو وەکوو عامیلێک دەبینم کە ئاوڕێک بخاتە ئەنبارێکی تەقەمەنی، چون زەمینەی ئەو ڕووداوە هەبوو، تەنانەت لە بێش‌دا یەک دوو جاری تر خەڕێک بوو شەڕێک ساز بێ. بۆ نموونە لە سەر ئەو مەسەلەی کە لە پاسگا

کەسێک کوژرابوو، کاک مستەفا هیجری کەوتە نێوان و دایکوژاندەوە و جارێکی تر دژایەتێک لە نێوان کچە کوردێک و کچە ترکێک کە لە مەدرەسەدا پێکهاتبوو، خەریک بوو شەڕێک هەڵبێسێ کە من ئەو شەڕەم کۆژاندەوە. خولاسە عەواملێکی دیکە لە ئارادا هەبوون، بەڵام ئەگەر ئەوە نەبا ڕەنگە قەت شەڕی وا گەورە لە ئەغەدە ڕووی نەدابا.

ئێمە تا ڕادەیەک بە سەر بارودۆخەکەدا زاڵ بووین و لەگەڵ ترکەکانیش‌دا هاوکاری و هاوپەیمان هەبوو و تەنانەت ئایەتوولڵا خومەینی، ئاغای حەمیدزادەی وەک نوێنەر ناردبوو ئەغەدە. ڕۆژێک گوتی: "با نوێنەرانی ترک و کورد بێن و دانیشتنمان هەبێ." من وەک نوێنەری خەڵکی شار، سەید ڕەسوولی بابی گەورە (دەفقان) وەک نوێنەری حیزبی دیموکرات، ماشاڵڵاخان و چەند کەسی دیکەش لە ترکەکان و هەروەها حاجی میرزا بڕایمیش بە ئەلیفون ئاگادار کران لەو دانیشتنەدا چەند خاڵێکمان بۆ هاوکاری و هاوڕایی داری کرد و ئەگەر شتێک ڕووی دابا، ئێمە خێرا کۆ دەبووینەوە و نەماندەهێشت کێشە ساز بێ و ڕووداوێک بقەومێ. بەڵام بە داخەوە ئەو میتینگە هەموو ڕیسەکەی لێکردینەوە خوری.

ئێوە وەک ئەندامی شوورای ئەغەدە لەو دانیشتنانەی کە لە نێوان کوردەکان و لێژنەی دەوڵەت لە مەهاباددا پێک‌هاتن. بەشدار بوون؟ دەکرێ لە ناوەڕۆکی ئەو دانیشتنانە بدوێن؟

ئەم دانیشتنە لە ساڵی ٥٨‌دا پێکهات، کە ئاغای فروهەر و هاوڕێیانی هاتن، واقەرارداننا کە لە هەر شارەی دوو کەس وەک نوێنەر لەم دانیشتنەدا بەشدار بن. من و کاک مستەفا هیجری وەک نوێنەری کوردەکانی شاری ئەغەدە و هەروا لە شارەکانی دیکەش دوو کەس دیاری کرابوون. لە کەسایەتیە سیاسییەکانی بەشدار لەوکۆبوونەوەدا دوکتۆر قاسملوو بەشدار بوو. ئەڵبەت ناوی هەموویانم لە بیر نەماوە. بەڵام نوێنەری شاری شنۆ ئاغای ڕەحیم مەحموودزادە بوو، لە بۆکان کاک سەلاح موفتەدی و ئاغای حەسەن شەمسی هاتبوون، لە سەقز بیێم وا بێ بەکیان ئاغای دوکتۆر شاکری بوو. بە داخەوە ئەوانی دیکەشم لە بیر نەماوە.

دیارە ئەو دانیشتنە لە ماڵە حاجی ڕەحیم خەڕزایی بووە و بە پێی وتووێژێک کە لە ژمارەکانی ڕابردووی "پەیامی کوردستان" لەگەڵ ئەو بەڕێزەمان هەمانبوو، لە قسەکانی‌دا ئامازە بەمە دەکا کە ئاکامی دانیشتنەکە لەگەڵ لێژنەی دەوڵەت تەنیا گەیشتن بە حەوت ماددە بوو و ماددەی هەشتەم لە یاشان لە لایەن کاک سەلاح موهتەدیبەوە پێوەی لکاوە. دیارە لە بیرەوەریەکانی کاک ڕەحیم مەحموودزادەش‌دا کە هەر لەو حەفتەنامەدا چاپ کراوە ئەو قسەی حاجی ڕەحیم خەڕزایی بە ڕاست زاندراوە. ئێوە وەک کەسێکی بەشدار لەو دانیشتنەدا ئەو بابەتە چۆن لێک‌دەدەنەوە؟

من پێم وایە ئەم بەڕێزانە ئەو بابەتانەیان بە باشی لە بیر نەماین. ئەڵبەت پێویستە ئامازە بە بابەتێک بکەین کە مرۆڤ نابێ ٢٢ ساڵ لەوە پێش بە پێوەر و مەعیاری ئەمڕۆ هەڵسەنگێنێ. مەسەلەی ماددەی هەشتیش بەم جۆرە بوو، ئەو سەردەمی فەرایەکی زۆر توندی چەپی و چەپگەرایی بە سەر کوردستان‌دا زاڵ بوو و هەروەها بە هۆی خەیانەتەکانی ئەمریکا و عامیلی ئەمریکا یانی شا کە بۆ سەرکوت کردنی کوردەکان کردبوویان، یانی ئەو خەیانەتەی کە لەگەڵ شۆڕشی مەلا مستەفا بارزانی کردیان، فەرایەکی دژی ئەمریکایی و چەپڕەوانە حاکم بوو. لە بارەی ماددەی هەشتەوە ئەوەی کە حاجی ڕەحیم و ئاغای مەحموودزادە دەیڵێن وا نەبوو و ئەم ماددانە هەر لەوێ نووسرا و وەک لە بیرم بێ جگە لە ئاغای مەحموودزادە کە زۆر بە توندی دژی ئەو ماددەیە ڕاوەستا و بە منی گوت ئەو ماددەیە چ پەیوەندییەکی بە ئێمەوە هەیە و بۆچی بیتووسین، هیچ کەسێکی تر دژایەتی خۆی دەرنەبڕی و هەموویان ئیمزایان کرد. نووسرانی ئەم ماددەیە لە لایەن کاک سەلاح و یا کەسێکی دیکەوە نەبووە، ڕەنگە کاک سەلاح ئەو ماددەیەی لە لا پەسندیش بووبێ و یان دۆستانی تریش هەر وا و یا تەنانەت لە لای هەندێ کەسیش پەسند نەکرابێ و لە دڵدا پێیان خۆش نەبووبێ، بەڵام جگە لە ئاغای مەحموودزادە کەس ڕاستەوخۆ دژایەتی خۆی دەرنەبڕی. جا دروست یا نادروست، بیر و ڕای زۆرینە وا بوو و هەر لەوێ ئیمزا کرا.

یانی ئێوە بەر لەوەی لەگەڵ لێژنەی دەوڵەت دانیشتنتان هەبێ، وەک نوێنەرانی خەڵک لە دەورەی یەک دانیشتن و بەو قەناعەتە گەیشتن کە ئەو هەشت ماددەیە تەسلیمی لێژنەی دەوڵەت بکەن؟

بەڵێ ئەو ماددانە لە پێش‌دا نووسرابوون و لە لایەن بەشدارەکانەوە پەسند کرا و هەر وەک ئامازەم کرد تەنیا ئاغای مەحموودزادە بووکە ماددە هەشتی پەسند نەکرد و ڕژایەتی خۆشی دەربڕی.

ئێوە وەک نوێنەری شاری ئەغەدە لەو دانیشتنەی شاری سنەش کە لەگەڵ لێژنەی دەوڵەت بە ئەنجام گەیشت بەشدار بوون. ناوەڕۆکی ئەو بابەتەی کە لەو دانیشتنەدا هاتنە ئارا چ بوو؟

یەکەمی ساڵی ٥٨ کە شەڕی سنە ڕووی دا، دەوڵەت ئیعلامی کرد کە وەفدێک بۆ دانیشتن لەگەڵ نوێنەرانی کورد دەنێرێتە سنە، خەبەر ناردرا بۆ شارە کوردنشینەکان کە نوێنەر ڕەوانەی سنە بکرێ، لە بیرم نییە کە ئەو سەردەم کاک مستەفا هیجری بە چ هۆیەک لە مال نەبوو، من و موهەندیس موحسین ڕەحیمی کوڕی حاجی مەلا ساڵح وەک نوێنەرانی کوردی شاری ئەغەدە چووین بۆ سنە. لەوێ مەلا شێخ عیززەددین حوسێنی وەکوو بەڕێوەبەری کۆڕەکەی ئێمە ڕاگەیاندرا و جگە لەو ئاغای ئەحمەدی موفتی‌زادەش بەشدار بووە و چەند کەس لە لایەنگرانی ئەو وەکوو مەلا جەلال شافیعی بەشداریان هەبوو. وەک لە بیرم بێ لە لایەن لێژنەی دەوڵەتیش، ئاغای تاڵەقانی و ئاغای بەهەشتی و بەنی‌سەدر و حاجی سەیدجەوادی و ئاغای یونسی کە ئەودەم ئوستانداری سنە بوو لەو کۆبوونەوەدا بەشدار بوون. دیارە لەو دانیشتنەش‌دا لە سەر کێشە و داواکانی خەڵکی کورد دوایین. لەو سەردەمدا کە کومیتەی شۆڕش ساز بوون، لە سنە دوو کومیتە هەبوو، یەکیان کومیتەی کوردەکان و ئەهلی سوننەت بە بەرپرسیاری ئاغای موفتی‌زادە و کومیتەی تر بە بەرپرسایەتی ئاغای سەفدەری کە مەلایەکی شیعە بوو. بەو پێیە کە لایەنگرانی ئاغای موفتی‌زادە لە چاو ئاغای سەفدەری زۆر زیاتر بوو و هەروەها لە سنەدا ڕەوەندی تر و لایەنی تر وەکوو بەرەی میللی و لائیک و... هەبوو، بەڵام هەموو ئیمکان و ئیختیارێک بە ئاغای سەفدەری سپێردرابوو و لە سەر ئەو مەسەلە دژایەتی نێوان ئەو دوو کومیتە دەست پێکرا و ژاندارمەری گێرا و لە پاشان دەوری پادگانیان دا و لەوکەمێوەینەدا بووکە لێژنەی دەوڵەت نارد‌را و وەکوو لە بیرم مابێ چەند بابەتێکم لەگەڵ ئەوان باس کرد و پێم گوتن: "ئێوە دەڵێن لە ئینقلابی ئیسلامی‌دا هیچ جیاوازییەک لە نێوان شیعە و سوننی‌دا نییە، ئەی بۆچی لە سنە کە ٩٨ لە سەدی خەڵکی ئەو شارە سوننی مەزهەبن، بەڵام هەموو ئیختیارێک دراوە بە برادەرێکی شیعە یانی ئاغای سەفدەری کە ئەو شارە زمارێکی زۆر کەمی شیعە تێدایە." ئاغای موفتی‌زادەش لەو قسەی من پشتیوانی کرد و ئاغای تاڵەقانی گوتی لەو بارەوە حەقە و ڕاست دەکەن.

دیارە لە دەرەوەی کۆبوونەوەکەش‌دا قسە دەکرا، کاتی پشوودان بوو لە بیرمە کە ئەمن لە تەنیشت ئاغای بەنی‌سەدر دانیشتبووم. لە منی پرسی: "لەمەڕ خودموختاری نەزەرت چییە؟" ئەمنیش گوتم: "خودموختاری زۆر خراپە." دیارە ئاغای بەنی‌سەدر ئەو قسەیەی زۆر پێخۆش بوو و گوتی "آدم منطقی بە این می‌گویند پس نظرت چیست"؟ گوتم: "لە بەرەوەتدا کورد هەموو ئێرانین و لە دوای شەڕی چالدران کورد لێک بڵاو بۆوە، بە ڕای من دەبێ هەموو پارچەکانی کوردستان لە تورکیا و سووریا و عێراق پێکەوە بلکێنەوە و بدرێنەوە بە ئێران." بەنی‌سەدر چاویکی لێکردم و گوتی: "بد حرفی نمی‌زنی، ان وقت شما اکثریت باشید و شما بە ما خودمختاری بدهید..." دیارە پاش ئەو دانیشتنانە بەڵێن درا هەڵبژاردنێک بێ و شوورا بۆ شار دیاری بکرێ و دکتۆر موزەففەر بەرتەوما وەک نوێنەری دەوڵەتی کاتی دیاری کرا و ئەو هەنگاوانەش هەڵگیران و ئاکامێکی خراپیشی نەبوو.

← ١٥

ئەمریکا و ڕۆژهەڵاتی ناوەڕاست

عەلی پورنا

ئەوەی کە ڕوون و ئاشکرایە و دەبێ ئەواوی وڵاتانی ڕۆژهەڵاتی ناوەڕاست، بە تایبەتی عێراقییەکان و دراوسێ عێراقییەکان قبووڵی بکەن ئەوەیە کە ئەمریکا عێراق چۆل ناکا.

"کیۆن جێیمز" لە سایتی "aljazeera" لە ڕاپۆرتێکدا بەم جۆرە دەربارەی هەڵومەرجی نێزامی ئەمریکا لە عێراقدا دەنووسێ: "باڵوێزخانەی ئەمریکا لە بەغدا بەقەد ٨٠ زەمینی قتباڵ لە ناوەڕاستی بەغدا جێگای داگیر کردووە. بەرەپێدان و زیاد کردنی هاتوچۆی ئاسمانی و چەکداری ئەمریکا لە عێراق و نیشتەجێ کردنی بێشکەوتووترین کەلوپەلی سیخوڕی و شەڕ کردن، تازەترین هەڵسوکەوتی ئەمریکا لە عێراقدایە." جۆرج بووش سەرۆککۆماری ئەمریکا لە لێدوانێکدا لەمەڕ چوونە دەری هێزەکانی ئەمریکا گوتوویەتی: "هەتا ماوەمان تەواو نەبێت، لە عێراق دەمێنینەوە. بە واتایەکی تر هەتا پلانەکانمان لە ڕۆژهەڵاتی ناوەڕاست جێبەجێ نەکرێن دەمێنینەوە."

ڕۆژنامەی "شیکاگۆ تریبۆن" لە مارسی ٢٠٠٤ لە زاری فەرماندەی عەمەلیاتی ئەمریکا "مارک کیم میت" دەنووسێ: "ئێمە لە ڕۆژهەڵاتی ناوەڕاست دا جێگای خۆمان کردۆتەوە و زۆر هاسان دەتوانین هەر چەشنە مانۆڕێک بەڕێوە بەرین". پاش ڕووخانی دیواری برلین لە ساڵی ١٩٨٩دا هەتا ئێستا ئەمریکا ٣٥ بنکەی چەکداری لە نێوان پاکستان هەتا لەبنان داناوە. کە زۆربەی وڵاتانی ڕۆژهەڵاتی ناوەڕاست لە ساڵی ١٩٧٩وە، هاوکات لەگەڵ گۆڕانی ڕژێم لە ئێراندا دەستی پێکرد. پشتیوانی ٨ ساڵەی ئەمریکا لە عێراق دژ بە کۆماری ئیسلامی، هێزی نێزامی ـ سیاسی عێراقی ئەوەندە بەهێز کرد کە سەددام حوسێن دەستی بۆ داگیر کردنی "کوێت" درێژ کرد.

ئەوە هەوەڵین کردەوەی بڕۆژەی ڕۆژهەڵاتی گەورە بوو. هێرش کردن بۆ سەر "کوێت" خاڵێکی بەهێز بۆ ئەمریکاییەکان بوو هەتا لە ڕۆژهەڵاتی ناوەڕاستدا جێ پێی خۆیان قایمتر بکەن. پێش ساڵی ١٩٩٠ ئەمریکا تەنیا سێ بنکەی نێزامی لە ڕۆژهەڵاتی ناوەڕاستدا هەبووە، بێگومان هێزی ئەمریکا لە عێراقدا زۆر لە ئەوانی تر بە هێزتر دەبێت. لە مانگی مەی ٢٠٠٥دا "واشینگتۆن پۆست" ڕاپۆرتێکی بەم شێوەیەی لە سەر بنکەکانی نێزامی ئەمریکا بڵاو کردەوە کە پێنتاگۆن بە ئەمایە لە عێراق دا چوار بنکەی نێزامی دابنێ. ڕۆژ بە ڕۆژ هێزی سیاسی، نێزامی و ئابووری ئەمریکا لە ڕۆژهەڵاتی ناوەڕاستدا بە هێزتر دەبێت. زۆربەی سیاسەتوانان لە سەر ئەم باوەڕەن کە ئەمریکا سەبارەت بە وچەند خاڵەی خوارووە ڕووی لە ڕۆژهەڵاتی ناوەڕاست کردووە:

١ـ کۆنترۆڵی ڕۆژهەڵاتی ناوەڕاست و هێنانە سەر کاری ئەو ڕژێمانەی کە پشتیوانی لە ئەمریکا دەکەن. بۆ وێنە دوو ڕژێمی تاڵەبان و بەعس بە هۆی پشتیوانی کردن لە تێرۆریزم و هەڕەشە لە ئیسرائیل و ئیسلامی ڕادیکاڵ و تەکحیزیی و... بە دەستی زۆر لە لایەن ئەمریکا و هاوپەیمانەکانی لابردران.

٢ـ کۆنترۆڵ وزەی (تێنێرژی) ڕۆژهەڵاتی ناوەڕاست.

هەر چەند ئەمریکا ٢٠% ئەوتی خۆی لە ڕۆژهەڵاتی ناوەڕاست دەکڕێ، بەڵام بە کۆنترۆڵ کردنی ٧٠ لە سەدی ئەوتی دنیا دەتوانێ زۆر شتان بە قازانجی خۆی ئەواو بکا.

٣ـ دروست کردنی کیانێکی کوردی هاوپەیمان لەگەڵ ڕۆژئاوا.

لە باری هەڵسەنگاندنەوە هیچ چەشنە دیاگرامێک لە بەر دەستدا نییە کە بیهێنێتە سەر کاغەز. دوکتۆر "عەلی ڕاستین" بەرپرسی لێکۆڵینەوەی ئیستراتێژیکی پاریس ڕۆڵی کوردەکان لە ڕۆژهەڵاتی ناوەڕاستدا بەم جۆرە شی دەکاتەوە: "لە هەڵومەرجی تازەدا کوردەکان دەساری ناوچەی ڕۆژهەڵاتی ناوەڕاستن. ئاوا بوونی هێزی تورکیا، سەرهەڵدانی هێزی کوردی بە دوادا دێت. ئەوان خاوەنی گەورەترین کانگاکانی نەوت و گازی ڕۆژهەڵاتی ناوەڕاستن و دوو جۆمی گەورەی دیجلە و فورات کە ڕۆڵێکی زۆر بە ڕچاویان لە ئابووری ڕۆژهەڵاتی ناوەڕاستدا دەبێت لە کوردستانن. کوردەکان خاوەنی کانگاکانی

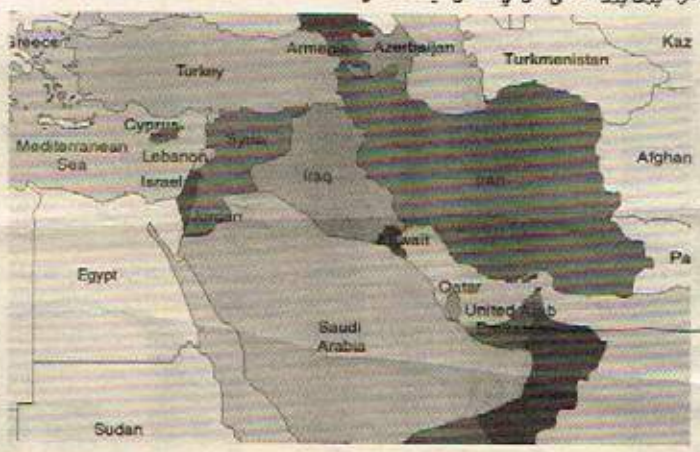

جۆراوجۆری ڕێزەوین و لە ڕێگای بە ندەری تەسکەندەروونەوە دەگەنە دەریاکانی ئازادەوە. ئەمریکا لە سەر مەسەلەیەک وانە مان مرۆڤ لەگەڵ ئورووپا پشتیوانی لە کوردەکانی تورکیا دەکەن هەتا هەڵومەرجی سەرهەڵدانی ئەوان ساز دەکەن."

٤ـ کەم کردنەوەی هەڕەشە لە ئیسرائیل (بە لاوازکردنی وڵاتەکان...)

٥ـ دەس‌تێوەردان لە پرۆژەکانی سیاسی، ئابووری، نێزامی و... (بۆ وێنە ڕاکێشانی لوولەی گازی ئێران بۆ ئورووپا کەمخەرجترین پرۆژە بۆ ئورووپاییەکان بوو بەڵام ئەم کارە سەری نەگرت. ئەگەری ئەوەش هەیە کە گازی ئێران قەت نەگاتە هیندووستان. چونکە ئەمڕۆکە ئەمریکا، ڕێگای ئەفغانستانی هەیە هەتا گازی وڵاتانی دەورووبەری دەریای خەزەریش بەو وڵاتەدا بۆ هیند و پاکستان ڕاکێشێ.) هەڵسوکەوتی وڵاتانی دنیا لە بەرامبەر چالاکییەکانی ئەمریکادا بە شێوەیەکی کورت و خێرا دەکرێ بە دوو دەستە

پۆلێن بکرێ:

ئـ ـ وڵاتانی ڕۆژهەڵاتی ناوەڕاست

١ـ عێراق و کوردستانی عێراق: عێراقییەکان بە تایبەتی کوردەکان مانەوەی خۆیان لە مانەوەی ئەمریکادا دەبینن.

٢ـ ئێران: خاوەنی کێشەی قووڵ و ئێران لە ژێر فشاردایە.

٣ـ سوریا: خاوەنی کێشەن. سووریا وادار کرا هێزەکانی خۆی لە لوبنان بکێشێتەوە.

٤ـ عەرەبستان: کوێت، وڵاتانی کەنداوی فارس: پێڕەوی لە سیاسەتەکانی ئابووری ئەمریکا دەکەن.

٥ـ میسر: بە هۆی دۆستایەتی لەگەڵ ئیسرائیل قازانجێکی زۆری لە لایەن ئەمریکاوە پێدەگات.

٦ـ ئیسرائیل: ئیسترانژیکترین دۆستی ئەمریکایە و بە توندی پشتیوانی لە ڕۆژهەڵاتی ناوەڕاستی گەورە دەکات.

٧ـ تورکیا: دۆستی نێزامی، بەڵام ڕۆژبە ڕۆژ دۆستایەتی ڕۆژئاوا لەگەڵ تورکیا ساردتر دەبێت.

٨ـ ئەفغانستان: هاوپەیمانی ئەمریکا دژ بە تێرۆریسم. پشتیوانی سیاسی، نێزامی و ئابووری ڕۆژئاوا بۆ ئەفغانستان حەیاتییە.

٩ـ پاکستان: هەڵومەرجێکی وەک ئەفغانستانی هەیە.

بـ ـ دەردەوەی ڕۆژهەڵاتی ناوەڕاست:

ئورووپا: بە تەواوی ماناوە لەگەڵ ئەمریکان، بە تایبەتی ڕۆژئاوای ئورووپا.

چین و ڕووسیا: سەبارەت بە یەک جەمسەری ڕۆژئاوا نیگەرانن و هەتا ئێستاش جەند مانۆڕی هاوبەشیان بەڕێوە بردووە.

ئوستراليا: هاودەنگ لەگەڵ ئامریکایە.

باشووری ئەمریکا: کوبا لەگەڵ وێنزوئێلا دژ بە سیاسەتەکانی ئەمریکان.

باکووری ئەمریکا: هاودەنگن.

ئەفریقای ناوەڕاست و باشووری ئەفریقا: هیچ وەرێنێکیان نیە.

باکووری ئەمریکا و باشووری ئەفریقا: هیچ لەگەڵ ئەمریکا هاودەنگن. بە تازەگی سەرۆککۆماری میسر ڕایگەیاند کە مانەوەی ئامریکا لە عێراقدا زۆر پێویستە.

کێشەکانی عێراق و ...

١٤ ←

هەڵبەت سیاسەتی دەوڵەتەکانی عەلاوی و جەعفەری زۆر جیاوازییان لەگەڵ سیاسەتی ئەو کاتی سەددام نەبووە و ئەمانەش بە ڕوانگەیەکی شۆڤێنی عەرەبی لەم شارەیان ڕوانی و لەم ماوەیەدا نەیانتوانی هەنگاوێکی ئەرێنی بۆ ئەم شارە هەڵێنێنەوە.

هەڵبەت کێشەکان تەنیا گرێدراوی ئەم چوار خاڵە نین و زۆر خاڵی تر وەک دەس‌تێوەردانی دراوسێکان بە تایبەت تورکیا لە کاروباری ناوخۆی عێراق و بوونی میلیشیا و بەعسییەکان و باری ئابووری و... ئەوەی ڕاستی بێ لەم دۆخەدا عێراق هیچ چەشنە زەمینەیەکی ڕاستەقینەی بوونی دیموکراتیەتی تێدا بەدی ناکرێ. ڕەنگە دوای هەڵبژاردن و دیاری کردنی سەرۆککۆمار و سەرۆکوەزیران چەشنێک شەرعییەت بەم حکومەتە ببەخشرێ، بەڵام ئێستاش زۆر لایەن ڕەشبینی خۆیان سەبارەت بەم حکومەتە دەردەبڕن و لە سەر ئەم بڕوایەن کە زوو یا درەنگ شەڕی ناوخۆ لە عێراق هەڵدەگیرسێنێتەوە.

پتەو کردنی بەیوەندی نێوان هێزەکانی عێراقی فاکتەرێکی سەرەکییە بۆ ڕێ گرتن لە هەر چەشنە دووبەرەکی و ئاژاوەنانەوە بەو مەرجەی لە سەر ئەساسی تەوافوقی و لێکتێگەیشتن بێ و هیچ لایەنێک حوکمی خۆی بە سەر ئەوی تردا نەسەپێنێ، بێویستە لەم نێوەش‌دا هەوڵ و ماندوو بوونی مام جەلال وەک کەسایەتی سیاسی عێراق کە لە نیزیک خستنەوەی هێزەکان، ڕۆڵێکی بەرچاوی هەبوو بەرۆ بنرخێندرێ و ئەو لە قۆناغە هەستیارەکاندا وەک گەمیەکەی نووح پارێزەری خەڵکی عێراق بە گشتی بووە و هەنگاوەکانی بۆ بە دیموکراتیزە کردنی عێراق جێی سرنج و ڕامانە. لە بەعزە کاتێکیش کەسایەتی ئایینی عەلی سیستانی ڕێگر بووە لە کاری توند و تێکدەرانە و لە هێور کردنەوەی ئەوزاعی سیاسی و کۆمەڵایەتی عێراق دەوری گێڕاوە.

لە کۆتاییدا دەبێ بگوترێ کە عێراق بە قۆناغێکی مێژوویی‌دا تێدەپەڕێ و ئەگەر بە ئاغەی دەستوور مەحکەم دابنرێ ئەوا لە داهاتوودا سەرکەوتن وە دەست دێ و کۆڵەکەی حکوومەت ڕاست و قایم ناچەقێ مەگەر ئەوەی کە کێشەکان بە شێوەیەکی مەدەنی و بە دیالۆگ و گفتوگۆ چارەسەر بکرێن و ئەمەش یەکەمین و سەرەتایی‌ترین دەرسی دیموکراسییە و هیواش وایە لە یەکەم ئەزموونی‌دا سەرکەوتن بۆ گەلی عێراق دەستەبەر بکرێ.

پاشماوەی دوا پەیام

١٦ ←

"لە حاڵێکدا کە ئەم ڕەوتە لە وڵاتانی دیموکراتیکی گەشەسەندووداً، بە تەواوی بە پێچەوانەیە و بە هۆی سەقامگیر بوونی ژوورینەی ئابووری لە دەستی بەشی خوسووسی‌دا، ئەمە دەوڵەتە کە بەستراوەتەوە بە خەڵک نەک بە پێچەوانەوە... بە واتایاکی تر لەم جۆرە وڵاتانەدا خەڵک لە "سەروەت" ڕا دەگەنە "دەسەڵات"، لە حاڵێکدا لە لای ئێمە ئەمە دەسەڵاتە کە بەنارەوا دەبێتە سەرچاوەی وە دەس خستنی سەروەت. ئەم جیاوازییە ئەوەندە گرینگە کە شیکاری ڕەوتی دیموکراتیزە بوون لە وڵاتانی ڕانتیر لە چاو وڵاتانی دیکە جیایە و بە تەواوی پەروەندەیەکی جیاوازی بۆ دەکرێتەوە.

با نموونەیەکی نزیک باس بکەین. لە ساڵانی ٧٦ـ٧٩ کە نرخی نەوت لە کەمترین ئاستی خۆی لەم ٣٠ ساڵەی دوایی‌دا بوو، "دەوڵەت" لە ئێران وابەستەگییەکی زیاتری بە ماڵیات و لە ڕاستی‌دا بە هاوڵاتیان پەیدا کرد و ئەوەش تا ڕادەیەک بوو بە هۆی پاشەکشەی دەوڵەت لە بەستێنە خوسووسی و ئاکەکەسی و دانی هەندێک ئازادی سیاسی و کۆمەڵایەتی. لە ساڵی ٧٩وە کە ئەم ڕەوتە بە پێچەوانە بۆوە و نرخی نەوت بە شێوەیەکی ئاناسایی چووە سەرێ، قورسایی و بارستایی دەوڵەت و دەسەڵات دووبارە لە زیادتی دا.

کاتی خۆی من ئەم بۆچوونەم لە یادداشتێکدا بۆ ڕۆژنامەی "شرق" نووسی کە بە داخەوە ئەم چەند دێڕەیان سانسۆر کردبوو، لە حاڵێکدا ئەمڕۆ کەسێکی وەک عەباسی عەبدی زیاتر لەم گۆشەنیگایەوە دەڕوانێتە فەشەل هێنانی ڕیفۆرمخوازان...

٢ـ ڕۆژنامەی ڕانتیر هەم بە ڕەمەی دەوڵەت و کۆمەڵگای ڕانتێرە و هەم بۆخۆشی نموونەیەکی بچووکی پێکهاتەیەکی ڕانتێرە. هەڵبەت مەبەستی ئەم وتارە باس کردنی پەیوەندی نێوان دەوڵەت و ڕۆژنامەی ڕانتیر نییە، بەڵکوو مەبەست ئەمەیە کە نیشان بدا، ڕۆژنامەی ڕانتیر وەک دەوڵەتی ڕانتیر چەشنێک ساختار و داڕشتنی تایبەتی هەیە کە شوێن لە سەر جۆری پەیوەندی ئەو لەگەڵ خوێنەر دادەنێ. بۆ وێنە لە وەهاهەڵومەرجێکدا، با سەی "بەردەنگناسی" گرینگایەتییەکی ئەوتۆی نامێنێ، بەڵام ڕۆژنامەیەکی سەربەخۆی جیددی وابەستە سە کۆمەڵگای مەدەنییە یان بەشێکە لە کۆمەڵگای مەدەنی، پاشگری "جیددی"م بۆیە باس کرد تا حیسابی ڕۆژنامە زەرد و پۆپۆلیستییەکان تا ڕادەیەک لەم پێناسەیە جودا کەمەوە.

کاکڵی قسە ئەمەیە کە ڕۆژنامەی ڕانتیر بە هۆی خاوەندارێتی ڕانت، پێداویستییەکی وای بەم قازانجە نامێنێ کە لە ڕێگای گرین و دانەفرۆشی بە خوێنەرانەوە پەیدای دەکا. ئەمەش وای لێدەکا کە ڕادەی هەست بەرپرسیار بوونی لە ڕاست بەردەنگ کەم بێتەوە و هاوکاتیش بە قازانجی سەرچاوەی "ڕانت" بەشێک لە "سەریەخۆیی‌یەکەی" بدۆڕێنێ. هەڵبەت ڕادەی ئەمەش بەستراوەتەوە بە جۆرەی "سەرچاوەی ڕانت" و هەروەها کەم و زۆر بوونی "ڕادەی ڕانت". ئەمە لە حاڵێکدایە کە ڕۆژنامەی جیددی سەربەخۆ وەک دەوڵەتانی دیموکراتیک، بۆ درێژەدانی ژیانی، ناچارە سەرنجی خەڵک و خوێنەران بۆ لای خۆی ڕابکێشێ و لە ڕێگای ئاوردانەوە لە کێشەکان و دۆزینەوەی ڕێگاچارە و بە گشتی نیشان‌دانی تەسوێرێکی واقیعی و بەرهەست لە ژیان و ئاقار، پەیوەندییەکی قایمتر لەگەڵ خوێنەران ساز بکات. بۆ نموونە دەتوانین ئاماژە بە ڕۆژنامەیەکی وەک ئاوێنە و هاوڵاتی بکەین کە بە هۆی سەربەخۆ بوون، پرسی "بەردەنگ ناسی" جیددی‌تر دەدەگرن و لە چاو ڕۆژنامە دەوڵەتییەکان سەرکەوتووترن. بەڵام ڕۆژنامەی ڕانتیر چەشنی وڵاتانی خاوەنی ڕانت، دەقاودەق ئەم پێداویستییەی بە خەڵک نییە.

لێرەدا وە بیر قسەی دۆستێک دەکەومەوە کە دەیگوت زۆر بوونی بەشی کوردی عێراق لە نەوتی ئەم وڵاتە لە ١٣%ـ١٧% بۆ ئەگەری ئەوەی بە دواوەیە کە کۆمەڵگای مەدەنی لاواز بکا و بۆ نموونە فۆرمەتی ڕۆژنامەکان جوانتر، بەڵام لە هەمان حاڵدا بێ‌ناوەڕۆکیشیان کا! هەڵبەت ئەمەی باسی لێوە کرا زیاتر، گۆڤار و ڕۆژنامە گشتییەکان دەگرێتەوە، نەک بۆ نموونە، گۆڤاری تایبەتی و وەرزنامە زانکۆییەکان و... هەڵبەت لێرەدا ڕۆژنامە حیزبیەکانیشمان باس نەکردووە، هەم لەبەر ئەم بڕوایە کە لە کوردستان ڕۆژنامەی حیزبیمان نییە و هەمیش بە قابل بوون بە ئەوەی کە کۆمەڵگای سیاسی و مەدەنی لێک جودان. نەبوونی جیاوازێکی دیاریکراو و یاسایی لە نێوان "حیزب" و "دەوڵەت" لە کوردستانی عێراق چەمکی "ڕۆژنامەی حیزبی" (هەڵبەت جگە لە ڕۆژنامە ڕەسمییەکان) دەباتە ژێر پرسیار و زەمینەیەکی لەبارییش بۆ ڕانت خواردن لە بوارە جۆرەجۆرەکان و یەک لەوان، ڕۆژنامەگەری پێکدێنێ.

٣ـ ئایا ڕۆژنامەی ڕانتیر خراپە؟ ڕەنگە ئەم پرسیارە زۆر ڕاستی نەبێ و لە چەشنی پرسیارگەلی وەک "مانگێلە خراپە یان چاک و... بێ". بەڵام بێگومان ڕۆژنامەی سەربەخۆ چاترە. هەم لەبەر ئەوە کە ڕۆژنامەی سەربەخۆ لە ئاستی حیزبەیی‌دا وەک بۆنگایەکە کە سەرقاڵی چالاکی سالم و شەفاف ئابوورییە و هەم بە هۆی وابەستە بوون بە کۆمەڵگا و گرینگی‌دان بە باسی "بەردەنگناسی" چەندایەتی کارەکەی لە باری ناوەڕۆکەوە دەچێتە سەر. بەڵام ڕۆژنامەی ڕانتیر دەتوانێ لە هەردووک بوارەدا بە پێچەوانە بێ. هەڵبەت لێرەدا جێی خۆیەتی ئەمە دووپات کەینەوە کە دیسانیش ناکرێ کە لەم شتانەی کە گوتران حوکمێکی گشتگیرتر هەڵێنجێندرێ. بەڵام دەشێ ئەم پێکگرتنە لە نێو ڕۆژنامە هاوتەریبە جیددییەکان‌دا بکرێ. ئەم ڕۆژنامانەی کە هەم جیددین و هەم لە پێناو "قازانجی گشتی"دا چالاکی دەکەن و هەم پێوەر حیزبەییەکان لەبەر چاو دەگرن جا چ سەربەخۆ بن و چ ڕانتیرو تەنانەت دەوڵەتیش!

میتینگی نەغەدە هەڵە بوو

١٤ ←

باشە ئاکامی ئەو دانیشتنە بە خەڵکی ڕاگەیەندرا کە ئایا ئەو دانیشتنانە چ قازانجێکی بۆ شار و خەڵکەکە لێکەوتووە؟

بەڵێ لە ڕۆژنامەکان و چاپەمەنییەکان‌دا بڵاو کرایەوە و تا ڕادەیەک بروسکەی هیوا لێدرا و لە پاشان بارودۆخەکە گۆڕا و سەرچاوەی بەریاری دەوڵەتی زۆر بوون و هەروەها لە لایەن کوردەکانیشەوە تەمایەکی یەکدەست نەدەگیرا و هاوپەش و هاوڕا نەبوون کە لە پاشان شەڕی نەخوازراوی لێکەوتەوە.

ئەگەر هەڵەم نەکردبێ غەنی بلووریانیش لەو کۆبوونەوەیەدا بەشداری کرد، ئەو لە لایەن چ کەسێکەوە و یا نوێنەری چ دەستە و تاقمێک بوو و ئەو لەو دانیشتنەدا چ قسەیەکی کرد؟

کاک غەنی وەک نوێنەری حیزبی دیموکرات لەو کۆبوونەوەدا بەشدار بوو و ئاسایی‌یە کە دەبوو لە ماڵ نەتەوەیی کورد و هەڵوێستەکانی حیزب بدوێ، بەڵام ئەنیا قسە و پێشنیاری مامە غەنی ئەوە بوو کە تاقمێک لە لاوانی چەپ و مارکسیستی خەڵکی میاندواو کە بە هۆی دژایەتی و فشاری جەماوەر هەڵاتبوون و لە مەهاباد نیشتەجێ ببوون، دەوڵەت بشتوانێتان لێبکا و بگەڕێنەوە شارەکەی خۆیان و ئەمنییەتی ئەوان دەستەبەر بێ.

چەختی نوێنەرانی کورد لەو لێژنەدا زیاتر لە سەر چ بابەتێک بوو و لە بنەڕەتدا ئەوەری باسەکان چ بوون؟

خودموختاری و ماڵ ئەتەوەیی و حقووقی مەزهەبی و ئاوەدانی و... باس کران. بەکێک لەو بابەتانە کە لە دانیشتنەکەی مەهابادا باسی کرا و پێشنیار درا، ئەوە بوو کە بە پێی ئەوەی کە ئەرتەش سیستمێکی شامەنشاهییە با هەڵوەشێتەوە و ئەرتەشێکی خەڵکی و شۆڕشگێڕانە پێکبێ.

سپاس بۆ بەشداریتان لەم وتووێژەدا

مێنش سپاستان دەکەم و سەرکەوتووبن.

هفته نامه اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و هنری (فارسی، کردی)
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: اردشیر صدرالدینی
سردبیر: سلیمان منگوری
تایپ و صفحه‌آرایی: بخشان عزیزی ـ آوات حکیم‌زاده
نشانی: مهاباد، میدان استقلال، پاساژ شهید شهریکندی، طبقه دوم
صندوق پستی: ۵۳۹ - ۵۹۱۳۵
تحریریه: ۰۴۴۲-۲۲۳۷۴۴۴ نمابر: ۰۴۴۲-۲۲۳۷۴۴۳
گستره توزیع: آذربایجان‌غربی، ایلام، کردستان و کرمانشاه
چاپ: بنیاد رسالت

پەیامی کوردستان

ـ پیام کردستان در تلخیص و ویرایش مطالب آزاد است
ـ مطالب چاپ شده لزوماً نظر هفته‌نامه نیست
ـ مطالب را حتی‌الامکان تایپ شده یا با خط خوانا ارسال فرمائید
ـ مطالب ارسالی عودت داده نمی‌شود
WWW.kurdistanekem.com
E-mail:Peyami_Kurdistan@yahoo.com

شنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۵ ـ ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۴۲۷ ـ ۲۰ مه ۲۰۰۶ | سال دوم ـ شماره بیست و هشتم ـ ۱۶ صفحه | PEYAMIKURDISTAN/VOL.2 NO.28/SAT.20 May 2006

کێشەکانی سەرۆکوەزیری تازەی عێراق

وەرگێڕان لە ئینگلیسییەوە: ڕەحمان پەناهەندە

سەرۆکوەزیری هەڵبژێردراو جەواد ئەلمالیکی، خەریکی سازدانی دەوڵەتە. بەڵام سەرۆکوەزیری لاسار و تاکڕەو و لابردراو ئیبراهیم ئەلجەعفەری کێشە کۆنەکانی وەکوو دامرکانی شۆڕشەکان و ناڕامییەکان و لابردنی کێشەکانی نێوان سوننی و شیعە کە لەو مانگانەی دوایی‌دا بووبە هۆی گیان لە دەس‌دانی سەدان کەس، بە میرات هێشتەوە و جێبەجێی نەکردن. چاوەدێران هیوادارن کە ئەلمالیکی لە بەڕێوەبەری پێشوو پراگماتیکتر و بەدەسەڵاتترە. لە بیست و دووەمی ئاوریلەوە یانی سەردەمی هەڵبژاردنی سەرۆکوەزیر، ئەلمالیکی لە ڕۆژنامەی ئامانجەکانی هاوبەش کە سەرۆکوەزیری پێشوو هەیبوو، پشتیوانی کردووە. ئەو ٢٣ی ئاوریل لە کۆبوونەوەیەکدا گوتی: "دەوڵەتی عێراق دەبێ هەوساری وڵات بەدەستەوە بگرێ، نەک هێزی نیزامی. هێزەکانی نیزامی تەنیا دەبێ لە ژێر چاوەدێری دەوڵەتدا کار بکەن." ئەلمالیکی هەروەها گوتی: "یاسایەک بە مەبەستی یەکێتی نێوان هێزەکانی خەڵکی (پێشمەرگە) و هێزەکانی نیزامی لە ئارادایە، بەو مەبەستە کە دژایەتی هەمەر دیکتاتۆری و ملهوڕی لە بیر خۆیان نەبەنەوە کە ئەزماریان یازدە حیزبە." ئەو هەروەها گوتی کە دەوڵەتەکەی بۆ چوونەسەری کارامەیی و لێهاتوویی هێزەکانی ئەمنییەتی بە مەبەستی دابین کردنی ئاسایش و ئەمنییەتی وڵات تێدەکۆشێ و خوازیاری یەکپارچەییەکی نەتەوەییە. "ئێمە دەخوازین بنەماڵەیەک پێکبهێنین کە خودانی ڕابردوویەکی حیزبی و ڕەگەزی نییە."

بایخێک بۆ پراگماتیسم

"ڕاڤەوانی ناوچەیی "کاسلین ڕیدۆلفۆ" نامازە بە وەخاڵە دەکا کە ئەلمالیکی و ئەلجەعفەری خاڵی هاوبەشیان نێوە. بۆ وێنە بەڕێوە بردنی حیزبی سیاسی شیعە مەزهەب بە ناوی "الدعوە". بەڵام بەو حاڵەش جیاوازی زۆریان بەرامبەر بە یەک هەیە. ئەلمالیکی مەئموری ڕەدەبالای حیزبی ئیسلامی "الدعوە" و ڕاوێژکاری نزیکی جەعفەری بوو. ڕیدۆلفۆ گوتی: "هەر چەند ئەو دوو کەسە خاڵی هاوبەشیان گەلێکە، بەڵام هەر بەو جۆرەی کە زۆربەی ئەو کەسانەی ئەلمالیکی ناس دەکەن، ئەو پراگماتیسمێکی پێداگرە کە دەتوانێ بە مەبەستی خۆی بگا. سەرۆکوەزیری پێشوو جەعفەری لە ئاشت بوونەوەدا گەلێک لاوازتر لە مالیکی دێتە بەرچاو."

جەعفەری دوکتورێکی خوێندەوار و لە قسە کردندا ئارامە و تا ڕادەیەک بێسەروبەر دەئاخڤێ، کەچی ئەلمالیکی ڕاوەستاوتر و بە دەسەڵاتترە و جەخت لە سەر بڕواکانی خۆی دەکا و هەروەها گوتی کە ئەو زیاتر عەقڵانییەت ڕەچاو دەکا و هیوادارە کە ئاشتێکی زیاتر لە بەڕێوەبەری پێشوو دەستەبەر بکا. ئەگەرچی ئەلمالیکی ئەزموونێکی کورتی لە دەسەڵاتداری‌دا هەیە، بەڵام ئەم ڕۆڵانەی کە تا ئێستا بینیویەتی، بریتی بوون لە ئەندامی سەرەکی ڕەشنووسی بنەڕەتی بۆ دەزگای یاسادانەری عێراق لە ساڵی ڕابردوودا و هەروەها ڕۆڵی هەساس و بەرچاو لە کومیتەی سەربەخۆی دژی بەعس (سڕینەوەی بەعس)دا.

تاقمێک لە چاوەدێران دەڵێن کە ئەو لە درێژەی کردەوەکانی لە تەشکیلاتی یاسادانەری عێراق "دەستوور"، پەیوەندێکی باشی لەگەڵ حیزبە کوردییەکان ساز داوە، بەڵام لە کومیتەی دژ بە بەعس‌دا سیاسەتێکی زیاتر شەڕخوازانە و پەلامارخوازانەی بەرامبەر بە ڕێبەرە سوننییەکان هەبووە.

سوننییەکان کە لە ژێر چاوەدێری ڕیدۆلفۆ دەڵێن کە ڕەشبینی سوننییەکان

بووبە هۆی لێڵ بوونی ئەو بابەتە کە ئایا ئەلمالیکی دەتوانێ یەکپارچە بوونی نەتەوەیی کە بۆ سەرگرتنی حەوڵی بۆ دەدا، دەستەبەر بکا؟ پێشتر تاقمێک لە ڕێبەرە سوننییەکان دژایەتی خۆیان بەرامبەر بە کاندیدا بوونی ئەلمالیکی دەبڕی و قسەیان ئەوە بوو کە ئەلمالیکی گەلێک حیزبخوازە. ڕیدۆلفۆ گوتی کە ئەوان لە پاشان لایەنگری خۆیان لە ئەلمالیکی بە مەرجی پشتیوانی شیعەکان لە نوێنەری ئەوان واتە مەحموود ئەلمەشهەدانی کە بە ڕوانگەی شیعەکان کەسایەتییەکی ئیسلامی کەللەڕەقە بۆ وتەبێژی پارلمان، دەبڕی.

بۆ وە دەس هێنانی پشتیوانی کوردەکان و سوننییەکان لە ئەلمالیکی وەکوو سەرۆکوەزیر، ئیتحادیەی بە دەسەڵاتی شیعە ڕەزایەتی خۆی لە دایەش کردنی پۆستە سەرەکییەکان لە بەغدا دەربڕی، هەر هەمان سیاسەت و کردەوەیەک کە بە هاوڕێتی جەعفەری بەڕێوەیان دەبرد. سەرۆکی کورد، جەلال تاڵەبانی وەکوو سەرۆکۆماری عێراق لە بەعسییەکان‌دا شکڵیان گرتووە، زۆربەیان تیکۆشانەکانی کومیتە بۆ سڕینەوەی حکوومەت لە بەعسییەکان، وەکوو هەڵتەکاندنی کۆمەڵگا لە سیاسەت چاو لێدەکەن.

ئایا یەکپارچە بوونی نەتەوەیی سەر دەگرێ؟

ڕیدۆلفۆ دەڵێ کە ڕەشبینی سوننییەکان

بەرامبەر بە پۆستی خۆی‌دا دەمێنێتەوە، لە حاڵێکدا ئەلمەشهەدانی سیاسەتوانی سوننی پۆستی وتەبێژی پارلمان بە دەست دێنێ.

ڕاڤەکاران دەڵێن کە زۆربەی هەڵوێستە سیاسییەکانی (ئەلمالیکی)یش لە دەوڵەتدا هەمیشە لە کورد و سوننی شەڕخوازانە و دژکردەوانە دەبێ. سەرۆکوەزیری هەڵبژێردراو چەشنی جەعفەری لابراو، دژی ئیستای فیدرالی عێراق بە توندی وەک ڕابردوو لێدەکاتەوە و لەم دوایی‌یانەش‌دا لە وتووێژێکدا لەگەڵ ڕۆژنامەی بریتانیایی گاردییەن دەربڕی کە "سەردەمی حکوومەتی ئاوەندی بەسەر چووە".

سوننییەکان دژی تێکۆشانی شیعەکان بۆ گەشەدانی فیدرالیسم بە مەبەستی پەرەپێدانی بازنەی حکوومەتی خودگەردانی خۆیان لە دەڤەرەکانی باشوور و ناوەندی عێراقن.

سەرۆکوەزیری هەڵبژێردراویش وەکوو جەعفەری کەسێکی ئیسلامگەرایە، کە خوازیاری پایەخەکانی بەرزی ئیسلامییە بە نرخی نزم بوونەوە و سووکایەتی ئەرزش و پایەخەکانی بەرزی غەیرەڕۆحانی. حیزبە کوردییەکان بە توندی جەعفەریان لەم بارەوە سەرکۆنە کرد.

هەڵوێستەکانی ئەلمالیکی لە ماوەی ژیانی‌دا و لە تاراوگەدا شکڵیان گرت. ئەو ساڵی ١٩٨٠ بۆ ڕزگاربوون لە حوکمی سێدارە بە سزای دژایەتی کردنی لەگەڵ حکوومەت ڕای کرد، کە سەرەتا لە ئێرانی خواست کە وەک پەنابەرێکی سیاسی قبوولی بکا و لە پاشان وێڕای جەعفەری، لە وحاڵەدا کە حیزبی "الدعوە" تووشی گرفت ببوو، بەرەو وڵاتی سووریا ڕۆیشتن.

ئەلمالیکی لە دەمیشق گۆڤاری وتەبێژی حیزبی ئیسلامی "الدعوە" بڵاو کردەوە. هەروەها چەندەها ساڵ ڕێبەری بەشێک لەو حیزبەی بوو کە لە دژی ڕژێمی بەعس پێکهاتبوو و زۆر زوو بەرلە پەلاماری ئەمریکا بۆ عێراق لە ساڵی ٢٠٠٣ بۆ وڵاتی عێراق گەڕایەوە.

دوا پەیام

ڕۆژنامەگەری ڕانتێر و چەند وتەیەک

بەبۆنەی ڕۆژی جیهانی پێوەندییەکان

دوکتور سەلاحەدین خەدیو

ڕۆژنامەی ڕانتێر"م بە شێوازی "دەوڵەتی ڕانتێر" داناوە. ڕۆژنامەی ڕانتێرهەم دەتوانێ بەرهەمی دەوڵەتی ڕانتێر بێ و هەمیش دەکرێ بە هاریکاری بێکگراوندێکی تەئبیقی، تایبەتمەندییەکانی جۆرە ڕۆژنامەیەک تاوتوێ بکرێ کە نە دەوڵەتییە و نە حیزبی و نە تەواو سەربەخۆ و... ڕەنگە کردنەوەی زیاتری وردەکارییەکانی ئەم باسە، بتوانێ گرێ‌پووچکەیەکی نیزریک بکاتەوە و بۆ پێناسە کردنی نموونە جۆریە جۆرەکانی ڕۆژنامەگەری ئەمڕۆی کوردی بە سوود بێ. دیارە کە دابەشبێنی سادە و ساکاری ڕۆژنامە و گۆڤارەکان بە دور دەستەی دەوڵەتی و نادەوڵەتی ناتوانێ تەواوی واقیعی ئەمڕۆی ڕۆژنامەگەری کوردی نیشان بدا. هەر بۆیە لە پێناو وردبینێکی زیاتردا، ئێمە ڕۆژنامەکان سەرەتا بە سێ دەستەی دەوڵەتی و نادەوڵەتی و حیزبی دابەش دەکەین. پاشانیش نادەوڵەتییەکان لە دوو خانەی "سەربەخۆ" و "ڕانتێر"دا لێک جودا دەکەینەوە. هەڵبەت لێرەدا دەبێ ئەمە بڵێین کە ئەم دابەش کردنە هەڵگری هیچ قەزاوەتێکی سیاسی یان ئەرزشی تایبەت نییە، بە واتایەکی دیکە ئێمە قسە لەمە ناکەین کام یەک لەم چەشنە ڕۆژنامانە باشترن، بەڵکوو تەنیا دەمانەوێ لە دەلاقەی "ئابووری سیاسی" مەتیووەاتەوە ڕەهەندێک بە ڕەو پۆلێزبەندی ڕۆژنامە کوردییەکان بکەینەوە.

با ئەمەش بڵێین کە ئەم شێوە دابەشبێنە هاوێ لەگەڵ وردبینییەکەی، هەندێک خاڵی کوێر(نقاط کوێر)یشی هەیە. بۆ نموونە دەتوانین بڵێین کە ڕۆژنامەی دەوڵەتیش جۆرە ڕۆژنامەیەکی ڕانتێرە. بەڵام لە عەینی حاڵیش‌دا دەکرێ ئەم باسەوە بسێنینەوە کە "ڕانت" لە ئەساس‌دا چەمکێکی درێژو بێزلیکراوی ئابووریە و حاڵەتێکی ناشیرین و شاراوەی هەیە و ئەمەی کە لە حاڵەتی ئیستاندارەی خۆی‌دا، ڕۆژنامە دەوڵەتییەکان وەریدەگرن، بە هۆی دیاریکراو بوون و شەفافییەتی ماڵی و بەرپرسیارێتی یاسایی هاوڕێی، بەر لەوە کە ڕانت بێ "سوبسیدە". هەر چەند لە وڵاتانی نادیموکراتیکدا بە هۆی ئەبوونی شەفافییەت، سنووری نێوان ڕۆژنامەی دەوڵەتی و نادەوڵەتی و هەروەها "سوبسید" و "ڕانت" دیار نییە، بۆ وێنە بروانە ڕۆژنامەی ئابیدە ر لە دوای ساڵی ٧٧ و سەرەوە ئێستا. لە وڵاتانی ڕۆژئاوایی کە ئازادی چاپەمەنی وەکوو ئەسڵێکی حاشالێنەکراو بە ڕەسمی ناسراوە، بە لەبەرچاو گرتنی خاڵە یاسایی‌یەکان، ئەم وردەکارییانە بە جیددی لەبەرچاو دەگیرێن. ئەنانەت لە هێندێک لە وڵاتانی دەروچیرانیشدا کە خاوەنی ڕابردوویەکی دەوڵەمەندن لە بواری ڕۆژنامەگەرین، تا ڕادەیەک ئەم حاڵەتە دەبینرێ. وەک ئاژانسی نیوەڕەسمی ئاناتۆلی (تورکیا) و ڕۆژنامەی نیوەڕەسمی ئەلئەهرام (میسر) و... کە پاشگری ناوەکانیان نیشاندەری ئەم وردبینییە یاسایی‌یەن.

بۆ ئەوەی کە زۆر لە مەبەستی سەرەکی یاسەکەمان دوور نەکەینەوە با پێشەکی پێناسەیەکی کورت لە مانای "ڕانت" و دەوڵەتی ڕانتێر بکەینە بەرباس. ١ـ لە پێناسەیەکی زۆر سادەدا، ڕانت بەم وەرگیراوە(دریافتی) دەگوترێ کە لە چالاکییە نابەرهەمهێنەر(غیرمولد)ەکانەوە دەست دەکەوێ. واتە ڕانت، قازانجێکی بابردەلەبە کە وە دەس هاتنی ئەک لە ڕێگای بەشداری لە چالاکییە بەرهەمهێنەرەکان، بەڵکوو لە پانتای هەبوونی دەسەڵاتی بێ‌ئیختیار کردنی خەڵکانی دیکە، وەدی دێ... هەبوونی ڕانت لە هەر سیستمێکی ئابووری‌دا، بە مانای پێدانی ئەگونجاوی "سەرچاوەکان" و هەروەها ناعادلانە بوونی نیزامی ئابوورییە و لە سەر یەک، دەبێتە لەمپەر و ئاستەنگی کە شەی ئابووری.

ئەگەر لە پێناسەیەکی زۆر کورت و سادەش‌دا، ئابووری بە بەرهەمهێنانی داهات مانا کەینەوە، دەکرێ بڵێین کە دەوڵەتی ڕانتێر دەوڵەتێکە کە سیستمی ئابوورییەکەی لەبری مکانیزمە سروشتی و زانستییەکانی بەرهەمهێنانی داهات، بەستراوەتەوە بە داهاتێکی سروشتی وەک نەوت و... ئەم وابەستە بوونەش، هەڵومەرجێکی وا دەخولقێنێ کە دەوڵەت ڕاستەوخۆ وەک چینێکی تایبەتی لە سەرووی چینە کۆمەڵایەتییەکانی لێ بێ و بە هیچ جۆرێک پێداویستی بە هاوڵاتیانی نەمێنێ.

۱۵ ←

تێکۆشەری کوردستان، ئەیلا قاسم

۱۰ ←

ڕژێمی عێراق لە زیندوو بوونی ئەو پێنج لاوە کورده زۆر دەترسا، بۆیە هێشتا دوو هەفتە بە سەر دەستگیر کردنیان تێنەپەڕیبوو، کاتژمێر ٧ی سەرلەبەیانی ڕۆژی ١٩٧٤/٥/١٢ ئەیلا قاسم و هەر چوار هاوڕێکەی لە سێدارەدران. سەلام قاسمی، برای ئەیلا قاسم، ماوەیەک دوای لە سێدارەدانی ئەیلا هەر لە بەغدا لە لایەن بەعسییەکانەوە شەهید کرا. تاوانی سەلام قاسم تەنیا ئەوە بووە کە وێنەی ئەیلای خوشکی ناردبوو بۆ دەستی قوتابیانی کورد و ئەندامانی یەکێتی قوتابیانی کوردستان لە دەرەوەی وڵات. دایک و باوکی ئەیلا قاسمیش بە هۆی ئەدەستدانی دوو ڕۆڵەیان، هەر زوو بە کۆست و خەمێکی گەورەوە سەریان ناوەتەوە و کۆچی دوایان کردووە.

هەواڵی لە سێدارەدانی ئەیلا قاسم بە سەرتاپای کوردستان‌دا بڵاو بۆوە. هەروەها هەندێک لە چاپەمەنییەکانی ئەوساکەی جیهان هەواڵی لە سێدارەدانی ئەیلا قاسمیان وەک لە سێدارەدانی یەکەم ژن لە مێژووی سیاسی عێراق‌دا بڵاو کردەوە. ئەیلایەک لە سێدارە دراو، بەڵام هەزاران ئەیلا لەدایکبوون. دوای ئەیلا قاسم لە سەرتاپای کوردستان هەزاران منداڵی کورد بە ناوی ئەیلاوە ناونران. ئەیلا قاسم بوو بە چیرۆک و داستان و هەڵبەستی شاعیرانی گەورەی کوردی وەک جگەرخوێن و زۆری تر.

سەرچاوە: دیمانە

جناب آقای دکتر جمیل قادری ریاست محترم دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد

اعضای محترم هیأت مؤسس دانشگاه آزاد اسلامی واحد سردشت

ضمن تبریک به مناسبت فرا رسیدن روز معلم، از زحمات بی‌شائبه و بی‌پایان جنابعالی و همکاران و تلاش‌های بی‌وقفه اعضای محترم هیأت مؤسس واحد شهرستان سردشت که به حق گل واژه تعلیم را بر لوح وجود رقم زده و با تأسیس آن واحد به انتظارات مردم دانش‌دوست و فرهنگ‌پرور این شهرستان پاسخ گفته‌اید، نهایت تشکر قلبی خود را اعلام نموده و از درگاه خداوند سبحان روزهای سرشار از سعادت، سلامت و قرین پایداری برای تمامی سروران آرزومندم. نامتان ماندگار، کامهایتان استوار.

عثمان مزین

جناب آقای مهندس ادب

مصیبت وارده و درگذشت دایی بزرگوارتان را حضور جنابعالی و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده، از خداوند متعال برای آن مرحوم طلب عفو و برای بازماندگان صبر جمیل خواهانیم.

اعضای شورای موقت جبهه متحد کرد استان آذربایجان غربی

جناب آقای جعفر ذوالفقاری

انتصاب شایسته شما به عنوان فرماندار مهاباد، نشان از لیاقت و کاردانی شما دارد و موجب غرور و افتخار همکارانتان در جمعیت هلال احمر است. ضمن تبریک به جنابعالی، برایتان از ایزد منان موفقیت روزافزون را خواهانیم.

جمعیت هلال احمر مهاباد

جناب آقای جعفر ذوالفقاری

انتصاب شایسته و به‌جای جنابعالی به عنوان فرماندار مهاباد را تبریک عرض نموده و از درگاه ایزد منان برایتان توفیق روزافزون را آرزومندیم.

مدیر مسئول، سردبیر و تحریریه
هفته‌نامه پیام کردستان

برادر ارجمند
جناب حاج آقا ذولفقاری

انتصاب شایسته جنابعالی را به سمت فرمانداری شهرستان مهاباد صمیمانه تبریک و تهنیت عرض می‌نماییم.

دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد

دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد برگزار می‌کند:

ـ نخستین همایش نقش و تأثیر مثبت دانشگاه آزاد اسلامی بر توسعه منطقه

زمان: ۲۷ اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۵، مکان: سالن اجتماعات دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد

ـ برگزاری اولین نمایشگاه دستاوردهای ۲۰ ساله دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد

زمان: ۲۷ اردیبهشت الی ۳ خرداد ۱۳۸۵، سالن شهرداری مهاباد